

را توشه

فصلنامه علمی - تخصصی ویژه مبلمان

پایه ۱۴۰۵ - خرداد ۱۴۴۸ - شماره ۲۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم
معاونت فرهنگی - تبلیغی و رسانه‌ای نوین
گروه تولید محتوا

معاونت فرهنگی و تبلیغی

◀ صاحب امتیاز:

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

◀ مدیر مسئول:

سعید روستا آزاد

◀ سردبیر:

مصطفی آزادیان

◀ کارشناس اجرایی:

اکبر اسماعیل پور

نشریه «ره توشه» بر اساس پروانه انتشار به شماره ثبت ۸۶۲۴۴ تاریخ ۱۳۹۸/۱۲/۵ معاونت امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، به عنوان فصلنامه تخصصی منتشر می شود.

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)	
عبدالکریم پاک نیا تبریزی	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی خادمی	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
ناصر رفیعی محمدی	◀ عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه
سعید روستا آزاد	◀ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
عیسی عیسی زاده	◀ عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
میر تقی قادری	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم
علی نظری منفرد	◀ استاد سطح عالی حوزه علمیه قم

ویراستار:

مرتضی غلامی

چاپ:

مؤسسه بوستان کتاب

ISSN: 2980-8804 (Print)

ISSN: 2821-2797 (Online)

آدرس:

قم، چهارراه شهدا، معاونت فرهنگی و تبلیغی، طبقه اول، گروه تولید محتوا

کد پستی: ۳۷۱۵۷۹۱۸۱۱

تلفن:

۰۲۵ - ۳۱۱۵۲۰۹۸

پایگاه اینترنتی:

<http://rahtoosheh.dte.ir>

پست الکترونیک:

tabligh@dte.ir

شمارگان:

۱۰ نسخه

قیمت:

۱۵۰۰۰ تومان



امام خمینی (قدس سره):

«اگر یک روحانی پایش را کیج بگذارد می گویند: «روحانیین این طورند»، نمی گویند فلان آدم... اگر یک روحانی خدای نخواستہ، یک خطایی بکند، این طور الآن وضع شده است که می گویند روحانیون این جورى اند. مسئولیت، یک مسئولیت بزرگی است که یکی اگر پایش را غلط بگذارد این طور نیست که پای خودش حساب بشود، پای روحانیت اسلام حساب می شود، شکست روحانیت اسلام است. از این جهت هر خطایی که از ما و شما آقایان خدای نخواستہ، تحقق پیدا بکند... پای همه حساب می شود؛ حتی آن طلبه ای که در مدرسه دارد درس می خواند، آن هم وقتی که یک خطایی بکند پای خودش حساب نمی شود، پای دیگران هم حساب می کنند. مسئولیت بسیار بزرگ است.»

بیانات در جمع علما و روحانیون شیعه و سنی، ۱۶/۲/۱۳۶۴

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مد ظله العالی):

«ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آنها را برانگیزیم؛ درحالی که از مذمت شهوات دنیوی حرف می زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده خواهی های دنیوی حرف می زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی کند، یا اثر زودگذر می کند، یا اثری می کند که بعد با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.»

بیانات در دیدار روحانیان و مبلغان، ۱/۵/۱۳۸۴

فهرست مطالب

دین اخلاق پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبه فدکیه با محوریت اخلاق پروری ۵

حجت الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مبینی

زندگی قرآنی حضرت زهرا سلام الله علیها ۱۷

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی

خطبه فدک یا خطبه ولایت؟ ۳۱

حجت الاسلام والمسلمین محمدهادی یعسوبی

پرچم داری بانوان با الگوگیری از حضرت زهرا سلام الله علیها ۴۵

حجت الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی

الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها ۵۵

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی

خانواده فاطمی؛ الگوی عملی تحکیم خانواده در اسلام ۶۹

راضیه مرزانی

نقش حضرت زهرا سلام الله علیها در جنگ و جهاد ۸۱

سید محمدعلی ذکری

دین اخلاق‌پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبه فدکیه با محوریت اخلاق‌پروری

حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمدعلی مبینی*

چکیده

این نوشتار با تکیه بر «خطبه فدکیه» حضرت زهرا (علیها السلام)، به تبیین یکی از ویژگی‌های مهم دین در مکتب فاطمی، یعنی اخلاق‌پروری و تربیت انسان می‌پردازد. در این نگاه، عبادات در منظومه فاطمی تنها مجموعه‌ای از تکالیف نیستند، بلکه باید در اصلاح نفس و رفتار انسان اثرگذار باشند. بر این اساس، میان انجام عبادت و اثرپذیری از عبادت تمایز گذاشته می‌شود. در این نوشتار از «دینداری بی تفاوت به اخلاق» سخن خواهیم گفت؛ یعنی نوعی دینداری که عبادات در آن انجام می‌شود؛ اما آثار تربیتی آنها در رفتار و روابط انسان دنبال نمی‌شود. حاصل این نوشتار «ارائه یک معیار فاطمی برای خودسنجی دینداری است»: اینکه آنچه به نام دین انجام می‌دهیم، تا چه اندازه در اخلاق، رفتار و مسئولیت‌پذیری ما اثر گذاشته است؟

کلید واژه‌ها: مکتب فاطمی، خطبه فدکیه، اخلاق‌پروری، دینداری و تربیت اخلاقی، خودسنجی دینداری.

دین قرار است با ما چه کند؟

یکی از پرسش‌هایی که در ایام فاطمیه می‌تواند ما را از سطح عادت و تکرار به عمق معارف اهل‌بیت علیهم‌السلام ببرد، این است که دین قرار است با انسان چه کند؟ ما نماز می‌خوانیم، روزه می‌گیریم، صدقه و زکات می‌دهیم، قرآن می‌خوانیم و در مجالس اهل‌بیت علیهم‌السلام حاضر می‌شویم؛ اما باید پرسید این اعمال چه آثاری باید در ما داشته باشند؟

دین، انسان را به انجام تکالیف فرامی‌خواند؛ اما تکلیف در منطق دین از تربیت و اصلاح انسان جدا نیست. عبادات در مسیر ساختن و رشد انسان قرار دارند و قرار است نسبت آدمی را با خدا، خودش و دیگران اصلاح کنند. بنابراین اگر عبادتی از نظر تکلیف انجام شده باشد، اما آثار تربیتی آن هنوز در شخصیت انسان به اندازه انتظار ظهور نکرده باشد، نمی‌توان گفت همه آنچه از این عبادت انتظار می‌رود، تحقق یافته است. ممکن است صورت تکلیف انجام شده باشد؛ اما انسان هنوز به حقیقت تربیتی آن راه نیافته یا آن را چنان‌که باید در زندگی خود محقق نکرده باشد.

«خطبه فدکیه» حضرت زهرا علیها‌السلام از متونی است که نسبت میان تکالیف الهی و ساخته‌شدن انسان را به‌روشنی پیش‌روی ما می‌گذارد. حضرت پس از بیان معارف توحیدی و جایگاه پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآلهم‌وسلم، هنگامی که به احکام و معارف الهی می‌رسند، برای آنها آثار و حکمت‌هایی تربیتی و اجتماعی بیان می‌کنند:

فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ، وَالصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَالزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ وَنَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَالصَّيَّامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَالْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَالْعَدْلَ تَنْسِيقاً لِلْقُلُوبِ، وَطَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ...^۱

در همین چند جمله به‌خوبی نسبت میان دین و تربیت انسان دیده می‌شود: ایمان با تطهیر از شرک، نماز با دوری از کبر، زکات با تزکیه نفس، روزه با تثبیت اخلاص و عدالت با هماهنگی دل‌ها پیوند خورده است. حضرت فقط از خود احکام سخن نمی‌گویند، بلکه به این نیز توجه می‌دهند که این احکام قرار است چه چیزی در انسان و جامعه به وجود آورند.

از این فرازا می‌توان دریافت که اسلام، دینی اخلاق‌پرور است؛ یعنی دینداری باید به رشد

۱. احمد بن ابی‌طاهر ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳؛ احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج علی اهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۹.

دین اخلاق پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبه فدکیه با محوریت اخلاق پروری ■ ۷

اخلاقی انسان و اصلاح رفتار او بینجامد. اگر این پیوند فراموش شود، ممکن است عبادت انجام شود؛ اما آثار تربیتی آن در رفتار و شخصیت انسان به اندازه‌ای که انتظار می‌رود ظهور نکند. در این حالت، با نوعی دینداری روبرو هستیم که در برابر اخلاق بی‌توجه شده است؛ نه از آن حیث که عبادت بی‌ارزش یا باطل است، بلکه بر این اساس که اثر تربیتی آن در زندگی انسان دنبال نشده یا هنوز به اندازه کافی در شخصیت او آشکار نشده است.

اما اگر این فاصله بیشتر شود و انسان از دین برای توجیه رفتارهای نادرست خود استفاده کند، مسئله جدی‌تر می‌شود. ممکن است کسی به سبب دینداری خود احساس برتری کند، دیگران را تحقیر کند، برای خود حقی فراتر از دیگران قائل شود یا حتی ظلم خود را با توجیهات دینی بپوشاند. اینجا دیگر فقط با بی‌توجهی به اخلاق مواجه نیستیم، بلکه با وضعیتی روبرو هستیم که می‌توان آن را «دینداری اخلاق‌سوز» نامید؛ یعنی دینداری که به جای آنکه انسان را به تواضع، عدالت و رعایت حق نزدیک کند، برخی نشانه‌ها و مفاهیم دینی را در خدمت رفتارهای غیراخلاقی قرار می‌دهد.

بنابراین دغدغه ما در دینداری باید این باشد که آنچه به نام دین انجام می‌دهیم، در درون و بیرون ما چه آثار مثبتی ایجاد می‌کند. از همین جا می‌توان به کلام حضرت زهرا علیها السلام پناه برد تا ببینیم آنچه حضرت درباره آثار ایمان، نماز، روزه، زکات و عدالت بیان می‌کنند، در زندگی ما چه اندازه تحقق یافته است. اینجا «خطبه فدکیه» برای ما به آینه‌ای برای دیدن کیفیت دینداری خودمان تبدیل می‌شود.

نماز؛ رهایی از کبر

حضرت زهرا علیها السلام در بیان آثار احکام الهی می‌فرماید: «وَالصَّلَاةُ تَنْزِيهَا لَكُمْ عَنِ الْكِبَرِ: خداوند نماز را برای دور شدن شما از کبر قرار داد».

نماز، انسان را در برابر خداوند به خضوع و خشوع وامی‌دارد؛ هر روز می‌ایستد، تکبیر می‌گوید، رکوع می‌کند و پیشانی بر خاک می‌گذارد تا حقیقت بندگی را به خود یادآوری کند. بنابراین نماز در درجه نخست باید روحیه استکبار و خودبزرگ‌بینی انسان در برابر خدا و حق را در او تضعیف کند.

خداوند متعال درباره نماز می‌فرماید: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى

الْخَاشِعِينَ^۱: از صبر و نماز یاری بجوید؛ و این کار جز بر خاشعان گران و دشوار است». در این آیه، نماز با خشوع پیوند خورده است. علامه طباطبایی با اشاره به تفاوت «خشوع» و «خضوع» توضیح می‌دهند که خضوع بیشتر در رفتار و حالت ظاهری آشکار می‌شود، اما خشوع با حالت قلب و درون انسان ارتباط دارد؛^۲ زیرا نماز تنها مجموعه‌ای از حرکات ظاهری نیست. قیام، رکوع و سجده هنگامی در ساختن انسان اثر عمیق‌تری می‌یابند که دل نیز در برابر عظمت خداوند خاشع شود و انسان در درون خود حقیقت بندگی را تجربه کند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در خطبه قاصعه هنگامی که از آثار تربیتی عبادات سخن می‌گویند، می‌فرماید:

وَعَنْ ذَلِكَ مَا حَرَسَ اللَّهُ عِبَادَةَ الْمُؤْمِنِينَ بِالصَّلَوَاتِ وَالزَّكَوَاتِ وَمُجَاهِدَةِ الصِّيَامِ فِي الْأَيَّامِ الْمَفْرُوضَاتِ، تَسْكِينًا لِأَطْرَافِهِمْ، وَتَخْشِيعًا لِأَبْصَارِهِمْ، وَتَذَلِيلًا لِنَفُوسِهِمْ، وَتَخْفِيفًا لِقُلُوبِهِمْ، وَإِذْهَابًا لِلْخِيَلِ عَنْهُمْ: خداوند بندگان مؤمن خود را به وسیله نماز، زکات و روزه‌های واجب پاسداری و حفظ کرده است تا اندام‌هایشان آرام گیرد، دیدگانشان خاشع شود، نفس‌هایشان فروتن گردد، دل‌هایشان متواضع شود و خودبزرگ‌بینی از آنان دور شود.

سپس درباره سجده می‌فرماید: «وَلَمَّا فِي ذَلِكَ مِنْ تَغْيِيرِ عِتَاقِ الْوُجُوهِ بِالتَّرَابِ تَوَاضَعًا، وَالتِّصَاقِ كَرَامِ الْجَوَارِحِ بِالْأَرْضِ تَصَاغُرًا: در سجده، چهره‌های شریف بر خاک قرار می‌گیرند تا انسان فروتنی کند و اندام‌های گران‌قدر بدن به زمین می‌چسبند تا انسان در برابر خداوند خود را کوچک و فروتن ببیند».

در ادامه می‌فرماید: «انْظُرُوا إِلَى مَا فِي هَذِهِ الْأَفْعَالِ مِنْ قَمْعِ تَوَاجِمِ الْفَخْرِ، وَقَدْحِ طَوَالِعِ الْكِبَرِ: در این اعمال بنگرید که چگونه سرچشمه‌های فخر و نشانه‌های کبر را در انسان مهار می‌کنند».^۳ پس در منطق فاطمی و علوی، نماز پیش از هر چیز به مثابه تمرین بندگی و شکستن استکبار انسان در برابر خداست. اما این تربیت در همین جا متوقف نمی‌شود؛ زیرا کسی که خود را بنده خدا می‌داند، باید مراقب باشد که خود را برتر از بندگان او نبیند. در روایتی از امام صادق علیه السلام،

۱. بقره: ۴۵.

۲. سیدمحمدحسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۵۳، ذیل آیات ۴۵ و ۴۶ سورة «بقره».

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۲ (معروف به خطبه قاصعه).

کبر چنین تعریف شده است: «الْكِبْرُ أَنْ تَغْمِصَ النَّاسَ وَتَسْفَهَ الْحَقَّ»^۱ کبر آن است که مردم را خوار بشماری و حق را سبک بشماری».

بنابراین کبر هم با حق ناپذیری ارتباط دارد و هم می تواند در تحقیر مردم ظهور کند. نماز با شکستن ریشه این خودبزرگ بینی، زمینه چنین تحول اخلاقی را فراهم می آورد؛ اما تحقق آن نیازمند توجه انسان به حقیقت عبادت است. ممکن است کسی سال ها نماز بخواند، اما آثار تربیتی نماز در شخصیت او هنوز به اندازه انتظار ظهور نکرده باشد. سخن از بطلان نماز نیست، بلکه سخن از عبادتی است که باید در جان انسان اثر تربیتی خود را نشان دهد.

اینجاست که تفاوت میان دینداری اخلاق پرور و دینداری بی تفاوت به اخلاق روشن می شود. در دینداری اخلاق پرور، انسان پس از نماز از خود می پرسد: آیا این عبادت چیزی از استکبار و خودبزرگ بینی من کم کرده است؟ وقتی فرمان خدا با خواسته من تعارض پیدا می کند، آیا حق را می پذیرم یا بر خواسته خود اصرار می کنم؟ آیا در خانه، خود را همیشه برتر از همسر و فرزند می بینم یا می توانم سخن و حق آنان را بپذیرم؟ آیا در محیط کار، جایگاه خود را دلیل برتری می دانم یا برای سخن همکار و زیردست نیز ارزش قائلم؟ وقتی کسی از من انتقاد می کند، آیا به سرعت خود را برحق می دانم یا می توانم احتمال خطای خود را بپذیرم؟ نماز اگر انسان را به حقیقت بندگی نزدیک کند، انتظار می رود در همین موقعیت های ساده نیز از شدت خودبزرگ بینی او بکاهد.

روژه؛ استواری اخلاص

حضرت زهراب علیه السلام درباره روزه می فرماید: «وَالصَّيَامُ تَثْبِيتًا لِلْإِخْلَاصِ: خداوند روزه را برای استوار کردن اخلاص قرار داد».

نماز، انسان را در برابر خداوند خاشع و خاضع می کند؛ اما همین انسان خاشع ممکن است خیلی از اوقات متوجه خودش شود و به نیازهایش توجه کند. روزه تمرین می دهد تا در کشاکش نیازها نیز مرکز توجه انسان از خود به سوی خدا جابجا شود. روزه به ما می آموزد که نیازها و خواسته ها نباید مرکز فرماندهی انسان باشند؛ از این رو روزه را می توان تمرین جابجایی مرکز توجه دانست. گرسنگی و تشنگی، توجه انسان را به سوی نیازهایش می کشانند؛ اما روزه به انسان

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۱۰، کتاب الإیمان والکفر، باب الکبر، ح ۸.

می‌آموزد که در برابر کشش نیاز و میل، مکث کند و فرمان الهی را بر پاسخ فوری به خواسته مقدم بدارد. نیاز همچنان وجود دارد؛ اما دیگر تنها معیار تصمیم‌گیری نیست. انسان نیاز دارد، اما نیاز او همه حقیقت او نیست؛ چیزی را می‌خواهد، اما هر خواستنی نباید بی‌درنگ به انجام‌دادن تبدیل شود.

خداوند متعال درباره روزه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شد، همان‌گونه که بر پیشینیان مقرر شده بود؛ باشد که تقوا پیشه کنید». این آیه، روزه را با تقوا پیوند می‌دهد؛ یعنی انسان در برابر انتخاب‌ها و رفتارهای خود مراقب باشد. روزه یکی از روشن‌ترین تمرین‌های این مراقبت است؛ زیرا انسان در برابر یک نیاز طبیعی قرار می‌گیرد، اما می‌آموزد که هر نیاز، فرمان نیست و هر میلی، مجوز عمل نیست. گرسنه است، اما نمی‌خورد؛ تشنه است، اما نمی‌آشامد؛ چون در این زمان فرمان خداوند برای او مقدم است. از همین‌جا روزه قدرت «نه‌گفتن» را در انسان تقویت می‌کند.

بسیاری از خطاهای اخلاقی از جایی آغاز می‌شوند که انسان میان خواستن و انجام‌دادن فاصله‌ای باقی نمی‌گذارد. چیزی را می‌خواهد و به‌سرعت به سوی آن می‌رود؛ خشمگین می‌شود و فوراً سخن می‌گوید؛ منفعتی می‌بیند و بدون مکث آن را دنبال می‌کند. روزه تمرین می‌دهد که انسان همیشه مجبور نیست به نخستین خواسته‌اش پاسخ مثبت بدهد. می‌تواند مکث کند، خواسته را ببیند و پرسد: آیا باید به این خواسته پاسخ بدهم؟ آیا خداوند از من چنین می‌خواهد؟ روزه در ما این توان را تقویت می‌کند که در تصمیم‌گیری، توجه به فرمان خدا را بر پاسخ فوری به خواسته مقدم بداریم.

امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در بیان حکمت روزه می‌فرماید: «وَالصَّيَامُ ابْتِلَاءٌ لِإِخْلَاصِ الْخَلْقِ»^۲ خداوند روزه را برای آزمودن اخلاص بندگان مقرر کرد». اخلاص در میدان انتخاب خود را نشان می‌دهد؛ آنجا که انسان چیزی را می‌خواهد، اما برای خدا از آن دست می‌کشد؛ نیاز دارد، اما برای خدا صبر می‌کند؛ می‌تواند در خلوت کاری انجام دهد، اما چون خود را در محضر خدا می‌بیند، از آن صرف‌نظر می‌کند.

۱. بقره: ۱۸۳.

۲. نهج‌البلاغه، حکمت ۲۵۲.

در دینداری اخلاق پرور، انسان فقط نمی پرسد: «آیا روزه ام را گرفته ام؟» بلکه می پرسد: «آیا قدرت نه گفتن من بیشتر شده است؟» آیا در برابر خواسته ای که می دانم نادرست است، می توانم خودم را نگه دارم؟ آیا وقتی خشمگین می شوم، می توانم پاسخ فوری ندهم؟ آیا وقتی کسی مرا نمی بیند، باز هم به خاطر خدا از کاری که نباید انجام دهم صرف نظر می کنم؟

روزه در این معنا، فقط عبادتی انجام شده نیست؛ تمرینی برای تربیت اراده است. انسان می آموزد خواسته را ببیند، اما تسلیم آن نشود؛ نیاز را احساس کند، اما اجازه ندهد نیازش خدا را از مرکز توجه او بیرون ببرد. پس در پایان روزه باید از خود پرسیم: «آیا در میان نیازها و خواسته ها، خدا را از مرکز توجه خارج نمی کنم؟» و در کنار آن: «آیا قدرت نه گفتن من برای خدا بیشتر شده است؟» اگر چنین باشد، امساک از خوردن و آشامیدن، به استواری اخلاص در زندگی راه پیدا کرده است.

زکات؛ رهایی از دلبستگی به مال

حضرت زهرا علیها السلام درباره زکات می فرماید: «وَالزَّكَاةُ تَزْكِيَةٌ لِلنَّفْسِ وَنَمَاءٌ فِي الرِّزْقِ: خداوند زکات را برای تزکیه نفس و فزونی و برکت در روزی قرار داد».

اگر نماز، انسان را هنگام توجه به خدا از موضع کبر به موضع بندگی می آورد و روزه به او می آموزد هنگام نیاز و خواستن، توجه به خدا را بر توجه به خود مقدم بدارد، زکات مرحله دیگری از همین تربیت است: انسان باید بتواند از چیزی که دارد و دل کندن از آن برایش دشوار است، برای خدا بگذرد. روزه نسبت انسان را با «نداشتن و خواستن» تربیت می کند و زکات نسبت او را با «داشتن و دل بستن». انسان در روزه می آموزد هر خواسته ای را به سرعت دنبال نکند؛ اما در زکات، می آموزد هر چه را دارد، لزوماً برای خود نگه ندارد.

بنابراین زکات فقط انتقال بخشی از مال نیست، بلکه تمرین رهاکردن است. انسان مال را دوست دارد، برای به دست آوردنش تلاش کرده است و به آن احساس تعلق دارد؛ اما زکات به او می آموزد که مالکیت نباید به دلبستگی و وابستگی تبدیل شود. خداوند متعال می فرماید: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا»^۱ از اموال آنان صدقه ای بگیر که به وسیله آن پاکشان سازی و تزکیه شان کنی».

پس زکات فقط مال را از انسان جدا نمی‌کند، بلکه می‌تواند بخشی از دلبستگی، حرص و خودمحوری او را نیز کاهش دهد. به همین دلیل در آیه شریفه پیش گفته، زکات با تزکیه انسان پیوند خورده است. نماز، «من متکبر» را در برابر خدا فروتن می‌کند؛ روزه، «من خواهان» را در برابر فرمان خدا مهار می‌کند؛ و زکات، «من مالک» را از دلبستگی به داشته‌هایش آزاد می‌سازد. در هر سه، انسان تمرین می‌کند که خود را مرکز عالم نداند.

اینجاست که تفاوت میان دینداری اخلاق‌پرور و دینداری بی‌تفاوت به اخلاق یا دینداری اخلاق‌سوز روشن می‌شود. اگر زکات در انسان اثر تربیتی خود را نشان دهد، می‌تواند به تدریج از دلبستگی او به دارایی‌هایش بکاهد و او را در برابر حق مالی دیگران مسئول‌تر کند؛ اما اگر انسان زکات پردازد و همچنان چنان به مال وابسته باشد که منفعت مالی را بر حق مقدم بدارد، باید در اثر تربیتی این عبادت در زندگی خود تأمل کند. ممکن است عبادت از نظر تکلیف انجام شده باشد، اما انسان هنوز به تزکیه و تربیت بیشتری نیاز داشته باشد. پرسش این است: «زکات داده‌ام؛ اما آیا رابطه‌ام با مال اصلاح شده است؟»

عدالت؛ هماهنگی دل‌ها

حضرت زهرابره علیه السلام در ادامه بیان آثار احکام الهی می‌فرمایند: «وَالْعَدْلُ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ: خداوند عدالت را برای هماهنگی دل‌ها قرار داد».

تا اینجا یک مسیر تربیتی را دنبال کردیم: نماز، «من متکبر» را در برابر خدا فروتن می‌کند؛ روزه، «من خواهان» را در برابر فرمان خدا مهار می‌کند؛ و زکات، «من مالک» را از دلبستگی به داشته‌هایش رها می‌گرداند. در هر سه، انسان تمرین می‌کند که خود را مرکز عالم نداند؛ اما این تربیت هنگامی که وارد رابطه با دیگران می‌شود، با آزمونی سخت‌تر روبرو می‌گردد: وقتی حق دیگری با خواسته و منفعت من تعارض پیدا کند، چه می‌کنم؟

عدالت، میدان همین آزمون است. خداوند متعال می‌فرماید: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ»^۱ همواره برای عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا پدر و مادر و نزدیکانتان باشد».

دشواری عدالت از جایی آغاز می‌شود که حق برای انسان هزینه داشته باشد. وقتی حق با

منفعت من سازگار است، دفاع از عدالت چندان دشوار نیست؛ دشواری آنجاست که پذیرش حق، مرا وادار کند از سودی بگذرم، اشتباه خود را بپذیرم، از کسی عذرخواهی کنم یا حتی درباره کسی که دوستش ندارم، منصفانه سخن بگویم.

در خانه، محیط کار، معامله و اختلاف‌های روزمره، عدالت یعنی همان معیاری را که برای دیگران مطالبه می‌کنیم، درباره خودمان نیز بپذیریم. اگر از دیگری صداقت می‌خواهیم، خودمان صادق باشیم؛ اگر رعایت حق را از دیگران مطالبه می‌کنیم، در جایی که حق به زیان ماست نیز آن را رعایت کنیم. بنابراین پرسش عدالت بسیار ساده اما جدی است: «وقتی حق با منفعت من تعارض دارد، آیا حق را انتخاب می‌کنم؟»

از این منظر، تعبیر حضرت زهرا علیها السلام که عدالت را «تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ» می‌دانند، بسیار قابل تأمل است. عدالت فقط تنظیم حقوق نیست، بلکه اعتماد و آرامش اجتماعی نیز می‌سازد. وقتی مردم احساس کنند معیار داوری، حق است نه قدرت، ثروت، خویشاوندی و نفوذ، دل‌ها به یکدیگر نزدیک‌تر می‌شود؛ اما وقتی حق برای افراد مختلف با معیارهای متفاوت سنجیده شود، اعتماد آسیب می‌بیند و فاصله میان دل‌ها بیشتر می‌شود.

امامت؛ پیونددهنده امت

اگر اخلاق در مرحله نخست به اصلاح نسبت انسان با خدا و خواسته‌های خویش می‌پردازد و در عدالت به اصلاح نسبت او با حقوق دیگران می‌رسد، در مرحله اجتماعی پرسش دیگری پدید می‌آید: چه چیزی جامعه مؤمنان را از خودرایی و تفرقه حفظ می‌کند؟ در اینجا حضرت زهرا علیها السلام از طاعت و امامت سخن می‌گویند: «وَطَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ: وَخَدَاوَنَدُ پِیْروِی از ما را مایه نظم و قوام ملت، و امامت ما را پناهی در برابر تفرقه و پراکندگی قرار داد».

تا این مرحله، سیر تربیت اخلاقی در مکتب فاطمی گام‌به‌گام پیش آمده است: نماز، «من متکبر» را در برابر خدا فروتن کرد؛ روزه، «من خواهان» را مهار نمود؛ زکات، «من مالک» را از اسارت داشته‌ها رها کنید؛ و عدالت، «من منفعت طلب» را به رعایت حق دیگران فراخواند. اما در سطح جامعه، مسئله دیگری نیز وجود دارد: اگر هر کسی حق و عدالت را تنها بر اساس برداشت و سلیقه خود تفسیر کند، چگونه می‌توان از تفرقه و گسست جلوگیری کرد؟

در منظومه خطبه، حضرت طاعت اهل بیت علیهم السلام را «نِظَامًا لِلْمِلَّةِ» و امامت را «أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ» معرفی می‌کنند. این تعبیر نشان می‌دهد که در نگاه فاطمی، دینداری فقط به اصلاح

رابطه فرد با خدا محدود نمی‌شود؛ جامعه دینی نیز برای حفظ پیوند خود با حق و مسیر الهی، به محور هدایت و مرجعیت حق نیاز دارد. از این منظر، امامت را می‌توان امتداد اجتماعی همان تربیتی دانست که در مراحل پیشین دنبال کردیم: همان‌گونه که انسان باید خواسته‌های خود را در برابر فرمان خدا مهار کند، در عرصه اجتماعی نیز نباید خودرأیی و تعصب را معیار نهایی تشخیص حق قرار دهد.

خداوند متعال درباره برخی جوامع می‌فرماید: «تَحْسِبُهُمْ جَمِيعاً وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى: ۱ آنان را متحد می‌پنداری، در حالی که دل‌هایشان پراکنده است». همچنین هشدار می‌دهد: «وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ: ۲ با هم نزاع نکنید که سست می‌شوید و شوکت و هیبت شما از میان می‌رود».

در این نگاه، تفرقه فقط یک اختلاف نظر ساده نیست. هنگامی که خودرأیی، تعصب و منفعت‌طلبی جای حق محوری را بگیرد، اختلاف می‌تواند به فرسایش اعتماد و تضعیف انسجام اجتماعی بینجامد. جامعه‌ای که در آن هر کسی معیار حق را صرفاً خواسته و برداشت خود بداند، حتی اگر در ظاهر نشانه‌های فراوانی از دینداری داشته باشد، در معرض گسست قرار می‌گیرد.

بر همین اساس می‌توان یکی از ابعاد حضور و احتجاج حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را بهتر درک کرد. در ساختار خطبه، مسئله فدک در کنار مسئله میراث، احتجاج قرآنی، جایگاه اهل بیت علیهم السلام، طاعت و امامت مطرح می‌شود و از سطح یک مطالبه صرفاً مالی فراتر می‌رود. حضرت با استناد به قرآن و طرح جایگاه اهل بیت علیهم السلام، درباره نسبت جامعه اسلامی با حق، هدایت و عدالت سخن می‌گویند. بنابراین احتجاج حضرت را نمی‌توان صرفاً در چارچوب یک مطالبه شخصی یا مالی فهمید، بلکه این احتجاج در منظومه خطبه با مسئله حق و هدایت جامعه نیز پیوند می‌یابد.

در ترازوی دینداری اخلاق‌پرور، امامت می‌تواند مرتبه‌ای دیگر از خودسنجی باشد: انسان یاد می‌گیرد «من خودرأی» خود را مهار کند و تشخیص‌های شخصی و تعصب‌های گروهی خود را در برابر محور حق و هدایت قرار دهد. در مقابل، دینداری اخلاق‌سوز می‌تواند آنجا

۱. حشر: ۱۴.

۲. انفال: ۴۶.

دین اخلاق پرور در مکتب فاطمی؛ بازخوانی خطبه فدکیه با محوریت اخلاق پروری ■ ۱۵

شکل بگیرد که انسان اهل مناسک و ادعای دینداری باشد؛ اما هنگامی که پای حق‌پذیری و کنارگذاشتن خودرأیی به میان می‌آید، تعصب یا منفعت شخصی را بر حق و انسجام جامعه مقدم بدارد.

بنابراین در مکتب فاطمی، انسان پس از نماز و روزه و زکات و عدالت، یک پرسش اجتماعی نیز پیش روی خود دارد: «آیا من با گفتار، قلم و رفتار خود، عاملی برای الفت و انسجام امت حول محور حق، یا با لجاجت و خودمحوری، بذل اختلاف می‌پاشم؟» اگر دینداری ما بتواند «من خودرأی» را مهار کند و ما را در پیوند با محور حق و هدایت نگه دارد، به یکی از ابعاد مهم فرمایش حضرت زهرا علیها السلام درباره طاعت و امامت نزدیک‌تر شده‌ایم.

نتیجه: هندسه تربیت فاطمی، از مهار «من» تا قوام «امت»

«خطبه فدکیه» در فراز احکام، تصویری منسجم از نسبت عبادت، اخلاق و جامعه پیش روی ما می‌گذارد. حضرت زهرا علیها السلام نشان می‌دهند که احکام الهی را می‌توان از زاویه آثار تربیتی و اجتماعی آنها نیز نگریست؛ آثاری که از اصلاح درون انسان آغاز می‌شوند و تا سامان اجتماعی امت امتداد می‌یابند.

در این منظومه، احکام الهی لایه به لایه انسان را با انانیت‌ها و خودمحوری‌هایش روبرو می‌کنند:

نماز، «من متکبر» را در ساحت بندگی به خضوع فرامی‌خواند؛

روزه، «من خواهان» را در کشاکش نیازها و غریزه‌ها مهار می‌کند تا خواسته، جای فرمان خدا را نگیرد؛

زکات، «من مالک» را از دلبستگی افراطی به داشته‌ها رها می‌گرداند و او را نسبت به حق مالی دیگران مسئول‌تر می‌کند؛

عدالت، «من منفعت طلب» را در برخورد با منافع دیگران با آزمون حق و انصاف روبرو می‌کند؛

و در سطح اجتماعی، طاعت و امامت، «من خودرأی» را به حق‌پذیری و حفظ انسجام جامعه دینی فرامی‌خواند.

اگر این پیوند میان عبادت و تربیت نادیده گرفته شود، دینداری می‌تواند با آسیب مواجه شود. یکی از آسیب‌های مهم آن است که مناسک برقرار باشند، اما انسان در برابر اثر تربیتی آنها

احساس مسئولیت نکند؛ پدیده‌ای که آن را «دینداری بی‌تفاوت به اخلاق» نامیدیم. خطر جدی‌تر هنگامی پدید می‌آید که مناسک و نشانه‌های مذهبی، پوششی برای خودمحوری و تمامیت‌خواهی شوند و رفتارهای نادرست در پوشش توجیه دینی مشروعیت یابند؛ نقطه‌ای که می‌توان از آن با عنوان «دینداری اخلاق‌سوز» یاد کرد. در چنین وضعی، دین به جای آنکه انسان را از خودمحوری دور کند، ممکن است به ابزاری برای توجیه همان خودمحوری تبدیل شود. اینجاست که باید نسبت خود را با منطق تربیتی دین دوباره بررسی کنیم.

ایام فاطمیه مجاللی است برای ایستادن در برابر آینه خودسنجی فاطمی؛ مجاللی تا هر مؤمنی خود را محک بزند. مسئله فقط این نیست که پس از عبادت بپرسیم «آیا آن را انجام دادم»، بلکه باید گاهی پرسش عمیق‌تری را نیز پیش‌روی خود بگذاریم: «این عبادت با من چه کرده است؟» اگر عبادت، ما را از خودمحوری به بندگی، از خواسته‌محوری به اخلاص، از دلبستگی به مال به مسئولیت، از منفعت‌طلبی به حق‌پذیری و از خودرأیی به پیوند با محور حق برساند، آن‌گاه دین در زندگی ما راه می‌یابد و آثار تربیتی خود را نشان داده است.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج‌البلاغه

۱. ابن‌ابی‌طاهر طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، تصحیح و شرح: احمد الألفی، قاهره: مطبعة مدرسة والده عباس الأول، ۱۳۲۶ ق.
۲. طباطبائی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ ق.
۳. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، تصحیح: سیدمحمدباقر موسوی خراسان، مشهد: نشر مرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.

زندگی قرآنی حضرت زهرا سلام الله علیها

حجت الاسلام والمسلمین علی خادمی*

چکیده

زندگی صدیقه طاهره علیها السلام از زوایای گوناگون قابل بررسی و درس آموزی است؛ حیاتی که پهنه تاریخ، عمری به این کوتاهی و برکات گسترده فردی، خانوادگی، اجتماعی، سیاسی در دو ساحت مادی و معنوی به خود ندیده است. یکی از زوایای مهم بررسی پذیر در سیره ایشان، زندگی قرآنی «کوثر الهی» است؛ چراکه از یک سو شاهدی گویا بر جدایی ناپذیری قرآن و عترت است؛ از سوی دیگر، دانشگاهی بی بدیل برای الگو برداری همه سعادت جوینان است. این نوشتار ضمن بررسی در متون دینی برای شناساندن وظایف جامعه در برابر قرآن، با نگاه به زندگانی آن بانوی بزرگ، خواننده را با این مهم آشنا می کند که جای جای حیات صدیقه طاهره علیها السلام منطبق با قرآن بوده است.

کلید واژه ها: زندگی قرآنی؛ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ قرآن و عترت؛ سیره فاطمی.

وظایف جامعه در برابر قرآن

از آیات کتاب الهی و روایات اهل بیت علیهم‌السلام هفت وظیفه جامعه در برابر نعمت بی‌بدیل قرآن به دست می‌آید؛ وظایفی که گاه عمومی است و همه افراد را دربر می‌گیرد و گاه نیز مربوط به قشر خاصی از افراد جامعه می‌شود.

۱. استماع

این وظیفه همگانی را خود قرآن بر عهده ما نهاده است: «وَ إِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَ أَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»^۱ هنگامی که قرآن خوانده شود، گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ شاید مشمول رحمت خدا شوید».

مفسران در تفسیر این آیه آورده‌اند هنگام قرائت حمد و سوره توسط امام جماعت، مأمومین «واجب» است سکوت کنند و به محتوای قرآن گوش فرادهند. در غیر نماز، این حکم «مستحب مؤکد» است؛ به گونه‌ای که برخی روایات از آن به واجب تعبیر کرده‌اند.^۲ جمله پایانی آیه یعنی «لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» نیز آثار مهم این وظیفه اشاره دارد. بنابراین استماع قرآن در حالات عادی و غیر از نماز، جنبه وجوب فقهی به خود نمی‌گیرد؛ ولی کاری بسیار مهم و شایسته برای عموم مؤمنان است.

۲. تلاوت

این وظیفه را نیز قرآن مطرح کرده است؛ از جمله در آیه ۲۰ سوره «مزل» به این موضوع تصریح می‌کند: «... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ... فَأَقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ...».

برای فهم بهتر موضوع، باید توجه داشت که خداوند در ابتدای آیه دو دستور تقریباً سخت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و همه مؤمنان می‌دهد:

الف) وجوب قیام در هر شب: «قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا...»؛

ب) تلاوت ترتیلی قرآن در هر شب: «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا».

در ادامه آیه، «وجوب قیام» تبدیل به استحباب می‌شود؛ «ترتیل قرآن» نیز به «قرائت قرآن» به مقدار میسور بدل گشته است که میسور بودن هر زمانی از شبانه‌روز را دربر می‌گیرد و دیگر مقید به شب نیست. این تکرار دستور قرائت آن هم با طرح کردن مشکلات اساسی زندگی همچون

۱. اعراف: ۲۰۴.

۲. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۴۴.

بیماری، سفر برای تأمین نیازهای زندگی و جهاد در راه خدا، اهمیت دستور را نشان می‌دهد که قرآن همانند نماز، سزاوار نیست لغو شود، بلکه باید انس با قرآن همه‌روزه باشد.

تعبیر «فَاء تَبِيحُهُ فَاقْرَأْ» در هر دو عبارت نشان می‌دهد که اساساً به دلیل وجود همین مشکلات و مسائل ضروری و گوناگون زندگی است که خداوند دستور به ارتباط مستمر با قرآن می‌دهد؛ یعنی آنچه برای ما بهانه فرار از قرائت مستمر است، همان بهانه از نظر الهی دلیل لزوم استمرار قرائت تلقی می‌شود.^۱

در حدیثی از امام رضا علیه السلام آمده است که از جدش نقل می‌فرماید: «فَاقْرَأْ مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ لَكُمْ فِيهِ خُشُوعُ الْقَلْبِ وَصَفَاءُ السَّرِّ»^۲ آن مقدار از قرآن را بخوانید که در آن خشوع قلب و صفای باطن و نشاط روحانی و معنوی باشد». چرا چنین نباشد، درحالی که هدف اصلی تلاوت، تعلیم و تربیت است.

تلاوت قرآن به اندازه‌ای اهمیت دارد که حتی در صورت حافظ قرآن بودن نیز توصیه به قرائت از روی نوشته آن شده است. اسحاق بن عمار گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من حافظ قرآن هستم؛ آن را از روی حافظه بخوانم بهتر است یا از روی مصحف؟ فرمودند: «بَلِ اقْرَأْهُ وَانْظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ أَمَّا عَلِمْتَ أَنَّ النَّظَرَ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ»^۳ بلکه آن را از روی مصحف بخوان که افضل است؛ مگر نمی‌دانی نگاه به قرآن عبادت است».

۳. تدبیر

این وظیفه نیز که قرآن از ما می‌خواهد، همگانی است. ده‌ها آیه در این باره وجود دارد؛ از جمله در آیه ۲۹ سورة «ص» می‌خوانیم: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَ لِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ: کتابی که آن را به سویت نازل کردیم، بسیار بابرکت است؛ برای اینکه در آیات آن ژرف بیندیشند و برای اینکه صاحبان خرد متذکر شوند».

این آیه، دو مرتبه کلی از تدبیر در قرآن را یادآور می‌شود:

الف) تعبیر «لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ» نظر به عموم مردم دارد؛

ب) تعبیر «لِيَتَذَكَّرَ» به طور اختصاصی مرتبه اولوالألباب را نظر دارد؛ گویا آنان از مرتبه تدبیر عمومی گذشته‌اند و به مرتبه تذکر به حقایق رسیده‌اند.

۱. ر.ک: ولی الله تقی‌پورفر، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، ص ۴۴۳.

۲. قطب‌الدین راوندی، فقه القرآن، ج ۱، ص ۱۲۷.

۳. همان، ص ۶۱۴.

درنگ در آیات و گاه یک آیه از کتاب الهی به‌ویژه در صدر اسلام، سبب ایمان آوردن فرد یا افراد متعددی می‌شد؛ این نکته یکی از عوامل مهم گسترش سریع اسلام بوده است. درواقع به برکت تدبیر، تحول عجیبی در آنان شکل می‌گرفت و به‌سرعت با حقیقت قرآن آشنا می‌شدند و با جان و دل اسلام را می‌پذیرفتند. نقل شده است فردی خدمت پیامبر ﷺ رفت و گفت از آنچه خداوند به شما آموخته است، به من یاد بدهید. رسول خدا ﷺ او را به شخصی سپردند که به او قرآن بیاموزد. وقتی آن شخص سوره «زلزال» را به او آموزش داد و به آیات «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» رسید، آن فرد گفت کافی است. وقتی خبر به پیامبر ﷺ رسید، فرمود: «دَعَهُ، فَقَهَ الرَّجُلُ: رهايش كن، او فقيه شد».^۱ یعنی او با تدبیر در همین مقدار از آیات، پیام اصلی دین را دریافت کرد.

۴. تعلم و یادگیری

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لَا يَمُوتَ حَتَّى يَتَعَلَّمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونَ فِي تَعْلِيمِهِ»^۲ برای شخص مؤمن سزاوار است که نمیرد تا آنکه قرآن را فرا بگیرد یا در حال فراگرفتن آن باشد». یادگیری قرآن هم به معنای یادگیری قرائت کتاب الهی است و هم شناخت محتوا و مضمون آن؛ به همین دلیل خداوند پاداش‌های زیادی برای آن در نظر گرفته است. در حدیث معتبری می‌خوانیم:

مَنْ تَعَلَّمَ مِنْهُ حَرْفًا ظَاهِرًا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ عَشْرَ حَسَنَاتٍ وَمَا عَنْهُ عَشْرَ سَيِّئَاتٍ وَرَفَعَ لَهُ عَشْرَ دَرَجَاتٍ قَالَ لَا أَقُولُ بِكُلِّ آيَةٍ وَ لَكِنْ بِكُلِّ حَرْفٍ بَاءٍ أَوْ تَاءٍ أَوْ شِبْهِهِمَا: هر کسی یک حرف ظاهر از قرآن را بیاموزد، خداوند برایش ده حسنه بنویسد و ده گناه از او محو کند و ده درجه برایش بالا برد. فرمود: نمی‌گویم به هر آیه، بلکه به هر حرفی مانند باء، تاء یا مانند اینها.

۵. تعلیم و آموزش

همان‌گونه که بر فرد فرد مسلمانان لازم است خودشان برای یادگیری کتاب الهی بکوشند، بر دیگران نیز لازم است بر آموزش آن به دیگران اقدام کنند. از یک‌سو متولیان فرهنگی و دینی، از

۱. نصر بن محمد سمرقندی، تفسیر سمرقندی (بحر العلوم)، ج ۳، ص ۶۰۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۰۷.

۳. همان، ص ۶۱۲.

سوی دیگر نیز والدین موظف‌اند این وظیفه بزرگ و عمومی را در رأس برنامه‌های تربیتی خود قرار دهند. در اهمیت تعلیم قرآن به دیگران همین بس که خداوند این مقام را به خود نسبت می‌دهد: «الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ؛ خداوند رحمان قرآن را تعلیم فرمود».^۱ در مرحله بعد، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله بزرگ‌ترین معلم قرآن است: «وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ»^۲ و به آنها [مردم] قرآن را می‌آموزد». میان توده‌های اهل ایمان نیز برترین افراد کسانی دانسته شده‌اند که پس از یادگیری قرآن، به آموزش آن پردازند؛ همان‌گونه که در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است: «خَيْرُكُمْ مَنْ تَعَلَّمَ الْقُرْآنَ وَ عَلَّمَهُ»^۳ بهترین شما کسی است که قرآن را بیاموزد و آن را آموزش دهد».

۶. عمل به قرآن

می‌توان گفت همه پنج وظیفه پیشین، مقدمه‌ای برای این وظیفه مهم‌تر و اصلی هستند. خداوند در آیه ۵۳ سوره «اعراف» که حال وخیم کافران در قیامت را بازگو می‌کند، عامل اصلی شقاوت و بیچارگی آنان را با عبارت «نسوه/ قرآن را فراموش کردند» بیان کرده است:

يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلًا بِحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ شَفْعَاءَ فَيُشْفَعُوا

لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ: کسانی که قبلاً آن [قرآن] را فراموش کرده بودند،

می‌گویند فرستادگان پروردگار ما، حق را آوردند؛ آیا [امروز] شفیعیانی برای ما وجود

دارند که برای ما شفاعت کنند؟ یا [به ما اجازه داده شود به دنیا] بازگردیم، و اعمالی

غیر از آنچه انجام می‌دادیم، انجام دهیم؟

مفسران در تفسیر آیه پیش‌گفته، نسیان قرآن را به عمل نکردن به آن معنا کرده‌اند.^۴ قرآن برای خواندن تنها نیامده است آمد که در تمام وجودت عمل شود

۷. استناد به قرآن

این وظیفه، بیشتر مربوط به عالمان است که در نوشته‌ها و سخنرانی‌های خود بکوشند با استناد به آیات کتاب الهی، مطالب موردنظر خود را به مخاطبان ارائه دهند. نگاهی اجمالی به سیره عملی

۱. الرحمن: ۱-۲.

۲. در سه آیه، از جمله بقره: ۱۲۹.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۴، ص ۲۳۵.

۴. «يَقُولُ الَّذِينَ نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ»، أي يقول الذين تركوا العمل به» (فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۶۵۷).

پیامبر ﷺ و عترت طاهرینش علیهم‌السلام نشان می‌دهد آن بزرگواران با اینکه کلام خودشان حق است و از مبدأ عصمت سخن می‌گویند، همراه با ضمیمه کردن آیه یا آیاتی از قرآن، ضمن تفهیم مقصود خود، سعی در تکریم و بزرگداشت کتاب خدا داشته‌اند.

امام صادق علی‌ه‌السلام پس از آنکه عبدالله محض (عبدالله بن حسن مثنی) با سختی‌های زیادی مواجه شد و فرزندانش زندانی و به شهادت رسیدند و خودش نیز در زندان عباسیان گرفتار شد، نامه‌ای در دو صفحه برایش ارسال کردند و به او صبر در برابر سختی‌ها را توصیه نمودند. نکته جالب اینکه تقریباً نیمی از این نامه را آیات قرآنی (۱۴ آیه) تشکیل داده است؛ این مقدار استناد قرآنی، پیامی جدی برای همه ما دارد که لازم است بیش از پیش در گفتار و نوشتار خود به آیات کتاب الهی تمسک کنیم.

فاطمه علیها‌السلام الگوی زندگی قرآنی

بررسی زندگانی کوتاه اما پربرکت زهرای اطهر علیها‌السلام، نشان‌دهنده شواهدی از هماهنگی کامل حیات طیبۀ آن بانوی بزرگ با قرآن است.

۱. استماع

فاطمه علیها‌السلام هنگام تلاوت از زبان پدر بزرگوارشان، به‌خوبی به کلام الهی گوش فرامی‌دادند. نتیجه این حُسن استماع، نقل‌قول‌هایی از آن بانو در اختلاف قرائات است که در موارد اختلاف درباره قرائت برخی واژگان قرآن، به «قرائت فاطمه» اشاره می‌شود.^۱

۲. تلاوت

تلاوت کتاب الهی نه‌تنها از برنامه‌های دائمی و منظم بانوی بزرگ اسلام بود، بلکه از انگشت‌شمار دلخوشی‌های ایشان به شمار می‌رفت. در کلامی نورانی از آن الگوی بی‌همتا می‌خوانیم: «حُبَّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ وَالتَّظَرُّفُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۲ از دنیای شما محبت سه چیز در دل من نهاده شد: تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر خدا و انفاق در راه خدا».

۱. ر.ک: فضل بن حسن طبرسی، جوامع الجامع، ج ۱، ص ۲۱۸؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۱۲۸.

۲. عبدالله جوادی آملی، نهج الحیاة، ح ۱۶۴.

بر اساس گزارش امام باقر علیه السلام، روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیغامی را با سلمان فارسی برای فاطمه علیها السلام فرستادند. سلمان می گوید: همین که جلوی درب منزل بانو رسیدم و سلام کردم، متوجه شدم آن حضرت مشغول قرائت قرآن است و آهسته آیات قرآن را بر لب زمزمه می کند و دیدم سنگ آسیاب بدون آنکه دست حضرت روی آن باشد، در حال چرخش و دورزدن است و کسی را نزد حضرتش نیافتم. برگشتم نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله و عرضه داشتم: یا رسول الله، جریان مهم و عظیمی را مشاهده کردم. حضرت فرمود: آنچه را دیدی، بیان کن. گفتم: همین که جلوی درب منزل دخترت فاطمه علیها السلام رسیدم و سلام کردم، متوجه شدم که وی آهسته قرآن می خواند و سنگ آسیاب می چرخید و کسی را هم نزد او نیافتم. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تبسمی فرمودند: «ای سلمان، خداوند قلب دخترم فاطمه را سرشار از ایمان نموده است. تمام وجودش را ایمان و یقین فراگرفته و غرق در طاعت و عبادت پروردگار شده بود؛ از این رو خداوند متعال فرشته ای به نام "روفائیل" را فرستاده است تا وی را کمک کند و همان فرشته بود که سنگ آسیاب را برای دخترم فاطمه چرخانیده است. سپس افزود: بدان که خداوند مهربان تمام امور دنیا و آخرت فاطمه را کفایت خواهد نمود».^۱

تلاوت پیوسته و منظم قرآن از سوی زهرا علیها السلام، کلاس درس عملی برای اطرافیان نیز بود. نمونه اش تربیت فضله خادمه است؛ بانویی که توانست از نعمت بی بدیل ملازمت با آن حضرت به درستی استفاده کند و با الگوگیری از ایشان، آشنایی بالایی با متن و مفاهیم کتاب الهی بیابد و سال های زیادی گفتگوهای روزمره اش را با ذکر آیه مناسب از قرآن سخن بگوید.^۲

تعلق و انس صدیقه طاهره علیها السلام با قرآن به حدی رسیده بود که آن دردانه آفرینش، آرامش خود پس از رفتن از این دنیا را همچنان در قرآن می دید؛ به همین دلیل ضمن وصیت های خود، از امیرمؤمنان علیه السلام می خواهد شب اول قبر، زیاد برایش قرآن بخواند: «... فَأَكْثِرْ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ وَ الدُّعَاءِ فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أُنْسِ الْأَحْيَاءِ».^۳ و بسیار قرآن بخوان و دعا کن؛ زیرا در چنین لحظه هایی میت به انس گرفتن با زندگان محتاج است».

۳. تدبیر

اندیشه در کلام الهی با حیات فاطمه علیها السلام عجین شده بود؛ به همین دلیل ایشان آشنایی کامل با

۱. محمد بن جریر طبری، دلائل الإمامه، ص ۱۳۹.

۲. موفق بن احمد خوارزمی، مناقب خوارزمی، ج ۳، ص ۳۴۳.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۹، ص ۲۷.

مفاهیم و محتوای کتاب الهی داشتند و می‌توانستند در مقاطع مختلف، از آیه موردنظر برای تفهیم یک مطلب به مخاطب استفاده کنند. فاطمه علیها السلام در تحلیلی قرآنی، ریشه انحراف امت پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله را بهره‌نبردن مسلمانان مدعی خلافت و پیروان آنها از تدبر در قرآن می‌داند و در ضمن خطبه مشهور خود، این‌گونه به توبیخشان پرداختند:

مَعَاشِرَ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْرِعَةِ إِلَى قِيلِ الْبَاطِلِ الْمُغْضِيَةِ عَلَى الْفِعْلِ الْقَبِيحِ الْخَائِبِ: «أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا»^۱ ای گروه مسلمانانی که به سوی سخن باطل شتاب می‌کنید و از کردار زشت و زیان‌بار چشم‌پوشی می‌کنید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید یا بر دل‌هایتان قفل‌هایی نهاده شده است؟

درواقع اگر آنان اهل تدبر در قرآن بودند، آیات زیادی می‌توانست مانع از انحرافشان شود؛ از جمله آیات ولایت و امامت امیر مؤمنان علیه السلام مانند آیه ولایت، آیه اولوالامر، آیه زکات در رکوع و آیه صادقین.

آری، اگر آنان به یک آیه از سوره «شوری» عمل می‌کردند، همه اختلاف‌ها به وحدت تبدیل می‌شد: «وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذِكُّمُ اللَّهِ رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ»^۲ در هر چیز اختلاف کنید، داوری‌اش با خداست؛ این است خداوند، پروردگار من، بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم).

موضوع خلافت که نخستین اختلاف پس از ارتحال رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، پیش‌تر از سوی خداوند و توسط پیامبرش در زمان‌های متفاوت، از یوم‌الدار در ابتدای نبوت تا غدیر و روزهای پایانی حیات مبارک آن حضرت بیان شده بود؛ ازاین‌رو اگر مسلمانان به جای پیروی از هواهای نفسانی و مطامع زودگذر دنیایی به حکم الهی رجوع کرده بودند، انشقاق‌های پی‌درپی به وجود نمی‌آمد و همگی در سایه ولایت الهی زندگی سعادت‌مندی را تجربه می‌کردند.

۴. تعلم و یادگیری

حیات کوتاه زهرای اطهر علیها السلام همواره با دغدغه یادگیری روزافزون قرآن همراه بود؛ ازاین‌رو ایشان از هر فرصتی برای تعلم الفاظ ظاهری و مفاهیم باطنی کتاب الهی بهره می‌برد. در حدیثی که

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۰۶، اقتباس از آیه ۲۴ سوره «محمد».

۲. شوری: ۱۰.

ابوذر آن را از فاطمه علیها السلام روایت می‌کند، آن حضرت تفسیر «رجال الأعراف» در سخن خدای متعال را از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند: «وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا بِسِيمَاهُمْ»^۱ و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک را به سیمایشان می‌شناسند». پدرم فرمود:

هُمْ الْأَيِّمَةُ بَعْدِي عَلَيَّ وَ سِبْطَايَ وَ تِسْعَةُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَيْنِ هُمْ رِجَالُ الْأَعْرَافِ لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُهُمْ وَ يَعْرِفُونَهُ وَ لَا يَدْخُلُ النَّارَ إِلَّا مَنْ أَنْكَرَهُمْ وَ يُنْكِرُونَهُ لَا يَعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ^۲ آنان امامان پس از من هستند؛ علی علیه السلام، دو سبط من [حسن و حسین علیهما السلام] و نه نفر از نسل حسین علیه السلام. آنان مردان اعراف‌اند. جز کسی که آنان را بشناسد و آنان نیز او را بشناسند، وارد بهشت نمی‌شود؛ و جز کسی که آنان را انکار کند و آنان نیز او را منکر باشند، وارد آتش نمی‌شود. خدا شناخته نمی‌شود مگر از راه شناخت آنان.

عبارت «رجال الأعراف» در این روایت به‌صراحت بر امامان دوازده‌گانه تطبیق شده است. درباره عبارت پایانی روایت «لَا يَعْرِفُ اللَّهُ إِلَّا بِسَبِيلِ مَعْرِفَتِهِمْ» نیز گفتنی است در چارچوب اعتقادات امامیه، معرفت صحیح خداوند از طریق معرفت حجج الهی (امامان معصوم) حاصل می‌شود؛ یعنی شناخت امامان در امتداد شناخت و هدایت الهی قرار گرفته است.

۵. تعلیم و آموزش

فاطمه علیها السلام همچنان که همواره در پی تعلم قرآن بود، هیچ فرصتی را برای تعلیم کتاب الهی به دیگران و ترویج و ترغیب به آن از دست نمی‌داد. در روایتی آن حضرت تشویق به تلاوت سه سوره از قرآن را می‌کنند و می‌فرمایند: «قَارِئُ الْحَدِيدِ» وَ «إِذَا وَقَعَتْ» وَ «الرَّحْمَنُ» يَدْعَى فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ سَاكِنِ الْفِرْدَوْسِ^۳ تلاوت‌کننده [سوره‌های] حدید، واقعه و الرحمن در ملکوت آسمان‌ها و زمین، ساکن بهشت معرفی می‌شود».

ایشان در خطبه بی‌نظیر و مشهور خود نیز در همان فرازهای ابتدایی به توصیف قرآن می‌پردازند و می‌فرمایند:

كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ وَ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الصِّیَاءُ اللَّامِعُ بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ

۱. اعراف: ۴۶.

۲. علی بن محمد خزاز رازی، کفایة الأثر، ص ۱۹۴.

۳. معهد باقرالعلوم علیه السلام، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء علیها السلام، ص ۵۴۷.

مُنْكَشِفَةُ سَرَائِرُهُ مُنْجِلِيَّةٌ طَوَاهِرُهُ مُعْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاغُهُ قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ أَتْبَاعُهُ مُؤَدُّ إِلَى النَّجَاةِ اسْتِمَاعُهُ بِهِ تُنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ وَ عَزَائِمُهُ الْمُنْفَسَّرَةُ وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَّةُ وَ فَصَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ وَ رُخَصُهُ الْمُؤَهَّبَةُ وَ سَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ:^۱ قرآن کتابِ گویای خداوند و راستین اوست؛ نوری درخشان و پرتوی تابان است. نشانه‌های هدایتش روشن، اسرارش آشکار و ظواهرش نمایان است. پیروانش به آن شادمان‌اند؛ پیروانش را به سوی خوشنودی خدا راهبری می‌کند و شنیدن و پیروی از آن، انسان را به رستگاری می‌رساند. به وسیله آن، حجت‌های روشن خدا، فرمان‌های تفسیرشده و احکام قطعی او، حرام‌هایی که از آنها هشدار داده شده، دلایل آشکار، برهان‌های کافی، فضیلت‌های سفارش‌شده، رخصت‌ها و آسان‌گیری‌های بخشیده‌شده و شریعت‌ها و احکام نوشته‌شده او به دست می‌آید.

با نگاهی به این متن، ساختاری فشرده و ادبی در برابر خود می‌بینیم که با عباراتی نه‌چندان طولانی، تصویر جامعی از قرآن را با صفاتی متعدد ارائه می‌دهد: کتاب، نور، هدایت، پیروی، نجات، حجت، احکام، فضایل، رخصت‌ها، شریعت.

۶. عمل

جای‌جای زندگی فردی و اجتماعی بانوی بزرگ اسلام، منطبق با قرآن بود؛ از این‌رو کوچک‌ترین مخالفتی در زندگی معصومانۀ ایشان با کتاب الهی وجود نداشته است. در ادامه به چند نمونه به اختصار اشاره می‌شود:

الف) شجاعت در دفاع از حق

دینداری همیشه همراه با سختی‌ها و مشکلات بوده است؛ از جمله سرزنش معاندان و جاهلان. بنابراین قرآن یکی از ویژگی‌های بندگان خوب و محبوب خدا را نه‌راسیدن در مسیر دینداری می‌داند: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۲ و از سرزنش هیچ ملامتگری هراس ندارند». وجود نازنین حضرت زهرا (علیها السلام) از واپسین روزهای پس از ارتحال پدر گرانقدرشان احساس کردند جبهه حق محتاج ورود بدون تقیه و آشکارای اوست؛ به همین دلیل با عزمی راسخ وارد میدان مبارزه با منافقانی شد که به دروغ، خود را دلسوزان دین معرفی می‌کردند. این راه، خسارت‌های زیادی

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. مائده: ۵۴.

برای او داشت؛ ازدست دادن حقوق مالی، هتک حرمت خانه و کاشانه خود، ازدست دادن فرزند و در نهایت جان خویش. اما بانوی بزرگ اسلام همه این موارد را به جان خرید و همه تلاش خود را برای دفاع از ولایت که یگانه راه سعادت واقعی مردم بود، به کار گرفت.

(ب) انفاق و ایثار

انفاق و در مرحله بالاتر، ایثار از ارزش های والایی است که قرآن در موارد متعددی از انسان می خواهد. حیات نورانی فاطمه علیها السلام آکنده از عمل کردن به این خواست قرآنی است؛ از جمله اطعام مسکین و یتیم و اسیر در آیه هشتم سوره «انسان». شیخ طوسی می گوید عامه و خاصه روایت کرده اند که این آیه مربوط به اطعام فاطمه علیها السلام و امیر مؤمنان علیه السلام و حسنین علیهما السلام است.^۱

همچنین نقل شده است پیامبر خدا صلی الله علیه و آله در شب عروسی دختر گرامی اش فاطمه علیها السلام، لباسی تهیه کرده بود تا آن حضرت آن را بر تن کند و این شب ویژه و به یادماندنی را با آن سپری نماید. در همان هنگام، زنی بینوا به در خانه رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و از ایشان درخواست لباس کرد. فاطمه علیها السلام جز پیراهن شب عروسی که هدیه پدر بزرگوارش بود، لباس دیگری داشت که پیش تر استفاده و کهنه شده بود. با شنیدن درخواست آن زن، فاطمه علیها السلام لباس کهنه را در بسته ای قرار داد تا در راه خدا انفاق کند؛ اما ناگهان با یادآوری این آیه شریفه که می فرماید: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»^۲ هرگز به نیکی [و مقام نیکوکاران] نمی رسید، مگر آنکه از آنچه دوست می دارید، انفاق کنید»، در تصمیم خود تجدید نظر کرد و پیراهن عروسی اش را از تن بیرون آورد و به آن زن بینوا بخشید و خودش لباس کهنه را بر تن کرد.^۳

(ج) عبادت و شب زنده داری

قرآن مؤمنان را افزون بر نمازهای واجب پنج گانه، به عبادت شبانه^۴ و ذکر کثیر و دعا سفارش می کند. گزارش های متعددی از عبادت فراوان حضرت فاطمه علیها السلام و اهتمام ایشان به ذکر و دعا گزارش شده است.

۱. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۲۱۱.

۲. آل عمران: ۹۲.

۳. قاضی نورالله شوشتری، احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۰۱.

۴. آل عمران: ۱۷؛ احزاب: ۴۱؛ فرقان: ۷۷.

د) عفاف و حجاب

شیوه معاشرت اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام در برخورد با نامحرم و عموم مردان، نمونه بارز دستور قرآن به‌ویژه در سوره‌های «نور» و «احزاب» درباره رعایت موازین و حدود شرعی است.

۷. استناد

مروری بر دو خطبه باقی‌مانده از حضرت صدیقه طاهره علیها السلام نشان‌دهنده استناد فراوان ایشان به آیات کتاب الهی برای رساندن پیام خود به مخاطبان است. در خطبه اول - مطابق متن احتجاج طبرسی^۱ - ۳۲ آیه قرآن مورد توجه بانوی بزرگ بوده است که در بخش‌های مناسب به کار برده است. در خطبه دوم که در جمع زنان مدینه ایراد شد، با اینکه در دوران بیماری و وخامت حال آن حضرت بوده است و متن کوتاهی دارد، ۱۰ آیه به کار رفته است.^۲

الگوپذیری رهبر شهید از فاطمه زهرا علیها السلام

فاطمیه امسال با جای خالی رهبر حکیم و شهید آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مد ظله العالی حال‌وهوای دیگری دارد. آن شهید والامقام با الگوبرداری از مادر شهیده‌اش، انس و ارتباط چشمگیری با قرآن داشت و حیات و ممات قرآنی‌اش، جلوه‌هایی زیبا و به‌یادماندنی برای همیشه تاریخ رقم زد. استماع زیبا و همراه با تفکر در هنگام تلاوت کتاب الهی؛ تلاوت‌های مکرر و منظم قرآن و نیز تدبیر در مضامین آن؛ تلاش‌های زیاد برای ترویج و نشر قرآن؛ زندگی قرآنی در ساحت‌های فردی، اجتماعی و سیاسی خود؛ استنادهای مکرر و فراوان به آیات قرآنی و ... از ایشان شخصیتی قرآنی ساخت که راه و رسمش، چراغ راه آیندگان خواهد بود: «طوبی له و حُسْنُ مآبٍ».

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. ابن‌شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل‌ابی طالب، قم: علامه، ۱۳۷۹ق.
۲. پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، موسوعة کلمات فاطمة الزهراء علیها السلام، قم: انتشارات پژوهشکده باقرالعلوم علیه السلام، ۱۳۹۳ش.

۱. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۷ - ۱۰۷.

۲. همان، ص ۱۰۸ - ۱۰۹.

۳. خزاز رازی، علی بن محمد، کفایة الأثر فی النصّ علی الأئمة الإثنی عشر، قم: بیدار، ۱۴۰۱ق.
۴. دشتی، محمد، نهج الحیة (فرهنگ سخنان فاطمة عليها السلام)، قم: مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین عليه السلام، ۱۳۷۲ش.
۵. سمرقندی، نصر بن محمد، تفسیر السمرقندی (المسمى بحر العلوم)، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۶ق.
۶. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: مرتضی، ۱۴۰۳ق.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزة علمیه قم، ۱۴۱۲ق.
۸. _____، مجمع البیان، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
۹. طبری صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الإمامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ق.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۱۱. عیاشی سمرقندی کوفی، محمد بن مسعود، تفسیر عیاشی (التفسیر)، بیروت: المكتبة العلمية الإسلامية، ۱۳۸۰ق.
۱۲. قطب راوندی، سعید بن هبة الله، فقه القرآن، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۵ق.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی (اصول، فروع، روضه)، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ق.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۱۵. مرعشی شوشتری، قاضی نورالله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۹ق.
۱۶. نقی پورفر، ولی الله، پژوهشی پیرامون تدبیر در قرآن، تهران: اسوه، ۱۳۸۱ش.
۱۷. نوری، حسین، مستدرک الوسائل، قم: آل البيت عليهم السلام، ۱۴۰۸ق.

خطبه فدک یا خطبه ولایت؟

حجت الاسلام والمسلمین محمدهادی یعسوبی*

چکیده

این مقاله با بازخوانی خطبه حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) در مسجد پیامبر، تناسب عنوان مشهور «خطبه فدکیه» را با محتوای فراگیر آن بررسی می‌کند و مدعای خود را بر این استوار می‌سازد که این خطبه بیش از آنکه برای فدک باشد، برای ولایت است؛ ازاین‌رو عنوان «خطبه ولایت» بیانگر دقیق‌تری است. استدلال در پنج محور ارائه می‌شود: تحلیل محتوای خطبه، که با توحید آغاز می‌شود، فلسفه نبوت و احکام را تبیین می‌کند و دفاع از امامت را روح حاکم بر آن می‌شمارد؛ استمرار دفاع از ولایت در سیره فاطمی، از روشنگری فردی تا سوگواری و وصیت به تدفین شبانه؛ معنای نمادین فدک در روایات، به‌ویژه گفت‌وگوی امام موسی کاظم (علیه السلام) با هارون الرشید که مرزهای فدک را با کل قلمرو حکومت اسلامی یکسان دانست؛ اذعان عالمان شیعه به انگیزه سیاسی و اعتقادی مطالبه؛ و بررسی نام‌گذاری خطبه در منابع متقدم، که فقط از «خطبه» و «کلام فاطمه» یاد کرده‌اند و عنوان «فدکیه» اصطلاحی متأخر است. مقاله نتیجه می‌گیرد که نام‌گذاری باید بر اساس هدف خطبه، نه صرفاً مناسبت تاریخی ایراد آن باشد؛ ازاین‌رو «خطبه ولایت» بهتر از هر عنوان دیگری، ماهیت فراگیر این منشور دفاع اعتقادی و سیاسی را باز می‌نمایاند.

کلید واژه‌ها: خطبه فدکیه؛ خطبه ولایت؛ امامت؛ فدک؛ جهاد تبیین.

مقدمه

شخصیت بی‌بدیل و مقام رفیع حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در منظومه معارف اسلامی، جایگاهی ممتاز و استثنایی دارد؛ جایگاهی که بر بنیاد استوارترین منابع دینی شکل گرفته است. قرآن کریم در آیات متعددی به شأن اهل بیت علیهم السلام به‌ویژه حضرت فاطمه علیها السلام اشاره می‌کند؛ از جمله سوره «کوثر» که نشان‌دهنده خیر کثیر و بقای نسل نبوی در وجود ایشان است؛^۱ آیه «تطهیر» که گواهی بر عصمت ایشان است؛^۲ آیات سوره «انسان» که بیان‌کننده جلوه‌ای از ایشار ایشان و خانواده‌شان است؛^۳ آیه «مودت» که محبت اهل بیت را مزد رسالت معرفی می‌کند؛^۴ و آیه «مباهله» که حضور ایشان در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، امیرالمؤمنین و حسنین علیهم السلام را نشان‌دهنده جایگاه ویژه ایشان می‌داند.^۵

این مقام در سیره و کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز آشکار است؛ تکریم ویژه ایشان از حضرت فاطمه علیها السلام از جمله قیام به احترام، بوسیدن ایشان و نشاندن ایشان در جایگاه خود،^۶ فراتر از رابطه پدر و فرزندی، بیان‌کننده معرفی جایگاه قدسی و حجیت ایشان برای امت بود. ایشان آشکارا می‌فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي فَمَنْ آذَاهَا فَقَدْ آذَانِي».^۷ این نگاه تکریمی در روایتی دیگر با بعدی معنوی گره می‌خورد که می‌فرمودند: «هرگاه مشتاق بهشت می‌شوم، دخترم فاطمه را استشمام می‌کنم».^۸ امیرالمؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه هدی علیهم السلام نیز با تعبیر و بیاناتی متنوع بر جایگاه قدسی و منزلت والای حضرت فاطمه علیها السلام تأکید کرده‌اند.^۹

۱. کوثر: ۱-۳.

۲. احزاب: ۳۳.

۳. انسان: ۷-۲۲.

۴. شوری: ۲۳.

۵. آل عمران: ۶۱.

۶. محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۵، ص ۳۸۸؛ ابوداود سلیمان بن اشعث، سنن أبی داود، ج ۴، ص ۲۲۱۶.

۷. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، امالی، ص ۱۶۴.

۸. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، التوحید، ص ۱۱۸.

۹. نهج البلاغه، نامه ۲۸؛ احمد رحمانی همدانی، فاطمة الزهراء علیها السلام بهجة قلب المصطفی، ص ۱۱۹. عبدالحسین

طیب، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۲۲۵.

شخصیتی با این مقام «حجّیت»، به طور طبیعی تمامی سیره، رفتار، سکنت و کلماتش برای امت اسلامی در طول تاریخ به مثابه الگو و معیار حقانیت بوده است. در میان ابعاد گوناگون سیره فاطمی، نقطه اوج و کانون توجه عالمان اسلام به ویژه در مکتب تشیع، نقش بی بدیل ایشان در «دفاع از حریم ولایت» و جایگاه ایشان به مثابه برجسته ترین و پیشگام ترین مدافع امیرمؤمنان علیه السلام پس از فقدان نبی اکرم صلی الله علیه و آله بوده است. بی تردید یکی از درخشان ترین تجلیات این سیره دفاعی، خطبه بلیغ و غزایی است که آن حضرت در مسجد پیامبر و به مناسبت غصب فدک ایراد فرمودند.

خطبه ای که در تاریخ به «خطبه فدکیه» شهرت یافته است، در حقیقت اقیانوسی از معارف توحیدی و صفات الهی، تبیین بعثت و نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام است که حضرت در میان این مباحث بنیادین، به مسئله ارث و غصب فدک نیز به مثابه شاهدهی بر انحراف پیش آمده اشاره می کند. با توجه به گستردگی معارف خطبه و محوریت دفاع از ولایت در سیره فاطمی، این پرسش مطرح می شود که چرا چنین بیانیه عظیمی با نام «فدکیه» شناخته شده است؟

عنوان «فدکیه» در منابع متقدم برای این خطبه دیده نمی شود و به نظر می رسد نامی متأخر باشد. ممکن است این نام گذاری به انگیزه و بستر تاریخی ایراد خطبه، یعنی مسئله فدک مربوط باشد؛ اما با این دشواری روبرو است که محتوای گسترده و پیام اصلی خطبه تحت الشعاع مناقشه ای تاریخی بر سر یک ملک قرار گیرد و توجه مخاطب را از هسته اصلی و روح حاکم بر آن دور کند.

این مقاله با تحلیل فرازهای خطبه، بازخوانی سیره فاطمی و استناد به شواهد تاریخی، بر آن است که عنوان «خطبه ولایت» دقیق تر، شایسته تر و منطبق تر با پیام محوری این میراث جاودان است. این تغییر نام صرفاً یک جابجایی واژگانی نیست، بلکه تلاشی برای احیای پیام مرکزی خطبه و قراردادن آن در جایگاه واقعی خود، یعنی منشوری جامع در دفاع از اصل امامت و ولایت است.

ولایت اصلی ترین محور در اسلام

با تأمل در دو منبع اصیل معرفت دینی یعنی قرآن کریم و سنت نبوی، روشن می شود که «ولایت» یکی از بنیادی ترین و محوری ترین اصول در ساختار دین اسلام است؛ اصلی که

همچون روح حاکم بر شریعت و ستون استوار بنای دین، دیگر معارف را در منظومه‌ای منسجم قرار می‌دهد.

قرآن کریم این جایگاه را به‌روشنی تبیین کرده است؛ در آیه «اکمال دین»^۱ پس از ابلاغ ولایت در غدیر، مواردی چون کمال دین، اتمام نعمت و رضایت الهی از اسلام به این واقعه پیوند خورده است. در آیه «تبلیغ»^۲ نیز پیامبر ﷺ مأمور به ابلاغ ولایت می‌شود و عدم ابلاغ آن، هم‌سنگ ناتمام‌ماندن رسالت معرفی می‌گردد. همچنین در آیه «اولی الامر»^۳ اطاعت از اولی الامر در کنار اطاعت مطلق از خدا و رسول قرار می‌گیرد و جایگاه ویژه آنان تثبیت شده است؛ جایگاهی که روایات شیعه و سنی، مصادیق آن را امیرالمؤمنین و ائمه اطهار علیهم‌السلام معرفی می‌کنند.^۴

سنت نبوی نیز با روایات متواتر تأییدکننده این محوریت است. حدیث غدیر با معرفی امیرالمؤمنین ﷺ به عنوان «مولا»^۵ حدیث ثقلین با معرفی قرآن و عترت به عنوان دو امانت جدایی‌ناپذیر و مسیر هدایت^۶ و حدیث منزلت^۷ با تشبیه جایگاه علی علیه‌السلام نسبت به پیامبر ﷺ به جایگاه هارون در برابر موسی، بر مسئله ولایت و جانشینی تأکید دارند. براینکه این شواهد آن است که ولایت، عامل کمال و تمامیت دین، شالوده اندیشه اسلامی، سبب بعثت انبیاست؛^۸ ازاین‌رو فهم صحیح هندسه معرفت دینی بدون شناخت این اصل بنیادین کامل نخواهد بود.

نخستین پاسدار حریم ولایت

پس از درگذشت پیامبر اعظم ﷺ، با فراموشی پیمان غدیر و تزلزل جایگاه ولایت در ماجرای

۱. مائده: ۳.

۲. مائده: ۶۷.

۳. نساء: ۵۹.

۴. هاشم بن سلیمان بحرانی، غایة المرام، ج ۳، ص ۱۰۹ - ۱۱۵؛ عبیدالله بن عبدالله حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۱۹۰ - ۱۹۱؛ ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۱۱۶.

۵. سیدمحمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۵، ص ۱۹۶.

۶. نک به: ناصر مکارم شیرازی، آیات ولایت در قرآن، ص ۱۱۷.

۷. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۸۱؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۱.

۸. عبدالحسین امینی، الغدیر فی الکتاب و السنه و الادب، ج ۱، ص ۶۷۴.

سقیفه، سکوتی سنگین بر جامعه حاکم شد. در چنین شرایطی، باید کسی از این اصل بنیادین و یادگار نبوت پاسداری می‌کرد؛ زیرا اگر آن روز صدایی بلند نمی‌شد، چراغ امامت خاموش و نامی از ولایت باقی نمی‌ماند. آن صدا، فریاد حق‌خواهی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، نخستین پاسدار حریم ولایت بود. سیره ایشان از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله تا شهادت، تلاشی چندبعدی برای حفظ و تبیین اصل ولایت بود که در گام‌های مختلفی تجلی یافت. در ادامه به این موارد اشاره می‌کنیم.

۱. جهاد تبیین با سلاح خطبه

حضرت زهرا علیها السلام از حربه خطابه برای شکستن سکوت و روشنگری امت بهره بردند؛ ایشان گاه در مسجدالنبی و در برابر همگان و گاه در منزل خویش و در جمع زنان مهاجر و انصار، با صراحت به دفاع از ولایت و اعتراض به غصب خلافت پرداختند. اوج این خشم مقدس را می‌توان در این فراز از خطبه مشاهده کرد: «از دنیای شما بیزارم و مردان شما را دشمن می‌دارم! ... چرا نگذاشتند حق در مرکزش قرار گیرد و خلافت را از پایه‌های نبوت و از خانه‌ای که محل نزول جبرئیل امین بود، به جایی دیگر بردند؟ آگاه باشید که این خسروانی بزرگ است».^۱

۲. روشنگری‌های فردی و تبیین جایگاه امامت

مبارزه ایشان به خطبه‌های عمومی محدود نشد. حضرت زهرا علیها السلام در گفتگوهای فردی نیز با جملاتی کوتاه به تبیین فلسفه امامت می‌پرداختند. هنگامی که محمود بن لبید از ایشان پرسید چرا امیرالمؤمنین علیه السلام برای گرفتن حق خود قیام نکرد؟ حضرت با تشبیهی روشن، جایگاه امامت را تبیین کردند و فرمودند: «رسول خدا فرمود: مثل امام، مانند کعبه است؛ این مردم هستند که باید به گرد آن طواف کنند، نه آنکه کعبه به گرد مردم بگردد».^۲

۳. تحریم و وصیت‌نامه سیاسی؛ تداوم اعتراض پس از شهادت

حضرت زهرا علیها السلام با هوشمندی، غاصبان خلافت را تحریم سیاسی و اجتماعی کردند و وصیت فرمودند هیچ‌یک از آنان در نماز و تشییع پیکرشان حاضر نشوند. اوج این مبارزه، وصیت به «دفن شبانه و مخفی ماندن مزار» بود. این اقدام فقط یک تدبیر امنیتی نبود، بلکه قبر بی‌نشان

۱. احمد بن ابی طاهر ابن طیفور، بلاغات النساء، ص ۳۲؛ احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۵۳.

حضرت نشان‌دهنده اعتراضی عظیم و ابدی و سندی همیشگی بر مظلومیت ولایت بود. ایشان با این وصیت، غاصبان و ساکتان را از حضور بر مزار یادگار پیامبر ﷺ محروم کردند و نشان دادند پاره تن پیامبر ﷺ حاضر نیست کسانی که پیمان غدیر را به سقیفه سپردند، بر پیکرش نماز بخوانند.

۴. سلاح گریه؛ فریادی در سکوت مدینه

گریه‌های بانوی باحیای اسلام، صرفاً یک ماتم شخصی نبود؛ ایشان با انتخاب مکان‌های عمومی مانند بقیع و احد برای عزاداری، از عواطف انسانی برای یک هدف سیاسی - الهی بهره بردند. این گریه‌ها فریادی اعتراضی بود که توجه جامعه را به خود جلب می‌کرد. هنگامی که ام‌سلمه از علت گریه‌های ایشان پرسید، حضرت فرمودند گریه‌ام برای ظلمی است که بر وصی پیامبر رفته است.^۱ در پاسخ به امیرالمؤمنین ﷺ نیز فرمودند: «برای مصیبت‌هایی که پس از من بر تو خواهد رسید، گریه می‌کنم».^۲

۵. اتمام حجت شبانه

حضرت زهرای (ع) در اقدامی روشنگرانه به همراه امیرالمؤمنین (ع) و حسنین (ع)، تا چهل شب به در خانه مهاجران و انصار رفتند. ایشان با یادآوری دلایل امامت و واقعه غدیر، با مردم اتمام حجت می‌کردند و از آنان یاری می‌طلبیدند؛ اما جز سکوت و بی‌تفاوتی پاسخی دریافت نکردند.^۳

۶. اوج دفاع: شهادت در راه پاسداری از حریم ولایت

درنهایت، عظیم‌ترین اقدام حضرت زهرای (ع)، تقدیم جان مبارکشان در راه دفاع از ولایت بود. هنگامی که برای اخذ بیعت اجباری به درب خانه وحی هجوم آوردند، ایشان خود را سپر بالای امام زمان خویش قرار داد و با گوشت و خون خود از حریم ولایت دفاع کرد و با شهادت خویش، نام خود را به عنوان اولین و بزرگ‌ترین مدافع امامت در تاریخ به ثبت رسانید. بنابراین حضرت زهرای (ع) نه تنها پیشگام دفاع از ولایت، بلکه سند زنده و ناطق حقانیت آن و تجسم کامل غیرت الهی در دفاع از دین بود.

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، ص ۲۰.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۱۸.

۳. عبدالحمید بن هبة الله ابن‌ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغة، ج ۶، ص ۱۳.

خطبه در مسجد؛ دفاع از ولایت در لباس دادخواهی

هنگامی که آیه شریفه «وَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» و حق خویشاوندان را به او بده^۱ نازل شد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله منطقه حاصل خیز «فدک» را به حضرت فاطمه علیها السلام هبه نمودند. این بخشش صرفاً یک هدیه شخصی نبود، بلکه پشتوانه‌ای اقتصادی برای استمرار راه امامت و تقویت جبهه حق پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله به شمار می‌رفت.

پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، غاصبان خلافت در صدد تصاحب فدک برآمدند و ابوبکر با استناد به حدیثی که تنها خود راوی آن بود، این ملک را از حضرت فاطمه علیها السلام غصب کرد.^۲ حضرت برای دادخواهی، امیرالمؤمنین علیه السلام و ام‌ایمن را شاهد معرفی کردند، اما این دادخواهی به نتیجه نرسید؛^۳ از این رو حضرت علیه السلام در مسجد النبی و در برابر خلیفه، مهاجران و انصار، خطبه‌ای تاریخی و روشنگر ایراد فرمودند.^۴

این خطبه که در ظاهر به بهانه غصب فدک ایراد شد، درحقیقت اقیانوسی از معارف و شاهکاری در فصاحت و بلاغت بود. حضرت از توحید و صفات الهی آغاز کردند، به فلسفه نبوت و اسرار احکام پرداختند و در نهایت، اعتراض خود را به غصب فدک و فراتر از آن، به ریشه انحراف‌ها یعنی غصب «ولایت» معطوف کردند.

این خطبه شگرف در گذر تاریخ به «خطبه فدکیه» شهرت یافت؛ با این وجود، نکاتی عمیق و قابل تأمل وجود دارد:

۱. حضرت زهرا علیها السلام غصب فدک را سبب ایراد خطبه قرار دادند؛ اما محتوای آن فقط مربوط به غصب فدک نبود و به معارف بنیادین و گسترده‌ای همچون توحید، نبوت و امامت پرداختند.
۲. این اقدام، حرکتی خلق‌الساعه و اتفاقی نبود، بلکه در امتداد سیره مستمر ایشان در دفاع از ولایت - که پیش‌تر توضیح داده شد - و پس از فاجعه سقیفه قرار داشت.
۳. در برخی از روایات ائمه معصومان علیهم السلام، به صراحت ارتباط میان «فدک» و «ولایت» تبیین شده است؛ درواقع فدک نمادی از خلافت غصب‌شده و حقی ضایع‌شده از اهل بیت علیهم السلام معرفی گردیده است.

۱. اسراء: ۲۶.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۵۴۳؛ محمد بن محمد مفید، المقنعة، ص ۲۸۹ - ۲۹۰.

۳. علی بن ابراهیم حلبی، السيرة الحلیة، ج ۳، ص ۵۱۲.

۴. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵.

۴. به اذعان بسیاری از عالمان شیعه، هدف غایی این خطبه، دفاع از حریم ولایت بوده است و فدک تنها بستری برای بیان این هدف والا بود.

۵. منابع متعددی که نخستین بار این خطبه را نقل کرده‌اند، اساساً اسم خاصی بر آن نهاده‌اند و تنها از آن با عنوان «خطبه» یاد کرده‌اند.

با توجه به این نکات، پرسش‌های اساسی و عمیقی مطرح می‌شود:

نخست: چرا این خطبه با این حجم از معارف توحیدی، نبوی و دفاع از ولایت، به نام یک قطعه زمین مشهور شده است؟ و در پی آن، آیا تقلیل این منشور عظیم اعتقادی و سیاسی به نام «فدکیه» که صرفاً به سبب تاریخی آن اشاره دارد، منجر به دوری از پیام اصلی و هدف نهایی آن یعنی «ولایت» نمی‌شود؟ و مهم‌تر از آن، آیا این نام‌گذاری، زمینه بهانه‌جویی مخالفان مبنی بر تقلیل این قیام الهی به یک دعوای شخصی بر سر ملک را فراهم نمی‌آورد؟

سزاوار است که نام‌گذاری نه بر اساس «سبب»، که بر اساس «هدف» باشد. این خطبه بیش از آنکه خطبه‌ای برای فدک باشد، خطبه‌ای برای ولایت است. در ادامه با تحلیل دقیق و خلاصه نکاتی که پیش‌تر گذشت، درصدد اثبات همین مدعا برخوایم آمد.

۱. تحلیل محتوای خطبه: ولایت، روح حاکم بر کلام فاطمی

با تأمل در محتوای خطبه روشن می‌شود که غصب فدک، صرفاً سبب و بهانه‌ای برای ایراد آن بوده است؛ زیرا مباحث مربوط به فدک تنها بخشی از خطابه را تشکیل می‌دهد. خطبه با توحید و صفات الهی آغاز می‌شود و با تبیین فلسفه نبوت، آثار بعثت پیامبر ﷺ، وضعیت جاهلیت و اسرار احکام الهی ادامه می‌یابد. سپس حضرت به جایگاه خود، حق ارث از پیامبر ﷺ و رد ادعای غاصبان می‌پردازند؛ درنهایت به مهاجران و انصار می‌کنند. در کنار همه این مباحث، غصب ولایت و اعتراض به وضعیت جامعه، محور اصلی و روح حاکم بر خطبه است.

برای نمونه، حضرت در بیان فلسفه احکام می‌فرماید: «وَطَاعَتُنَا نِظَامًا لِلْأُمَّةِ، وَإِمَامَتُنَا أَمَانًا مِنَ الْفُرْقَةِ؛ و [خداوند] اطاعت از ما [اهل بیت] را سبب نظام‌مندی امت و امامت ما را مایه امان از تفرقه قرار داد». این عبارت نشان‌دهنده جایگاه محوری امامت به مثابه عامل وحدت و مانع تفرقه است.

در فرازی دیگر، حضرت با یادآوری مجاهدت‌های امیرالمؤمنین ع می‌فرماید: «كَلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّيْطَانِ، أَوْ فَغَرَّتْ فَاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَأَ صِمَاخَهَا بِأَحْمَصِهِ، وَيُخِمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ: هرگاه آتش جنگی را

برافروختند، خداوند آن را خاموش کرد؛ و هر زمان که شاخ شیطان سر برمی آورد یا فتنه‌ای از سوی مشرکان دهان باز می کرد، [پدرم] برادرش علی علیه السلام را در کام آن می افکند و او نیز تا زمانی که مغز آن فتنه را لگدمال نمی کرد و شعله اش را با شمشیرش خاموش نمی ساخت، باز نمی گشت». این توصیف بر جایگاه بی بدیل امیرالمؤمنین علیه السلام در دفاع از اسلام و شایستگی ایشان برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله تأکید دارد.

حضرت در ادامه درباره حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «لَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ ... ظَهَرَ فِيكُمْ حَسَنَةُ التَّفَاقِقِ، وَ سَمَلَ جُلُبَابُ الدِّينِ: هنگامی که خداوند برای پیامبرش، سرای پیامبران را برگزید ...، خار نفاق در میان شما آشکار شد و جامه دین کهنه و فرسوده گشت». از این تعبیر روشن می شود که حضرت، حوادث پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله را نتیجه نفاقی ریشه دار و انحراف از مسیر ولایت می دانند.

در سرزنش سکوت کنندگان نیز می فرماید: «هَذَا، وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ ... أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمْ حِيطَ بِالْكَافِرِينَ: این کارها را کردید، در حالی که هنوز عهد [غدیر] نزدیک بود، زخم [مصیبت رحلت] وسیع بود و جراحت هنوز بهبود نیافته بود ... آگاه باشید که آنان در همان فتنه سقوط کرده اند و بی گمان جهنم بر کافران احاطه دارد». این فراز نیز با اشاره به «عهد قریب» و «فتنه»، ناظر بر فراموشی پیمان غدیر و انحراف پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله است.

همچنین خطاب به جامعه می فرماید: «فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ، وَ كَيْفَ بِكُمْ؟ وَ أَنَّى تُؤَفَّكُونَ؟ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيِّنٌ أَظْهَرَكُمْ ... هَيْهَاتَ مِنْكُمْ، شما را چه می شود؟ و به کجا منحرف می شوید؟ در حالی که کتاب خدا در میان شماست ...». این پرسش ها در واقع اعتراضی به انحراف جامعه از مسیر قرآن و ولایت است.

حضرت درباره خلافت غصبی نیز می فرماید: «فَدُونَكُمْوهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبِيرَةَ الظُّهْرِ، نَقِيبَةَ الْخُفِّ، بِاقِيَةِ الْعَارِ، مَوْسُومَةً بِغَضَبِ اللَّهِ وَ شَنَارِ الْأَبَدِ: پس بگیرید این [خلافت] را، محکم بچسبیدش که شتری است مجروح و آسیب دیده، ننگ آن باقی و نشان از غضب خداوند و رسوایی ابدی دارد». این تعبیر به روشنی نشان می دهد که سخن حضرت از «خلافت» و حکومت است، نه صرفاً یک ملک شخصی.

در نهایت، با ناله ای جانسوز می فرماید: «إِنَّا فَقَدْ نَاكَ فَقَدْ الْأَرْضُ وَابِلَهَا / وَ اخْتَلَّ قَوْمُكَ

فَأَشْهَدُهُمْ وَلَا تَغِبْ: ما تو را از دست دادیم، آن‌گونه که زمین، باران پربركتش را از دست می‌دهد/ و قومت دچار آشفتگی و اختلاف شدند؛ پس شاهد آنان باش و از نظر پنهان مشو»^۱.
مجموع این فرازاها نشان می‌دهد که دغدغه اصلی و روح حاکم بر خطبه حضرت زهرا علیها السلام، نه یک مطالبه شخصی درباره فدک، بلکه دفاع از ولایت و اعتراض به انحراف جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است.

۲. سیره مستمر فاطمی: راهبردی هوشمندانه در دفاع از ولایت

خطبه شکوهمند حضرت زهرا علیها السلام در مسجد، اقدامی اتفاقی و خلق الساعه نبود؛ بلکه نقطه اوج سیره مستمر و راهبردی ایشان در دفاع همه‌جانبه از ولایت پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله بود. انتخاب موضوع «فدک» برای کشاندن مناقشه به عرصه عمومی، اقدامی هوشمندانه بود. فدک به مثابه یک حق شخصی و قانونی، زمینه‌ای برای حضور حضرت در مسجد و اعتراض به وضع موجود فراهم آورد. ایشان با استناد به آیات قرآن، ادعای حاکمیت درباره ارث نگذاشتن پیامبران را رد و تناقض آن با کتاب خدا را آشکار کردند. بنابراین فدک تنها یک زمین نبود، بلکه نماد حقی غصب‌شده بود که به بهانه آن از حق بزرگ‌تر، یعنی امامت و ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام دفاع شد؛ از این‌رو خطبه، گریه‌های سیاسی و وصیت به تدفین شبانه، همگی در راستای یک هدف واحد قرار داشتند: حراست از میراث نبوت، یعنی ولایت علوی.

۳. فدک در روایات: نماد حاکمیت غصب‌شده

روایات معصومان علیهم السلام نیز این تحلیل را تأیید می‌کنند که «فدک» در واقع نمادی از «ولایت» و حکومت غصب‌شده است. صریح‌ترین گواه این مدعا، گفتگوی تاریخی میان امام موسی کاظم علیه السلام و هارون الرشید است. هنگامی که هارون پیشنهاد بازگرداندن فدک را مطرح کرد، امام علیه السلام شرط پذیرش آن را تحویل گرفتن آن با «تمام حدودش» اعلام کردند. در پاسخ به اصرار هارون، امام مرزهای فدک را چنین تعیین نمودند: از یک‌سو عدن، از سوی دیگر سمرقند، از سوی آفریقا و از سوی چهارم، سواحل دریای خزر. هارون که در حقیقت مرزهای کل حکومت اسلامی را از زبان امام می‌شنید، با خشم گفت: «در این صورت چیزی برای ما باقی نمی‌ماند!» و امام کاظم علیه السلام پاسخ دادند: «می‌دانستم که

۱. همان، ص ۲۲۰.

نخواهی پذیرفت».^۱

این مکالمه کوتاه اما عمیق، به روشنی نشان می‌دهد که فدک در منطق اهل بیت علیهم‌السلام، یک ملک شخصی نیست، بلکه نماد حاکمیت غصب‌شده است.

۴. اذعان بزرگان: فدک، رمزی برای حراست از ولایت

این نگرش به ماجرای فدک در آثار و سخنان بزرگان و عالمان شیعه نیز بازتاب یافته است. بسیاری از اندیشمندان تصریح کرده‌اند که هدف اصلی از ایراد خطبه و مطالبه فدک، دفاع از حریم ولایت و اعتراض به حاکمیت وقت بوده است.

شهید سید محمدباقر صدر می‌فرماید: «مطالبه فدک یک مسئله شخصی و نزاع مادی نبوده است، بلکه نوعی اعلام مخالفت علیه حاکمیت وقت و نامشروع دانستن بنیان‌های آن حاکمیت یعنی سقیفه بود».^۲

حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی نیز در کتابشان می‌نویسند: «خلفا فدک را مصادره کردند تا این منبع اقتصادی، مایه قدرت امام علی علیه‌السلام و خاندانش نشود».^۳

حضرت آیت‌الله صافی گلپایگانی رحمته‌الله نیز درباره اهمیت این خطبه می‌فرماید: «همه ما مدیون خطبه حضرت زهرا علیها‌السلام هستیم؛ چراکه اگر این خطبه نبود، شاید کسی امیرالمؤمنین و اهل بیت علیهم‌السلام و حتی حضرت ولی عصر علیه‌السلام را نمی‌شناخت».^۴

بنابراین از منظر این اندیشمندان، خطبه فدکیه و مطالبه فدک نه نزاعی بر سر یک ملک، بلکه جهاد تبیین برای حفظ اساس اسلام، یعنی امامت و ولایت بود.

۵. عدم تسمیه این خطبه در منابع تاریخی و روایی

یکی از نکات دقیق در بررسی خطبه تاریخی حضرت زهرا علیها‌السلام، توجه به نام‌گذاری آن در منابع متقدم است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در متون کهن روایی و تاریخی، عنوان «خطبه فدکیه» به عنوان یک نام رسمی و رایج برای این خطبه به کار نرفته است.

در مقابل، بیشتر منابعی که این خطبه را نقل کرده‌اند، از عناوینی عمومی‌تر مانند «خطبه

۱. محمدبن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل‌ابی طالب علیهم‌السلام، ج ۴، ص ۳۲۰.

۲. محمدباقر صدر، فدک فی التاريخ، ص ۶۳-۶۶.

۳. ناصر مکارم شیرازی، پیام امیرالمؤمنین، ج ۱۰، ص ۲۰۲.

فاطمة الزهراء^۱، «کلام فاطمة»^۲ یا «احتجاج فاطمة»^۳ برای اشاره به آن استفاده کرده‌اند. تنها در موارد معدودی برای ارائه توضیحات بیشتر، عناوینی توصیفی همچون «خطبه حضرت زهرا در قضیه فدک»^۴ ذکر شده است.

بنابراین عنوان «خطبه فدکیه»، اصطلاحی تخصصی و علمی است که عالمان و محققان در قرون بعد وضع کرده‌اند.

کتاب‌نامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی‌الحدید، عبد‌الحمید بن هبة‌الله، شرح نهج‌البلاغة، قم: مکتبة آية‌الله العظمی‌ المرعشی‌ النجفی رحمته‌الله، [بی‌تا].
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الأملی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، التوحید، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۹۸ ق.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، [بی‌تا].
۵. ابن حجاج نیشابوری، مسلم، صحیح مسلم، قاهره: دار‌الحديث، ۱۴۱۲ ق.
۶. ابن حیون، نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم‌السلام، قم: جماعة المدرسین فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.
۷. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب عليهم‌السلام، قم: نشر علامه، ۱۳۷۹ ق.
۸. ابن طیفور، احمد بن ابی‌طاهر، بلاغات النساء، قم: الشریف‌الرضی، [بی‌تا].

-
۱. محمد محسن آقا‌بزرگ‌تهرانی، الذریعة، ج ۷، ص ۲۰۳ و ج ۴، ص ۳۴۸؛ احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص ۸۷؛ ابن حیون نعمان بن محمد، شرح الأخبار فی فضائل الأئمة الأطهار عليهم‌السلام، ج ۳، ص ۳۴؛ علی بن حسین علم‌الهدی، الشافی فی الإمامة، ج ۴، ص ۷۱.
 ۲. احمد بن ابی‌طاهر ابن‌طیفور، بلاغات النساء، ص ۲۳؛ منصور بن حسین آبی، نثر الدرر، ج ۴، ص ۵.
 ۳. احمد بن علی طبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۱، ص ۹۷.
 ۴. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۹۵؛ محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۷؛ حسن بن سلیمان بن محمد حلی، مختصر البصائر، ص ۴۵۶.

٩. ابوالفرج اصفهاني، علي بن حسين، مقاتل الطالبين، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٤١٩ ق.
١٠. اميني، عبدالحسين، الغدير في الكتاب و السنة و الأدب، قم: مركز الغدير للدراسات الإسلامية، ١٤١٦ ق.
١١. آبي، منصور بن حسين، نثر الدرر، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٤ ق.
١٢. آقابزرگ تهراني، محمد محسن، الذريعة إلى تصانيف الشيعة، بيروت: دارالأضواء، ١٤٠٣ ق.
١٣. بحراني، هاشم بن سليمان، غاية المرام و حجة الخصام في تعيين الإمام من طريق الخاص و العام، بيروت: مؤسسة التاريخ العربي، ١٤٢٢ ق.
١٤. بخاري، محمد بن اسماعيل، صحيح البخاري، قاهره: وزارة الأوقاف، المجلس الأعلى للشئون الإسلامية، لجنة إحياء كتب السنة، ١٤١٠ ق.
١٥. حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، بيروت: دارالتأصيل، ١٤٣٥ ق.
١٦. حسانى، عبيدالله بن عبدالله، شواهد التنزيل لقواعد التفضيل فى الآيات النازلة فى أهل البيت صلوات الله و سلامه عليهم، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامى، ١٤١١ ق.
١٧. حلبى، على بن ابراهيم، السيرة الحلبية، بيروت: دارالكتب العلمية، ١٤٢٧ ق.
١٨. حلى، حسن بن سليمان، مختصر البصائر، قم: مؤسسة النشر الإسلامى، ١٤٢١ ق.
١٩. رحمانى همدانى، احمد، فاطمة الزهراء بهجة قلب المصطفى، قم: مركز فرهنگى انتشاراتى منير، ١٣٧٨ ش.
٢٠. سليمان بن اشعث، ابوداود، سنن ابى داود، قاهره: دارالحديث، ١٤٢٠ ق.
٢١. صدر، محمد باقر، فدك فى التاريخ، نجف اشرف: المطبعة الحيدرية، ١٣٧٤ ق.
٢٢. طباطبايى، سيد محمد حسين، الميزان فى تفسير القرآن، بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات، ١٣٩٣ ق.
٢٣. طبرسى، احمد بن على، الإحتجاج على أهل اللجاج، مشهد: نشر مرتضى، ١٤٠٣ ق.
٢٤. طيب، عبدالحسين، اطيب البيان فى تفسير القرآن، تهران: نشر اسلام، ١٣٧٨ ش.
٢٥. علم الهدى، على بن حسين (سيد مرتضى)، الشافى فى الإمامة، تهران: مؤسسة الصادق عليه السلام، ١٤٠٧ ق.
٢٦. كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، تهران: دارالكتب الإسلامية، ١٤٠٧ ق.

۲۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: دارإحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۸. مفید، محمد بن محمد، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، آیات ولایت در قرآن، قم: نشر نسل جوان، ۱۳۸۶ ش.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۳۷۵ ش.
۳۱. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، قم: جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية بقم، مؤسسة النشر الإسلامي، ۱۳۶۵ ش.

پرچم‌داری بانوان با الگوگیری از حضرت زهرا سلام‌الله علیها

حجت‌الاسلام والمسلمین مرتضی غرسبان روزبهانی*

چکیده

بازیابی هویت زن در نقطه عطف تاریخ تحولات جهان در قرون اخیر، زن را در معرض دو انحراف بنیادین قرار داده بود؛ از یک سو تمدن غربی با فروکاستن حقیقت زن به جسم و جذابیت‌های مادی، او را به چرخ‌دنده‌ای در سازوکار سودجویی سرمایه‌داری و کالایی در بازار لذت تبدیل کرد؛ از سوی دیگر، نگرش‌های تحجرآمیز شرقی، زن را عنصری فاقد اراده و اثرگذاری در مقدرات جامعه و منفعل در رویدادهای تاریخی می‌انگاشتند. در میانه این دو افراط و تفریط، نظام اسلامی ایران با الهام از معارف ناب قرآن و سنت نبوی و علوی، طرحی نو در انداخت و الگویی را تحقق بخشید که نه مقلد غرب بود و نه محبوس در تحجر شرق. در این الگوی متعالی، زن نه تنها پیرو نیست، بلکه در بزنگاه‌های حساس «پیشران»، «پرچمدار» و «موتور محرک حرکت جامعه» شناخته می‌شود. این جهت‌گیری بنیادین تأثیر مستقیمی از سیره صدیقۀ طاهره، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر زنان برگزیده قرآن و عترت می‌گیرد. بانوانی که با حضور بهنگام، عقلانیت عمیق، فداکاری بی‌دریغ و بصیرت بی‌مانند خود، مسیر تاریخ را به سوی حق تغییر دادند.

کلید واژه‌ها: پرچم‌داری بانوان؛ حضرت فاطمه زهرا علیها السلام؛ هویت زن؛ الگوی زن مسلمان؛ نقش اجتماعی بانوان.

* محقق رسمی پژوهشکده فرهنگ و معارف قرآن پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

مقایسه نگاه اسلام و دیگر مکاتب به زن

در دستگاه معرفتی اسلام، گوهر مشترک انسانیت با چشم‌پوشی از جنسیت تعریف شده است. خداوند متعال خلقت زن و مرد را از یک مبدأ و حقیقت واحد می‌داند و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا...»^۱. کرامت ذاتی انسان و پاداش اعمال صالح بر پایه تقوا، ایمان و تلاش استوار است، نه مذکر یا مؤنث بودن. پروردگار متعال در سوره «نحل» به‌صراحت ملاک دست‌یابی به «حیات طیبه» را فارغ از جنسیت، در گرو عمل صالح هم‌زمان با ایمان معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲. همچنین در سوره «احزاب»، ده مقام برجسته معنوی و اجتماعی را بر می‌شمارد و نشان می‌دهد که افق تکامل برای زن و مرد دقیقاً برابر و متناظر است:

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا.^۳

در ساحت مسئولیت‌های خطیر اجتماعی و نظارت همگانی بر هدایت جامعه نیز قرآن کریم، ولایت متقابل مؤمنان بر یکدیگر در امر به معروف، نهی از منکر و اقامه نماز را بدون هیچ‌گونه مرزبندی جنسیتی ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»^۴.

در نقطه مقابل، تمدن غرب بر مبنای فردگرایی افراطی و اومانیسم لذت‌طلب، جنسیت زن را بر انسانیت او غلبه داد. زن در ساختار سرمایه‌داری غربی در دو ساحت به اسارت درآمد: از

۱. نساء: ۱.

۲. نحل: ۹۷.

۳. احزاب: ۳۵.

۴. توبه: ۷۱.

یک‌سو نیروی کار ارزان برای چرخه‌های صنعتی؛ از سوی دیگر، ابزار ترویج مصرف‌گرایی وارضای غرایز سطحی.

در دیدگاه سنتی و متداول شرقی نیز زن همواره موجودی در حاشیه تاریخ پنداشته می‌شد. در این بینش، زن عنصری فاقد توانایی تولید فکر، مدیریت بحران و موضع‌گیری جریان‌ساز قلمداد می‌گردید و حیطه وجودی او تنها در حصار انفعال و پذیرش سرنوشت رقم‌خورده از سوی دیگران معنا می‌یافت. در دوره پهلوی در ایران نیز کوشیدند ترکیبی مبتذل از کالازدگی غربی به نام کشف حجاب و انفعال سنتی بر زن ایرانی تحمیل کنند و به لگدمال کردن شایستگی‌های معنوی و عقلانی او بپردازند.

جایگاه والای بانوان در نظام اسلامی

نظام جمهوری اسلامی ایران با دمیدن روح قدسی اسلام ناب، چارچوب جدیدی آفرید که نه به سمت ابزارانگاری غرب حرکت کند و نه در انزوای شرقی متوقف بماند. این مفهوم که در پیام‌ها و بیانات رهبر شهید و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی به‌روشنی صورت‌بندی شد، با عنوان «الگوی سوم زن مسلمان» شناخته می‌شود: «زن در تعریف غالباً شرقی، همچون عنصری در حاشیه و بی‌نقش در تاریخ‌سازی؛ و در تعریف غالباً غربی، به‌مثابه موجودی که جنسیت او بر انسانیتش می‌چربد و ابزاری جنسی برای مردان و در خدمت سرمایه‌داری جدید است، معرفی می‌شد. شیرزنان انقلاب و دفاع مقدس نشان دادند که الگوی سوم، "زن نه شرقی، نه غربی" است. زن مسلمان ایرانی، تاریخ جدیدی را پیش چشم زنان جهان گشود و ثابت کرد که می‌توان زن بود، عفیف بود، محجبه و شریف بود، و در عین حال، در متن و مرکز بود».^۱ تحقق این نگاه متعالی تنها در ساحت نظر باقی نماند، بلکه در دهه‌های پس از انقلاب اسلامی در تمامی عرصه‌های علمی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی تبلور یافت.

مشارکت جدی بانوان در صحنه‌های مهم نظام اسلامی

۱. مبارزات ضدطاغوت و پیروزی انقلاب

حضور توده‌ای و سازمان‌یافته زنان محجبه در تظاهرات عظیم سال ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ علیه رژیم ستم‌شاهی، ستون فقرات اراده ملت را تشکیل داد. امام خمینی علیه‌السلام بارها با تجلیل از این

۱. پیام رهبر شهید به کنگره هفت هزار زن شهید کشور، ۱۳۹۱/۱۲/۱۶.

موقعیت‌شناسی تاریخی تصریح فرمودند: «این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند. بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرئت و شجاعت پیدا کنند. ما مرهون زحمات شما خانم‌ها هستیم».^۱

در صفوف مبارزه، زنانی نستوه همچون مرضیه حدیدچی (دباغ) ظهور کردند. بانویی که شاگرد امام خمینی علیه السلام و شهید آیت‌الله مطهری بود؛ او با اینکه طعم وحشیانه‌ترین شکنجه‌های ساواک را چشید، لب به افشای اسرار نگشود. در غربت لبنان و سوریه دوره‌های چریکی و نظامی دید و پس از پیروزی، فرماندهی سپاه همدان را برعهده گرفت. عضو هیئت تاریخی اعزامی امام خمینی علیه السلام برای ابلاغ پیام به میخائیل گورباچف رهبر اتحاد جماهیر شوروی شد و در سنگر قانون‌گذاری مجلس نقش‌آفرینی کرد.

۲. ایثار در دفاع مقدس هشت‌ساله

در هشت سال جنگ تحمیلی، زنان با تقدیم همسران، برادران و فرزندان خویش و فرستادن آنان به خطوط مقدم، شاکله روانی جامعه را در برابر ماشین جنگی استکبار حفظ کردند. فراتر از آن، ستادهای پشتیبانی مساجد با محوریت زنان اداره می‌شد. پخت نان، خیاطی، بسته‌بندی اقلام غذایی و دارویی، رختشویی لباس‌های گل‌آلود و شیمیایی رزمندگان در پایگاه‌هایی چون رختشوی‌خانه اهواز، امدادگری مجروحان زیر آتش در بیمارستان‌های صحرایی و حتی نبردهای خیابانی تن‌به‌تن در خرمشهر و سوسنگرد، گواهی بر عظمت حضور زن مسلمان بود. کتاب نقش زنان در دفاع مقدس^۲ این نقش را در چهار بعد رزمی، پشتیبانی، فرهنگی و عاطفی تحلیل و ثبت کرده است.

پرچم‌داری بانوان در دفاع از ارزش‌های اسلام و انقلاب

با تغییر ماهیت تهاجم دشمن از جنگ سخت به جنگ ترکیبی، نرم و شناختی، نوک پیکان توطئه‌ها متوجه حریم خانواده، عفت و حجاب زن مسلمان شد. دشمن دریافته بود تا زمانی که مادران و دختران این سرزمین سنگربان ایمان و غیرت دینی باشند، تسخیر فکری جامعه ناممکن است. در این معرکه، بانوان انقلابی به افسران خط مقدم جهاد تبیین بدل شدند. حضور سازمان‌یافته بانوان در مساجد، هیئت‌های مذهبی، دانشگاه‌ها و قرارگاه‌های فضای مجازی،

۱. سیدروح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۷، ص ۶، بیانات در جمع دانشجویان دختر، ۲۴ فروردین ۱۳۵۸.

۲. محمدعلی جودکی، نقش زنان در دفاع مقدس، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵ ش.

سناریوهای فتنه‌انگیز را خنثی کرد. زن مسلمان در این عرصه نشان داد که خانواده نقطه عزیمت مقاومت است؛ او آرامش روانی خانه را در ایام بحران حفظ کرد و هم‌زمان در عرصه عمومی، با روشنگری و آگاهی‌بخشی، روایت‌های وارونه رسانه‌های بیگانه را شکست داد.

قدرت واقعی نظام اسلامی در عمق پیوند میان ملت و حاکمیت نهفته است. زنان در جایگاه مریبان نسل آینده، پیوند عاطفی و ایمانی جامعه را تحکیم می‌بخشند. پایداری یک مادر در تشییع فرزند شهیدش، بیانیه رسای شکست‌ناپذیری یک امت است. حضور فعال بانوان در راهپیمایی‌های عظیم ۲۲ بهمن، روز قدس، تشییع باشکوه فرماندهان مقاومت و مجاهدان فی سبیل‌الله، قدرت بازدارندگی استواری را در برابر فشارها به وجود آورده است و محاسبات قدرت‌های استکباری را به هم ریخته است.

سبقت بانوان در مواقع ضروری دفاع از نظام

در بسیاری از برهه‌های پرتلاطم انقلاب، بانوان در نقطه‌ای پیش‌تر و خط‌شکن‌تر ظاهر شده‌اند. رهبر معظم انقلاب، آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیامی به مناسبت هفته دفاع مقدس و سالگرد شهادت سید مقاومت شهید سیدحسن نصرالله، این حقیقت خیره‌کننده را چنین ترسیم فرمودند: «روزهایی بود که عنصر دلیری مردمان این مرزوبوم با مردانش شناخته می‌شد؛ اما اینک در روزهایی هستیم که بانوان در بعضی از عرصه‌های حضور دلیرانه، از مردان سبقت می‌گیرند».^۱

در جنگ تحمیلی اخیر، دشمن سرمایه‌گذاری سنگینی بر ایجاد هراس عمومی و گسست اجتماعی انجام داده بود تا اراده ملت را در هم بشکنند. در این میان، پدیده شگفت‌انگیز «تجمعات شبانه» مردم در بیش از صدها شهر کشور جلوه‌نمایی کرد. گزارش‌های مستند میدانی و رسانه‌ای نشان می‌دهد محرک اصلی در این حضور را مادران، فرزندان و شیرزنان ایران اسلامی شکل می‌دادند. بانوان غیور با درآغوش گرفتن فرزندان خردسال خود و کشاندن خانواده‌ها به خیابان‌ها و میادین شهرها در ساعاتی از شب، خیابان را به دژ غیرت و حمایت از تمامیت ارضی و حاکمیت نظام اسلامی بدل کردند. این حضور هشت‌ماهه امت مبعوث، ابهت توخالی دشمن را فروریخت و با برپایی موکب‌های جهادی، دوختن پرچم‌های مقاومت، توزیع اقلام خوراکی و سردادن شعارهای حماسی، صحنه‌های صدر اسلام را زنده گردانید. این همان سبقت‌گیری در

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۴۰۵/۰۷/۰۶.

دفاع از کیان اسلام و اثبات پیوند ناگسستنی زن مسلمان با ارکان انقلاب بود.

الگوگیری بانوان میهن اسلامی از الگوهای دینی

خداوند متعال در قرآن مجید، مؤمنان عالم را به الگوهای والایی ارجاع می‌دهد که در سخت‌ترین شرایط، توحید ناب را حفظ کردند. در سوره «تحریم»، دو بانو در جایگاه «اسوه» جمیع مؤمنان» (زن و مرد)، معرفی می‌شوند و می‌فرماید:

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ * وَمَرْيَمَ ابْنَتْ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَا فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ لَهَا اسْمٌ كَرِيمٌ
الْقَانَتَيْنِ^۱

الف) حضرت آسیه، تجلی تسلیم‌ناپذیری در کانون طاعوت بود. او در کاخ فرعون زیست؛ اما فریب زرق و برق استبداد را نخورد، بلکه ندای قرب پروردگار سر داد و هسته مقاومت در برابر طغیان فرعونی را حراست کرد. زنان مبارز ایران در عصر ستم‌شاهی پهلوی، با تمسک به همین منش آسیه‌وار، کانون‌های مبارزه را در خانه‌ها روشن نگاه داشتند.

ب) حضرت مریم علیها السلام، نماد طهارت، استقامت، اتصال به غیب، و ایستادگی در برابر اتهامات بدخواهان است؛ زنی که در میان تندباد زخم‌زبان‌ها، پرچم تقوا و کلمه الهی را برافراشت.

ج) حضرت خدیجه کبری علیها السلام، الگوی انفاق همه‌جانبه و بذل ثروت در شعب ابی طالب بود. قرآن کریم درباره این‌گونه افراد می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْثَرُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»^۲. مادران و زنان ایرانی در سال‌های دفاع مقدس و تحریم‌های ظالمانه، با بذل طلاها و اندوخته‌های خویش برای رزمندگان و گرگ‌شایی از محرومان، درس آموخته مکتب خدیجه کبری علیها السلام بودند.

د) حضرت زینب کبری علیها السلام، قلّه صبر حکیمانه، بصیرت و جهاد روایت است. اگر زینب علیها السلام پس از عصر عاشورا نبود، واقعه کربلا در کربلا دفن می‌شد یا از سوی تحریف‌گران اموی مسخ می‌گردید. عبارت جاودانه «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا» در مجلس ابن‌زیاد، نشانه اوج بینش، بصیرت و

۱. تحریم: ۱۱ - ۱۲.

۲. توبه: ۲۰.

صلابت سیاسی او بود. زنان فعال در حوزه رسانه و مستندسازی دفاع مقدس، راویان زینبی عصر ما هستند که اجازه ندادند جای شهید و جلاّد تغییر یابد.

الگوگیری بانوان از حضرت فاطمه زهرا (ع)

قله و اسوه تراز بانوان مکتب اسلام، حضرت فاطمه زهرا (ع) است. شخصیتی که امام عصر، مهدی موعود (ع) در توصیف ایشان می‌فرمایند: «وَفِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ»^۱. فاطمه زهرا (ع) حقیقت لیلۃ القدر و خیر کثیر الهی است؛ به همین دلیل در رأس همه انوار الهی، زهرای مرضیه (ع) قرار دارد؛ بانویی که با قیام فکری و سیاسی، خطبه‌خوانی‌های تبیینی، ایستادگی بر حریم امامت و بذل جان در مسیر توحید، بنیان‌گذار پرچم‌داری زنان در بزنگاه‌های سخت تاریخ شد. کنشگری سیاسی و اجتماعی آن حضرت پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام (ص) و دقیق‌ترین نقشه راه پرچم‌داری زن مؤمن در صیانت از ولایت و عدالت را پیش چشم بشر قرار داد. این پرچم‌داری را می‌توان در چند عرصه بیان کرد:

۱. بصیرت و جهاد تبیین

یکی از درخشان‌ترین ویژگی‌های وجودی حضرت فاطمه (ع)، پیشگامی ایشان در جهاد تبیین است. پس از ارتحال پیامبر اکرم (ص) و هنگامی که غبار انحراف سقیفه و بازگشت به رسوم جاهلی فضای مدینه را فراگرفت، حضرت زهرا (ع) سکوت نکرد. ایشان با همراهی زنانی از بنی‌هاشم به مسجد النبی رفتند و در حضور سران مهاجر و انصار «خطبه فدکیه» را ایراد فرمودند. حضرت در این خطبه، اصول توحید، فلسفه نبوت، اسرار احکام و فلسفه امامت را این‌گونه آشکارا بیان نمودند: «فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشُّرْكِ... وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمِلَّةِ، وَإِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ»^۲: خداوند اطاعت از ما اهل بیت را مایه انسجام و نظم امت، و امامت ما را مانع تفرقه و جدایی قرار داد».

بانوی دوعالم همچنین در واپسین روزهای حیات و در بستر بیماری، هنگامی که زنان مدینه به عیادت ایشان آمدند، خطبه‌ای تکان‌دهنده خواند و خمودگی، دنیاطلبی و خطای بزرگ مردانشان را برشمرد: «أَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عَائِفَةً لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَةً لِرِجَالِكُمْ...»^۳. این همان بنیان‌گذاری

۱. محمد بن حسن طوسی، الغیبة، ص ۲۴۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰.

۲. احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۹۹؛ احمد بن ابی‌طاهر طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۲.

۳. احمد بن ابی‌طاهر طیفور، بلاغات النساء، ص ۱۹.

سنت روشنگری و خطبه‌خوانی بود که در ادامه تاریخ از سوی امام علی علیه السلام، امام حسین علیه السلام و حضرت زینب علیها السلام استمرار یافت.

۲. دفاع از حریم ولایت

حضرت صدیقه طاهره علیها السلام سیاست‌مداری در تراز ولایت‌مداری بود. ایشان چهل شب، سوار بر مرکب، دست حسنین علیهما السلام را گرفت و بر در خانه یکایک انصار و مهاجر حاضر شد و بیعت غدیر را به یاد آنان آورد. فاطمه علیها السلام می‌دانست انحراف از امامت الهی، جامعه را به قهقرا خواهد برد. زمانی هم که به بیت وحی هجوم آوردند، حضرت خود در خط مقدم ایستاد، میان در و دیوار قرار گرفت، آسیب دید، فرزندش سقط شد و تا سرحد بذل جان و شهادت، دست از دفاع از امام زمان خویش برنداشت تا سندی جاودان بر حقانیت ولایت و مظلومیت اهل بیت علیهم السلام ثبت کند.

نتیجه

بررسی منظومه معرفتی اسلام و رویدادهای تاریخی نشان می‌دهد پرچم‌داری بانوان، اصلی اساسی و هویتی در حرکت تمدن اسلامی است. انقلاب اسلامی ایران بر پایه معارف اهل بیت علیهم السلام توانست زنجیرهای تحجر شرقی و کلازدگی غربی را پاره کند و «الگوی سوم زن» را به مثابه تنها راهکار رهایی حقیقی زن به جهان معاصر عرضه دارد. الگویی که در آن عفت و حیا با بصیرت عمیق، شجاعت بی‌مانند و کنشگری اجتماعی هم‌پیوند است.

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در جایگاه محور اهل بیت علیهم السلام و اسوه اولیای الهی، با نطق تبیینی خویش، حضور میدانی در دفاع از ولایت، ایستادگی در برابر دنیاطلبان و بذل جان، نقشه راه جامع این پرچم‌داری را ترسیم کرد. زنان مؤمن و انقلابی ایران با تاسی به این خورشید تابناک و بهره‌گیری از سیره آسیه، مریم، خدیجه و زینب کبری علیهم السلام، در پیروزی انقلاب، دفاع مقدس، عرصه‌های علمی و دانش‌بنیان و جنگ‌های پیچیده شناختی و تحمیلی اخیر به عنوان نیروی پیشران، خط‌شکن و پرچم‌دار وارد صحنه شدند.

حضور حماسی و سبقت‌آمیز بانوان در تجمعات شبانه و ایستادگی سرسختانه در برابر تهاجم‌های همه‌جانبه، سند گویای این حقیقت است که تا زمانی که بانوان یک جامعه با الگوگیری از زهرای مرضیه علیها السلام در سنگر جهاد تبیین، خانواده، علم و دفاع از ولایت حاضر باشند، هیچ توطئه‌ای قادر به شکستن اراده آن امت نخواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ابن‌ابی‌طاهر طیفور، احمد، بلاغات النساء. بیروت: دارالفضیلة، [بی‌تا].
۲. جودکی، محمدعلی، نقش زنان در دفاع مقدس، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۵ ش.
۳. خمینی، سیدروح‌الله. (۱۳۸۵). صحیفه امام (مجموعه رهنمودها و پیام‌های امام خمینی). تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام، ۱۳۸۵ ش.
۴. دباغ (حدیدچی)، مرضیه، خاطرات مرضیه حدیدچی (دباغ)، به کوشش محسن کاظمی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۵ ش.
۵. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج علی أهل اللجاج، مشهد: نشر المرتضی، ۱۴۰۳ ق.
۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.

الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیره حضرت فاطمه سلام الله علیها

حجت الاسلام والمسلمین محمدحسین افشاری کرمانی*

چکیده

این مقاله با مطالعه تحلیلی سیره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و بهره‌گیری از مفاهیم علوم اجتماعی، مؤلفه‌های الگوی کنشگری اجتماعی زنان را استخراج و تبیین می‌کند. در برابر دورویکرد ناکافی — سکولار به حاشیه‌راندن خانواده و برداشت‌هایی که حضور زن را به محیط خانه محدود می‌کنند — بر الگویی متوازن مبتنی بر ایمان، کرامت انسانی و مسئولیت اجتماعی تأکید دارد. کنشگری اجتماعی به‌عنوان رفتاری آگاهانه، هدفمند و ارزش‌مدار تعریف و مبانی آن در مسئولیت مشترک زنان و مردان مؤمن، تعاون بر نیکی و امر به معروف پیگیری می‌شود. سپس شش مؤلفه تبیین می‌شود: مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ آگاهی‌بخشی و تبیین حقیقت؛ عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری؛ شجاعت اخلاقی؛ عقلانیت و گفت‌وگوی اقناعی؛ و پیوند مسئولیت خانوادگی با مسئولیت اجتماعی. خطبه فدکیه مهم‌ترین نمونه تحلیل‌شده است؛ خطبه‌ای که فراتر از مطالبه حق اقتصادی، عرصه دفاع مستدل از عدالت، امامت و مصالح عمومی معرفی می‌شود و استناد به قرآن و سنت، رعایت اخلاق در مطالبه‌گری و تلاش برای اقناع مخاطب از شاخص‌های آن است. در تبیین نسبت خانواده و جامعه، خانواده خاستگاه پرورش اعتماد و مسئولیت‌پذیری دانسته می‌شود، نه مانع مشارکت. برآیند مقاله، معرفی الگویی برای حضور مسئولانه زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی و رسانه‌ای امروز با تأکید بر آگاهی، نقد منصفانه، گفت‌وگوی سازنده و مدیریت متوازن نقش‌هاست.

کلید واژه‌ها: حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)؛ کنشگری اجتماعی زنان؛ سیره فاطمی؛ مشارکت اجتماعی.

مقدمه

جامعه انسانی برای دستیابی به رشد، عدالت و پویایی، نیازمند مشارکت فعال تمامی اعضای خود است. زنان در جایگاه نیمی از سرمایه انسانی هر جامعه، نقشی اساسی در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی، انتقال ارزش‌های فرهنگی، تربیت نسل آینده و پیشبرد اهداف اجتماعی ایفا می‌کنند؛ با این وجود، چگونگی حضور اجتماعی زنان و حدود و کیفیت کنشگری آنان همواره از مهم‌ترین موضوعات مورد بحث در اندیشه‌های اجتماعی، فرهنگی و دینی بوده است. این مسئله در جوامع اسلامی به دلیل ارتباط آن با آموزه‌های دینی، اهمیت مضاعفی دارد و دیدگاه‌های مختلفی درباره نسبت میان مسئولیت‌های خانوادگی و حضور اجتماعی زنان مطرح شده است.^۱

در دهه‌های اخیر با افزایش تحولات فرهنگی، گسترش رسانه‌های جدید، تغییر سبک زندگی و دگرگونی نقش‌های اجتماعی، پرسش‌های تازه‌ای درباره الگوی مطلوب حضور زنان در جامعه به وجود آمده است؛ از این رو برخی رویکردها با تأکید بر الگوهای سکولار، مشارکت اجتماعی زنان را بیشتر بر اساس استقلال فردی و رقابت اجتماعی تفسیر می‌کنند و نقش خانواده را به حاشیه می‌رانند؛ از سوی دیگر، برخی برداشت‌های نادرست از متون دینی، حضور اجتماعی زنان را به کمترین میزان رسانیده‌اند و نقش آنان را فقط در محدوده خانواده تعریف می‌کنند. هر دو رویکرد با چالش‌هایی روبرو هستند و نمی‌توانند تصویری جامع و متوازن از جایگاه زن مسلمان ارائه دهند.^۲

از منظر اسلام، حضور اجتماعی زنان هنگامی ارزشمند است که در چارچوب کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری، اخلاق و مصالح جامعه انجام گیرد. بنابراین برای تبیین الگوی صحیح کنشگری اجتماعی زنان، مراجعه به سیره عملی معصومان علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، ضرورتی اساسی دارد. حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام تنها الگوی معنویت، عبادت، همسرمداری و مادری نیستند، بلکه در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز شخصیتی فعال، آگاه و مسئول به شمار می‌آیند.

۱. نرجس رودگر و ناهید طیبی، «تحلیل نقش‌آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان»، ص ۱۰۱-۱۰۲.

۲. راحله کاردوانی و معصومه نفیسی‌راد، «زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران؛ مرور نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته»، ص ۳۸-۷۹.

با وجود پژوهش‌های متعدد درباره فضایل، شخصیت و ابعاد تاریخی زندگی حضرت زهرا علیها السلام، بسیاری از این آثار بیشتر جنبه توصیفی یا تاریخی دارند و کمتر به استخراج «الگوی نظام‌مند کنشگری اجتماعی» از سیره ایشان پرداخته‌اند. خلأ پژوهشی موجود، ضرورت انجام مطالعاتی را نشان می‌دهد که بتواند با نگاهی میان‌رشته‌ای، ضمن بهره‌گیری از منابع اسلامی، یافته‌های علوم اجتماعی را نیز در تحلیل سیره حضرت زهرا علیها السلام به کار گیرد. هدف نوشتار حاضر این است که با مطالعه تحلیلی سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، مؤلفه‌های اصلی الگوی کنشگری اجتماعی زنان را استخراج و تبیین کند.

مفهوم کنشگری اجتماعی زنان

۱. مفهوم کنشگری اجتماعی

«کنشگری اجتماعی»^۱ در دهه‌های اخیر به یکی از مفاهیم کلیدی علوم اجتماعی تبدیل شده است. این مفهوم به رفتار آگاهانه، هدفمند و مسئولانه‌ای اشاره دارد که فرد یا گروه برای تأثیرگذاری بر محیط اجتماعی، اصلاح ساختارها، دفاع از ارزش‌ها یا حل مسائل عمومی انجام می‌دهد. کنشگری اجتماعی برخلاف رفتارهای روزمره، مبتنی بر انتخاب آگاهانه، احساس مسئولیت و تلاش برای ایجاد تغییر در جامعه است.^۲ کنشگری اجتماعی در ادبیات فارسی نیز به معنای حضور فعال، مسئولانه و اثرگذار افراد در عرصه عمومی برای تحقق منافع عمومی، اصلاح اجتماعی و مشارکت در حل مسائل جامعه تعریف شده است.^۳ بنابراین، عناصر اصلی کنشگری اجتماعی را می‌توان در پنج مؤلفه خلاصه کرد: آگاهی؛ مسئولیت‌پذیری؛ هدفمندی؛ ارزش‌مداری؛ و اثرگذاری اجتماعی.

۲. کنشگری اجتماعی در اندیشه اسلامی

اصطلاح «کنشگری اجتماعی» به‌صراحت در منابع اسلامی به کار نرفته است؛ اما آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام سرشار از مفاهیمی است که با این اصطلاح هم‌پوشانی دارند. انسان در اندیشه اسلامی، موجودی مسئول در برابر خداوند، خویش و

1. Social Activism

2. Giddens, A. (1984). The Constitution of Society. Berkeley: University of California Press, p:45.

۳. ر. ک به: مصطفی ازکیا و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی توسعه؛ باقر ساروخانی، درآمدی بر جامعه‌شناسی.

جامعه است و ایمان حقیقی افزون بر ابعاد فردی، در مسئولیت‌پذیری اجتماعی نیز تجلی می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین مبانی قرآنی کنشگری اجتماعی در این آیه آمده است: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ»^۱ مردان و زنان باایمان دوست و یار یکدیگرند؛ همواره به کارهای نیک و شایسته فرمان می‌دهند و از کارهای زشت و ناپسند باز می‌دارند». این آیه، زنان و مردان مؤمن را اعضای یک جامعهٔ مسئول معرفی می‌کند که وظیفه مشترک آنان، گسترش معروف و مقابله با منکر است. مفسران این آیه را دال بر مشارکت اجتماعی زنان و مردان در اصلاح جامعه دانسته‌اند؛ به بیان دیگر، آن را می‌توان یک کنشگری اجتماعی نامید.^۲

اصل «تعاون بر نیکی و تقوا» نیز یکی دیگر از مبانی مهم کنشگری اجتماعی در اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»^۳ و یکدیگر را بر انجام کارهای خیر و پرهیزکاری یاری نمایید». این اصل نشان می‌دهد که مشارکت اجتماعی در اسلام صرفاً یک انتخاب فردی نیست، بلکه وظیفه‌ای دینی برای تحقق خیر عمومی محسوب می‌شود. آموزه «امر به معروف و نهی از منکر» نیز از مهم‌ترین سازوکارهای اصلاح اجتماعی در اندیشه اسلامی است. شهید مطهری این اصل را «ضامن حیات اجتماعی اسلام» می‌داند و معتقد است که بی‌توجهی به مسائل جامعه، با روح اسلام ناسازگار است.^۴

۳. جایگاه زنان در کنشگری اجتماعی از منظر اسلام

بررسی منابع اسلامی نشان می‌دهد اسلام برای زنان افزون بر نقش‌های خانوادگی، مسئولیت‌های اجتماعی نیز قائل است. قرآن کریم در کنار معرفی زنان نمونه‌ای چون حضرت مریم عَلِیْهَا السَّلَام، آسیه عَلِیْهَا السَّلَام و مادر حضرت موسی عَلِیْهِ السَّلَام، از آنان در جایگاه شخصیت‌هایی یاد می‌کند که تصمیم‌ها و اقداماتشان آثار اجتماعی گسترده‌ای بر جای گذاشته است.^۵ در سیره نبوی نیز زنان

۱. توبه: ۷۱.

۲. سید محمدحسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۵۵۸.

۳. مانند: ۲.

۴. حسین جوادی‌نیا، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مطهری، ص ۵۸.

۵. ر. ک به: حسین بستان و رضا دهقان‌نژاد، زن در قرآن.

در عرصه‌های مختلف فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجتماعی حضور داشته‌اند. مواردی چون بیعت زنان با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مشارکت آنان در تعلیم و تعلم، حضور در فعالیت‌های خیریه و نقش‌آفرینی در دفاع از ارزش‌های اسلامی، نشان می‌دهد که زن مسلمان در صدر اسلام از مشارکت اجتماعی محروم نبوده است.^۱

حضرت فاطمه زهرا علیها السلام برجسته‌ترین نمونه زن مسلمان است که با وجود ایفای کامل نقش‌های خانوادگی، در حساس‌ترین مقاطع تاریخ اسلام نیز حضوری فعال و اثرگذار داشتند. ایشان با بهره‌گیری از گفتگو، استدلال، روشنگری و دفاع از عدالت، الگویی از کنشگری اجتماعی مبتنی بر ایمان، عقلانیت و مسئولیت‌پذیری ارائه دادند.^۲

مؤلفه‌های الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیره حضرت فاطمه علیها السلام

سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام مجموعه‌ای از رفتارها، گفتارها و مواضعی است که در کنار ابعاد عبادی و خانوادگی، جلوه‌های روشنی از حضور آگاهانه و مسئولانه در عرصه اجتماع را به نمایش می‌گذارد. مطالعه این سیره نشان می‌دهد کنشگری اجتماعی در اندیشه فاطمی، فقط حضور در اجتماع یا ایفای نقش‌های اجتماعی نیست، بلکه مجموعه‌ای از کنش‌های هدفمند، ارزش‌مدار و اصلاح‌کننده است که بر اساس ایمان، عقلانیت و مسئولیت اجتماعی شکل می‌گیرد. در ادامه به مهم‌ترین مؤلفه‌های این الگو پرداخته می‌شود.

۱. مسئولیت‌پذیری اجتماعی؛ نقطه آغاز کنشگری

یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های کنشگری اجتماعی در سیره حضرت فاطمه علیها السلام، احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه اسلامی است. بر اساس اندیشه اسلامی، مسئولیت اجتماعی از ایمان انسان سرچشمه می‌گیرد و محدود به منافع فردی یا خانوادگی نیست. قرآن کریم مؤمنان را در برابر سرنوشت یکدیگر مسئول می‌داند و آنان را به همکاری در نیکی، اصلاح جامعه و جلوگیری از گسترش فساد فراخوانده است.^۳

۱. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی ائمه علیهم السلام، ص ۸۰-۹۰.

۲. ر.ک به: گروهی از نویسندگان، دانشنامه فاطمی.

۳. توبه: ۷۱؛ مائده: ۲.

جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با تحولات مهمی در حوزه رهبری و مدیریت سیاسی روبرو شد. حضرت فاطمه علیها السلام در چنین شرایطی سکوت و انفعال را برنگزیدند، بلکه با احساس مسئولیت در برابر آینده امت اسلامی، در عرصه عمومی حضور یافتند و درباره آنچه انحراف از مسیر پیامبر صلی الله علیه و آله می‌دانستند، واکنش نشان دادند.^۱ این حضور را نمی‌توان فقط دفاع از یک حق شخصی یا خانوادگی دانست، بلکه باید آن را جلوه‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی در قبال حفظ هویت و انسجام جامعه اسلامی تلقی کرد.

رفتار حضرت زهرا علیها السلام را می‌توان نمونه‌ای از کنش مبتنی بر مسئولیت اجتماعی دانست؛ کنشی که هدف آن حفظ منافع عمومی جامعه اسلامی بود، نه دست‌یابی به منافع فردی. بنابراین نخستین اصل الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیره حضرت زهرا علیها السلام، «احساس مسئولیت در برابر سرنوشت جامعه» است. این اصل بیان می‌کند که زن مسلمان افزون بر ایفای مسئولیت‌های خانوادگی، نمی‌تواند در برابر مسائل فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جامعه بی‌توجه باشد، بلکه باید با حفظ موازین دینی در راستای اصلاح و ارتقای جامعه نقش‌آفرینی کند.

۲. آگاهی‌بخشی و تبیین حقیقت؛ مهم‌ترین ابزار کنشگری اجتماعی

دومین مؤلفه اساسی در الگوی کنشگری حضرت فاطمه علیها السلام، آگاهی‌بخشی و روشنگری اجتماعی است. تجربه تاریخی جوامع نشان داده است بسیاری از انحراف‌های اجتماعی، نتیجه آگاهی‌نداشتن عمومی یا تحریف حقیقت است. بنابراین یکی از مؤثرترین شیوه‌های اصلاح اجتماعی، ارتقای سطح آگاهی مردم و تبیین صحیح واقعیت‌هاست.

برجسته‌ترین نمونه این رویکرد در سیره حضرت زهرا علیها السلام، «خطبه فدکیه» است. این خطبه صرفاً سخنرانی برای مطالبه یک حق اقتصادی نبود، بلکه متنی جامع در حوزه توحید، نبوت، فلسفه احکام، عدالت، امامت و تحلیل شرایط اجتماعی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به شمار می‌رود.^۲

حضرت زهرا علیها السلام در این خطبه به جای استفاده از زبان احساس یا تحریک عواطف، با استناد

۱. خطبه فدکیه و سخنرانی در جمع زنان مدینه از جمله این موارد است.

۲. خطبه فدکیه حضرت زهرا علیها السلام در کتاب بلاغات النساء تألیف ابوالفضل احمد بن ابی‌طاهر طیفور نقل شده است. این اثر از کهن‌ترین منابع ثبت‌کننده این خطبه است و در چاپ موجود معرفی شده در کتابخانه قائمیه، مشخصات نشر آن به این ترتیب است: قم: مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۸. در همین نسخه، خطبه در جلد ۱، صفحه ۲۵ با عنوان «کلام فاطمه بنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله» دیده می‌شود.

به آیات قرآن، سنت نبوی و استدلال منطقی به افناع مخاطبان می‌پردازند. این شیوه نشان می‌دهد که در اندیشه فاطمی، اصلاح جامعه بیش از هر چیز نیازمند افزایش آگاهی عمومی و تبیین حقیقت است.

در علوم اجتماعی، آگاهی عمومی از عوامل اصلی توانمندسازی جامعه و افزایش مشارکت مدنی شناخته می‌شود. فریره،^۱ آگاهی انتقادی را مقدمه‌رهای انسان از سلطه و بی‌تفاوتی می‌داند.^۲ بر این اساس، می‌توان نتیجه گرفت که کنشگری اجتماعی در سیره حضرت زهرا (علیها السلام)، پیش از آنکه بر تقابل و رویارویی استوار باشد، بر «تبیین حقیقت، ارتقای آگاهی و اصلاح افکار عمومی» تأکید می‌کند. این اصل برای جامعه معاصر نیز اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا توانایی تحلیل، تبیین و روشنگری در عصر رسانه و شبکه‌های اجتماعی، از مهم‌ترین ابزارهای کنشگری مسئولانه به شمار می‌رود.

۳. عدالت‌خواهی و مطالبه‌گری؛ محور کنشگری اجتماعی در سیره حضرت فاطمه (علیها السلام)

عدالت از بنیادی‌ترین ارزش‌های اسلام و از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیای الهی است. قرآن کریم برپایی عدالت را رسالت مشترک پیامبران معرفی می‌کند و می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ همانا ما پیامبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند». بر این اساس، عدالت نه تنها یک فضیلت اخلاقی، بلکه اصلی اجتماعی و زیربنای سلامت جامعه اسلامی است. هرگونه انحراف از عدالت، زمینه‌ساز گسترش تبعیض، تضعیف اعتماد عمومی و فروپاشی انسجام اجتماعی خواهد بود؛ ازاین‌رو دفاع از عدالت و مطالبه آن از مهم‌ترین جلوه‌های کنشگری اجتماعی در اندیشه اسلامی به شمار می‌رود.

یکی از برجسته‌ترین ابعاد سیره حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام)، عدالت‌خواهی آگاهانه و مطالبه‌گری مبتنی بر استدلال است. موضوع فدک در ظاهر به مسئله مالکیت یک زمین مربوط می‌شد؛ اما بررسی دقیق «خطبه فدکیه» نشان می‌دهد که دغدغه اصلی حضرت فقط بازپس‌گیری یک حق اقتصادی نبود، بلکه دفاع از عدالت، صیانت از سنت نبوی و جلوگیری از

1. Freire

2. Freire, P. (1970). *Pedagogy of the Oppressed*. New York: Continuum. P: 35.

۳. حدید: ۲۵.

تثبیت رویه‌هایی بود که می‌توانست بنیان‌های عدالت در جامعه اسلامی را متزلزل کند. حضرت زهرا (علیها السلام) در بخشی از این خطبه، عدالت را هدیه خداوند برای التیام قلب‌ها بیان می‌کند: «وَالْعَدْلُ تَنْسِيقًا لِلْقُلُوبِ».

حضرت زهرا (علیها السلام) مطالبه خود در «خطبه فدکیه» را بر پایه احساسات یا جایگاه خانوادگی مطرح نمی‌کند، بلکه با استناد به آیات قرآن، سنت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و قواعد حقوقی، مشروعیت ادعای خود را تبیین می‌کند. ایشان در بخشی از این خطبه، قرآن کریم را حاکمی عادل معرفی می‌کنند که نشان می‌دهد اولاً قضاوت‌ها باید بر اساس عدالت باشد؛ ثانیاً قرآن را محور عدالت‌ورزی بیان می‌کنند: «هَذَا كِتَابُ اللَّهِ حُكْمًا عَدْلًا وَ نَاطِقًا فَضْلًا: این کتاب خداست که حاکمی است عادل و ناطقی است که بین حق و باطل جدایی می‌اندازد».

این شیوه نشان می‌دهد که مطالبه‌گری در سیره فاطمی، فرایندی عقلانی، مستند بر اساس کتاب آسمانی، اخلاق‌محور و عدالت‌محور است. ایشان حتی در اوج اختلاف، از چارچوب استدلال و گفتگو خارج نمی‌شوند و کوشش در اقناع مخاطبان با منطق و برهان دارند.

عدالت در ادبیات علوم اجتماعی یکی از ارکان مشروعیت نظام اجتماعی محسوب می‌شود. راولز،^۱ عدالت را نخستین فضیلت نهادهای اجتماعی می‌داند و معتقد است هیچ جامعه‌ای بدون رعایت عدالت نمی‌تواند از ثبات و مشروعیت پایدار برخوردار باشد.^۲ این اندیشه‌ها با اینکه مبتنی بر فلسفه سیاسی لیبرال است؛ اما مسئله قابل توجه در این میان، تأکید این اندیشمندان بر نقش عدالت در حفظ اعتماد عمومی است که نشان می‌دهد عدالت و اجرای آن مطالبه‌ای است که همگان خواهان تحقق آن در جامعه خویش هستند.

نکته‌ای که بیشتر باید بدان توجه کرد اینکه عدالت خواهی، فرایندی فعال و مستمر است و بدون مشارکت آگاهانه شهروندان محقق نخواهد شد. بر همین اساس می‌توان گفت حتی اگر امام معصوم در جامعه‌ای حاکم باشند، اما مردم در اجرای عدالت او را یاری نرسانند، امام معصوم کاری پیش نمی‌برد. این نکته خلاف مباحث ولایت تکوینی ایشان نیست، بلکه بر اساس آیه ۱۱ سوره رعد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ: خداوند سرنوشت هیچ قوم [و ملتی] را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه آنان آنچه را در خودشان است، تغییر دهند».

بنابراین رفتار حضرت زهرا (علیها السلام) را می‌توان نمونه‌ای از «مطالبه‌گری مسئولانه» دانست؛

1. Rawls

2. Rawls, J. (1971). A Theory of Justice. Cambridge, MA: Harvard University Press. P: 68.

مطالبه‌گری‌ای که سه ویژگی اساسی دارد: الف) اتکا به قانون الهی؛ ب) رعایت اخلاق در بیان مطالبه؛ ج) توجه به منافع عمومی، نه صرفاً منافع فردی.

این ویژگی‌ها، الگوی فاطمی را از بسیاری اشکال مطالبه‌گری هیجانی یا منفعت‌طلبانه متمایز می‌کند. در این الگو، مطالبه حق زمانی ارزشمند است که در خدمت اسلام، برپایی قسط و عدالت، حفظ کرامت انسان و اصلاح جامعه قرار گیرد.

در جامعه معاصر نیز یکی از مهم‌ترین آسیب‌های حوزه کنشگری اجتماعی، تبدیل مطالبه‌گری به رفتارهای احساسی، تخریبی یا مبتنی بر منافع گروهی است. سیره حضرت زهرا (ع) نشان می‌دهد مطالبه‌گری مؤثر، نیازمند آگاهی مبتنی بر حقیقت، منطق، پایبندی به اخلاق و توجه به پیامدهای اجتماعی است. بنابراین می‌توان عدالت‌خواهی را یکی از ارکان اصلی الگوی کنشگری اجتماعی زنان در سیره فاطمی دانست؛ اصلی که افزون بر دفاع از حقوق فردی، بر حفظ مصالح عمومی و صیانت از ارزش‌های اجتماعی نیز تأکید می‌کند.

عدل کن عدل که گفته‌اند حکیمان جهان مملکت بی‌مدد عدل نماند بر جای

۴. شجاعت اخلاقی؛ لازمه کنشگری مسئولانه

یکی دیگر از مؤلفه‌های اساسی الگوی کنشگری اجتماعی حضرت فاطمه (ع)، شجاعت اخلاقی است. کنشگری اجتماعی زمانی معنا می‌یابد که فرد در دفاع از حقیقت و ارزش‌های اخلاقی، آمادگی پذیرش هزینه‌های اجتماعی را نیز داشته باشد؛ از این‌رو شجاعت اخلاقی را می‌توان یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های هر کنشگر اجتماعی دانست.

شجاعت در آموزه‌های اسلامی تنها به معنای دلاوری در میدان نبرد نیست، بلکه شامل پایداری در دفاع از حق، بیان حقیقت، مقابله با ظلم و مقاومت در برابر فشارهای اجتماعی نیز می‌شود. قرآن کریم مؤمنان را کسانی معرفی می‌کند که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامت‌گری هراس ندارند: «وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ»^۱ و از سرزنش هیچ سرزنش‌کننده‌ای نمی‌ترسند». این آیه یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کنشگری اجتماعی را استقلال اخلاقی و شجاعت در دفاع از حقیقت می‌داند.

بررسی سیره حضرت زهرا (ع) نیز نشان می‌دهد ایشان در شرایطی که دفاع از باورهای خود پرداختند که فضای اجتماعی و سیاسی زمانه، پذیرای این مواضع نبود. با وجود فشارهای

موجود، حضرت از بیان دیدگاه‌های خود دست نکشیدند و مسئولیت اجتماعی خویش را بر ملاحظات شخصی ترجیح دادند. نمونه‌های آن را می‌توان در دفاع از امام خویش در پشت درب خانه مشاهده کرد تا آن‌گاه که به همراه امام علی علیه السلام و فرزندان‌شان به درب خانه انصار و مهاجر می‌رفتند و از ایشان حمایت از ولایت علی علیه السلام را مطالبه می‌کردند تا آن زمانی که به بیان «خطبه فدکیه» یا سخنرانی در جمع زنان مدینه اقدام کردند.

شجاعت اخلاقی از منظر علوم اجتماعی با مفهوم «رهبری اخلاقی» ارتباط نزدیکی دارد. براون^۱ و همکاران او معتقدند رهبران اخلاقی کسانی هستند که حتی در شرایط دشوار، تصمیم‌های خود را بر اساس اصول اخلاقی اتخاذ می‌کنند و حاضرند هزینه دفاع از ارزش‌ها را بپذیرند.^۲

شجاعت اخلاقی در الگوی فاطمی هرگز به معنای خشونت، تندروری یا تقابل غیرمنطقی نیست، بلکه به معنای «پایداری بر حق همراه با حفظ اصول اخلاقی، کرامت انسانی و منطق» است. این ویژگی یکی از مهم‌ترین تمایزهای کنشگری اسلامی با برخی الگوهای افراطی کنشگری اجتماعی به شمار می‌رود.

در جامعه امروز نیز زنان در عرصه‌های مختلف فرهنگی، علمی، اجتماعی و رسانه‌ای با موقعیت‌هایی روبرو می‌شوند که نیازمند شجاعت اخلاقی است؛ شجاعتی که به آنان قدرت می‌دهد در برابر بی‌عدالتی، فساد، تحریف حقیقت یا آسیب‌های اجتماعی، موضعی مسئولانه و مبتنی بر ارزش‌های دینی اتخاذ کنند، بی‌آنکه از چارچوب احترام، قانون و گفتگوی سازنده خارج شوند.

۵. عقلانیت و گفتگوی اقناعی؛ بنیان کنشگری اجتماعی در سیره حضرت فاطمه علیها السلام

یکی از ویژگی‌های برجسته کنشگری اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام، عقلانیت در تصمیم‌گیری و بهره‌گیری از گفتگوی اقناعی برای دفاع از حقیقت است. مطالعه سیره ایشان نشان می‌دهد کنشگری اجتماعی در نگاه فاطمی، بر واکنش‌های هیجانی یا رفتارهای احساسی استوار نیست،

1. Brown

2. Brown, M. E., Treviño, L. K., & Harrison, D. A. (2005). "Ethical Leadership: A Social Learning Perspective for Construct Development and Testing." *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 97(2), 117-134.

بلکه بر پایه شناخت، استدلال، اقناع و گفتگوی منطقی شکل می‌گیرد. این ویژگی، الگوی کنشگری حضرت را از بسیاری اشکال کنشگری مبتنی بر احساسات یا تقابل صرف متمایز می‌کند.

عقل در اندیشه اسلامی یکی از مهم‌ترین منابع شناخت و از ارکان تکلیف انسان به شمار می‌رود. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به تعقل، تدبر و تفکر فرا می‌خواند و از کسانی که بدون اندیشه از دیگران پیروی می‌کنند، انتقاد می‌کند.^۱ بر همین اساس، تصمیم‌گیری اجتماعی نیز باید بر پایه عقلانیت و شناخت صحیح از واقعیت‌ها استوار باشد. بارزترین نمود این عقلانیت را می‌توان در «خطبه فدکیه» مشاهده کرد. ساختار این خطبه نشان می‌دهد حضرت زهرا علیها السلام استدلال خود را با توحید آغاز می‌کند؛ سپس به فلسفه احکام، جایگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، تبیین نقش امامت، تحلیل وضعیت جامعه و درنهایت مسئله فدک می‌پردازند. این نظم منطقی نشان می‌دهد هدف حضرت علیها السلام فقط بیان اعتراض نبود، بلکه می‌کوشیدند با ایجاد چارچوب فکری منسجمی، مخاطبان را به بازاندیشی در وضعیت جامعه وادارند.

از منظر علوم ارتباطات، اقناع زمانی مؤثر است که پیام بر پایه اعتبار گوینده، استدلال منطقی و شواهد معتبر ارائه شود.^۲ در «خطبه فدکیه» هر سه عنصر مشاهده می‌شود: شخصیت علمی و معنوی حضرت؛ استناد به قرآن و سنت؛ و چینش منطقی استدلال‌ها. این ویژگی‌ها موجب شده است «خطبه فدکیه» نه تنها یک متن تاریخی، بلکه الگویی از ارتباط اقناعی در فرهنگ اسلامی باشد.

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت عقلانیت و گفتگوی اقناعی از ارکان اصلی الگوی کنشگری اجتماعی حضرت فاطمه علیها السلام است. این اصل نشان می‌دهد کنشگری مؤثر پیش از هر چیز نیازمند شناخت، تحلیل، استدلال و توانایی گفتگو با جامعه است. در شرایط کنونی که فضای عمومی تحت تأثیر سرعت انتقال اطلاعات، شبکه‌های اجتماعی و قطبی شدن گفتمان‌ها قرار دارد، بازخوانی این الگو می‌تواند به ترویج فرهنگ گفتگوی مسئولانه، نقد منصفانه و تعامل عقلانی در جامعه کمک کند.

۱. بقره: ۱۷۰؛ آل عمران: ۱۹۰-۱۹۱.

۲. Perloff, R. M. (2021). *The Dynamics of Persuasion* (7th ed.). Routledge: p. 85.

۶. پیوند مسئولیت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی؛ ویژگی متمایز الگوی فاطمی

یکی از مهم‌ترین مباحث در مطالعات زنان، نسبت میان نقش‌های خانوادگی و مشارکت اجتماعی است. این دو نقش در برخی از رویکردهای معاصر در تعارض با یکدیگر معرفی می‌شوند؛ به گونه‌ای که تقویت یکی مستلزم تضعیف دیگری تلقی می‌شود؛ درحالی‌که سیره حضرت فاطمه زهرا علیها السلام الگویی متفاوت ارائه می‌دهد که در آن خانواده و جامعه دو عرصه کامل‌کننده و هم‌افزا هستند، نه دو حوزه متعارض.

حضرت زهرا علیها السلام در زندگی خانوادگی نمونه کامل همسراری، مادری و تربیت نسل به شمار می‌روند. روایات متعددی نشان‌دهنده همراهی ایشان با امیرالمؤمنین علیه السلام، توجه به تربیت فرزندان، ساده‌زیستی و مدیریت خانواده است؛^۱ با این وجود، همین شخصیت در مقاطع حساس اجتماعی، مسئولیت خود را در برابر جامعه نیز فراموش نمی‌کند و در دفاع از ارزش‌های دینی، روشنگری عمومی و عدالت‌خواهی حضوری فعالانه دارد. هم‌زمانی نقش‌ها نشان می‌دهد که از منظر سیره فاطمی، خانواده و جامعه در امتداد یکدیگر قرار دارند. خانواده نخستین کانون شکل‌گیری مسئولیت اجتماعی است و زن مسلمان می‌تواند با حفظ جایگاه خانواده، در اصلاح جامعه نیز نقش‌آفرینی کند. بنابراین مشارکت اجتماعی در اندیشه اسلامی به معنای فاصله‌گرفتن از خانواده نیست، بلکه ادامه همان رسالت تربیتی در سطح جامعه است.

از منظر علوم اجتماعی، این برداشت با نظریه «سرمایه اجتماعی» نیز تحلیل‌شدنی است. پاتنام،^۲ سرمایه اجتماعی را حاصل شبکه‌های اعتماد، همکاری و مشارکت میان افراد می‌داند و معتقد است خانواده یکی از مهم‌ترین بسترهای تولید این سرمایه است.^۳ کلمن^۴ نیز بر نقش خانواده در انتقال هنجارها، اعتماد و مسئولیت‌پذیری اجتماعی تأکید می‌کند. بر این اساس، تقویت خانواده نه مانعی برای مشارکت اجتماعی، بلکه زمینه‌ساز آن است.^۵ در مطالعات خانواده نیز پژوهشگران بر این نکته تأکید کرده‌اند که میان کیفیت روابط

۱. ر.ک به: گروهی از نویسندگان، دانشنامه فاطمی.

2. Putnam

3. Putnam, R. D. (2000). *Bowling Alone*. Simon & Schuster

4. Coleman

5. Coleman, J. S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human Capital." *American Journal of Sociology*, 94, S95-S120.

خانوادگی و میزان مشارکت اجتماعی افراد، رابطه‌ای مثبت وجود دارد؛^۱ از این رو خانواده‌ای که بر پایه اعتماد، گفتگو و مسئولیت‌پذیری شکل گرفته باشد، اعضای تربیت می‌کند که در عرصه عمومی نیز مسئولانه‌تر عمل می‌کنند.

حضرت زهرا (علیها السلام) نخست در محیط خانواده، ارزش‌هایی چون ایثار، عدالت، کرامت و مسئولیت‌پذیری را تحقق می‌بخشند و هم‌زمان ارزش‌ها را به عرصه اجتماع گسترش می‌دهند. بنابراین خانواده در سیره فاطمی نه رقیب جامعه، بلکه خاستگاه کنشگری اجتماعی است. این اصل یکی از مهم‌ترین پیام‌های سیره حضرت زهرا (علیها السلام) برای جامعه معاصر است. در شرایطی که گاه میان نقش مادری، همسری و مشارکت اجتماعی تقابل ترسیم می‌شود، الگوی فاطمی نشان می‌دهد که با اولویت‌بندی صحیح، حفظ کرامت انسانی و مدیریت مسئولانه نقش‌ها، می‌توان میان این دو حوزه تعادل برقرار کرد. این تعادل نه تنها به استحکام خانواده آسیب نمی‌زند، بلکه مشارکت اجتماعی را نیز از پشتوانه اخلاقی و فرهنگی عمیق‌تری برخوردار می‌کند.

کتابنامه

قرآن کریم

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری، جامعه‌شناسی توسعه، تهران: کیهان، ۱۳۹۸ ش.
۲. جعفریان، رسول، حیات فکری و سیاسی ائمه، قم: انصاریان، ۱۳۸۲ ش.
۳. جوادی‌نیا، حسین، امر به معروف و نهی از منکر در آثار شهید مطهری، تهران: صدرا، ۱۳۹۳ ش.
۴. رودگر، نرجس و ناهید طیبی، «تحلیل نقش‌آفرینی زنان مسلمان در سیاست و جنگ در تاریخ اسلام و ایران معاصر بر اساس الگوی سوم زن مسلمان»، فصلنامه ره‌توشه، ش ۲۶، ۱۴۰۵ ش.
۵. ساروخانی، باقر، درآمدی بر جامعه‌شناسی، تهران: اطلاعات، ۱۳۹۰ ش.
۶. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ ق.
۷. کاردوانی، راحله و معصومه نفیسی‌راد، «زمینه‌های مؤثر بر هویت زنان در ایران؛ مرور

نظام‌مند پژوهش‌های داخلی در دو دهه گذشته»، فصلنامه مطالعات زن و خانواده، دوره ۱۲، ش ۳۳، ۱۴۰۳ ش.

8. Brown, M. E., Treviño, L. K., & Harrison, D. A. (2005). Ethical leadership: A social learning perspective for construct development and testing. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 97(2), 117–134.
9. Coleman, J. S. (1988). Social capital in the creation of human capital. *American Journal of Sociology*, 94, S95–S120.
10. Freire, P. (1970). *Pedagogy of the oppressed*. New York: Continuum.
11. Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. Berkeley: University of California Press.
12. Perloff, R. M. (2021). *The dynamics of persuasion: Communication and attitudes in the 21st century* (7th ed.). New York: Routledge.
13. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon & Schuster.
14. Rawls, J. (1971). *A theory of justice*. Cambridge, MA: Harvard University Press.
15. Walsh, F. (2016). *Strengthening family resilience* (3rd ed.). New York: Guilford Press.

خانواده فاطمی؛ الگوی عملی تحکیم خانواده در اسلام

راضیه مرزانی*

چکیده

این مقاله با محوریت زندگی خانوادگی حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) و امام علی (علیه السلام)، مؤلفه‌های تحکیم خانواده در اسلام و امکان بهره‌گیری از آنها در جامعه معاصر را بررسی می‌کند. با استناد به آیات مودت و رحمت، روایات و گزارش‌های سیره، خانواده نهادی برای آرامش روانی، رشد معنوی و تربیت نسل معرفی و بر استواری پیمان ازدواج، حقوق متقابل زوجین و مسئولیت‌پذیری تأکید می‌شود. مؤلفه‌های الگو در پنج محور سامان می‌یابد: همدلی زوجین، شامل ابراز محبت کلامی و عملی، احترام متقابل و شناخت احوال روحی همسر؛ مسئولیت‌پذیری خانوادگی، در تقسیم کار منصفانه، قناعت، ساده‌زیستی، سخت‌کوشی و ایثار؛ وفاداری و تعهد دینی، بر مدار رضایت الهی و همراهی در مسئولیت‌های دینی؛ آراستگی و نظم محیط زندگی؛ و تربیت دینی فرزندان از راه محبت و بازی، عدالت میان فرزندان، پرورش روحیه عبادی و آموزش عملی نوع‌دوستی. مقاله این مؤلفه‌ها را در سه بُعد عاطفی، رفتاری و معنوی تحلیل می‌کند و در بخش کاربردی، الگوپذیری از سیره را شناخت روح و اصول رفتارها، نه تکرار صورت‌های تاریخی، می‌داند؛ از این‌رو ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل مستقل از امکانات گذشته قابل پیگیری است. آموزش این مؤلفه‌ها در مدارس و دانشگاه‌ها، کارگاه‌های مهارتی برای زوجین، ترویج قناعت و حمایت از نقش مادری از پیشنهادهای اجرایی آن است.

کلید واژه‌ها: خانواده؛ تحکیم خانواده؛ سیره فاطمی؛ همدلی؛ قناعت؛ تربیت دینی.

* دانش‌آموخته حوزه علمیه خواهران و کارشناس ارشد رشته مطالعات زن و خانواده.

مقدمه

خانواده در منظومه فکری اسلام، نخستین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که کارکرد آن فراتر از تأمین نیازهای زیستی، شامل رشد معنوی، تربیت نسل و ایجاد آرامش روانی است. قرآن کریم خانواده را سبب سکون و محبت معرفی می‌کند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»^۱ و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند».

سیره عملی اهل بیت علیهم‌السلام به‌ویژه حضرت فاطمه زهرا علیها‌السلام، به مثابه تجسم عینی آموزه‌های قرآنی، الگویی بی‌بدیل برای زندگی خانوادگی ارائه می‌دهد که می‌توان از این الگو در تمامی ابعاد زندگانی در نقش‌های والدینی و نیز همسری بهره گرفت. آن حضرت در دوران کوتاه زندگی مشترک با امام علی علیه‌السلام، چنان سیره‌ای در زندگی خانوادگی رقم زدند که خانه ایشان به «خانواده الگو» برای تمامی اعصار و زمان‌ها تبدیل شد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نیز فاطمه علیها‌السلام را «پاره تن من»^۲ معرفی کرده‌اند؛ تعبیری که نشان‌دهنده جایگاه والا و ویژه ایشان در نظام تربیتی اسلام است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که مؤلفه‌های تحکیم خانواده در سیره حضرت فاطمه علیها‌السلام کدام‌اند؟ و چگونه می‌توان از این الگو در شرایط کنونی جامعه بهره گرفت؟

۱. مبانی نظری: خانواده در قرآن و روایات

۱-۱. خانواده در قرآن

قرآن کریم خانواده را «میثاق غلیظ» می‌نامد: «وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ

۱. روم: ۲۱.

۲. روایت «بضعة منی» در منابع شیعه سند صحیح دارد و عالمان شیعه و اهل سنت آن را قطعی و متواتر می‌دانند. با توجه به دست‌کم هشت مورد از شأن صدور آن، پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در این روایت جایگاه حضرت زهرا علیها‌السلام را نزد خدا و رسولش معرفی می‌کند، از آزار و اذیت «پاره تن» خود به شدت هشدار می‌دهد و میزان دشمنی آزاردهندگان آن حضرت را نشان داده است؛ محمد بن علی ابن‌بابویه (شیخ صدوق)، الامالی، ص ۱۷۴ - ۱۷۶ و ص ۵۷۴ - ۵۷۵؛ شاذان بن جبرئیل قمی، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، ص ۱۵۶ و ۱۶۸؛ علی بن محمد خراز قمی رازی، کفایة الاثر، ص ۳۶ - ۳۸ و ص ۶۴ - ۶۵.

وَأَخَذْنِ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا: ^۱ و چگونه آن را باز پس می گیرید، در حالی که شما با یکدیگر تماس و آمیزش کامل داشته اید؟ و [از این گذشته،] آنها [هنگام ازدواج،] از شما پیمان محکمی گرفته اند. این آیه نشان دهنده استحکام و قداست پیوند ازدواج است. در آیه ۳۴ سوره «نساء» نیز مردان را «قَوَّامُونَ» معرفی می کند: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ: مردان، سرپرست و نگهبان زنان اند». در واقع مردان مسئولیت سرپرستی و تأمین معاش را بر عهده دارند؛ اما این مسئله به معنای سلطه نیست، بلکه تقسیم کار بر اساس فطرت و مصلحت است.

در تفسیر نور در توضیح این آیه آمده است:

قَوَّام به کسی گفته می شود که تدبیر و اصلاح دیگری را بر عهده دارد. شرط سرپرستی و مدیریت، لیاقت تأمین و اداره زندگی است و به این جهت، مردان نه تنها در امور خانواده، بلکه در امور اجتماعی، قضاوت و جنگ نیز بر زنان مقدم اند، "بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ"، "... وَبِمَا أَنْفَقُوا" و به این خاطر نفرمود: "قَوَّامُونَ عَلَى ازواجهم"؛ زیرا که مسئله زوجیت مخصوص زناشویی است و خدا این برتری را مخصوص خانه قرار نداده است.^۲

البته برخی زنان در توان بدنی یا درآمد مالی برترند؛ ولی در قانون و برنامه باید عموم را مراعات کرد، نه افراد نادر را.

آیه ۲۱ سوره «روم» هدف از ازدواج را سکون، مودت و رحمت می داند که تحقق آن نیازمند رفتارهای مبتنی بر محبت، احترام و درک متقابل است؛ «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ: و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد؛ در این نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند». قرآن همچنین بر رعایت حقوق متقابل زوجین تأکید می کند: «وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» ^۳ و برای آنان همانند وظایفی که بر دوش آنهاست، حقوق شایسته ای قرار داده شده است».

۱. نساء: ۲۱.

۲. محسن قرائتی، تفسیر نور، ج ۲، ص ۶۱.

۳. بقره: ۲۲۸.

۲-۱. خانواده در روایات اهل بیت علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «جهاد المرأة حسن التبعل^۱: جهاد زن، همسررداری نیکوست». این روایت نشان می‌دهد نقش زن در تحکیم خانواده، هم‌سنگ جهاد در راه خداست. امام باقر علیه السلام درباره حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند: «لقد كانت مفروضة الطاعة على جميع من خلق الله من الجن والإنس والطير والوحش والأنبياء والملائكة^۲: اطاعت از فاطمه علیها السلام بر تمامی آفریدگان خدا از جن و آدمیان و پرندگان و وحوش و پیامبران و فرشتگان واجب است»؛ این مقام نشان‌دهنده الگوبودن آن حضرت در همه شئون از جمله خانواده است.

امام علی علیه السلام درباره زندگی مشترک با فاطمه علیها السلام فرمود:

فَوَاللَّهِ - مَا أَغْضَبْتُهَا وَلَا أَكْرَهْتُهَا عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبِضَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتَنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا. وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتُنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ^۳: به خدا سوگند، هیچ‌گاه فاطمه علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری - که میل نداشت - وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد. و او نیز هیچ‌گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می‌نگریستم، نگرانی‌ها و غم‌ها از من زدوده می‌شد.

این بیان نشان‌دهنده رابطه مبتنی بر احترام و محبت متقابل است. آنچه در زندگی مشترک، صفا بخش خانه و خانواده است، محبت دوجانبه و تفاهم است. زن و شوهر باید «شریک» غم و شادی و سختی و راحتی یکدیگر باشند و با توقعات بی‌جا، سبب رنجش و زحمت هم نشوند و هر کدام مایه انس و شادی دیگری باشند.

۲. الگوی تحکیم خانواده در سیره حضرت فاطمه علیها السلام

۲-۱. همدلی زوجین: محبت، احترام و درک متقابل

همدلی به معنای درک احساسات و نیازهای همسر و پاسخ‌دهی مناسب به آن است. همدلی در سیره فاطمی در چند جلوه نمایان است:

۱. محمد بن محمد ابن اشعث، جعفریات، ص ۶۷؛ نهج البلاغه، حکمت ۱۳۶، ص ۴۹۴. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

۲. محمد بن جریر طبری آملی، دلائل الامامة، ص ۲۸.

۳. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمة، ج ۱، ص ۳۶۳.

الف) ابراز محبت کلامی

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در اهمیت این موضوع می فرماید: «سه چیز محبت شخص را درباره دیگری خالص می کند...؛ یکی از آنها این است که طرف مقابل را به اسمی صدا بزنند که وی می پسندد».^۱ بر همین اساس حضرت فاطمه علیها السلام همسرش را با القاب محبت آمیز مانند «یا ابوالحسن» یا «یا ابن عم رسول الله» خطاب می کرد و می فرمود: «روحی لروحک الفدا: جانم فدای جان تو». استفاده از الفاظ محبت آمیز سبب ایجاد محیطی آکنده از صمیمیت می شود و زمینه واکنش مناسب در همسر را فراهم می آورد.^۲

ب) احترام متقابل

وقتی برخی افراد در ماجرای سقیفه برای دلجویی به خانه ایشان آمدند، حضرت فاطمه علیها السلام با حفظ احترام همسرش فرمود: «البيت بیتک و الحرة زوجتک»^۳ خانه، خانه توست و من همسر توام؛ هر چه مایل اید، انجام دهید». این بیان نشان دهنده احترام عمیق به جایگاه شوهر و تصمیم گیری اوست.

ج) درک احوال روحی همسر

امام علی علیه السلام می فرماید: «قَوْلَ اللَّهِ - مَا أَغْضَبْتُنِي وَلَا أَكْرَهْتُنِي عَلَى أَمْرٍ حَتَّى قَبَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهِ وَلَا أَغْضَبْتُنِي وَلَا عَصَتْ لِي أَمْرًا. وَلَقَدْ كُنْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهَا فَتَنْكَشِفُ عَنِّي الْهُمُومُ وَالْأَحْزَانُ: به خدا سوگند، هیچ گاه فاطمه علیها السلام را به خشم نیاوردم و او را بر کاری - که میل نداشت - وادار نکردم تا روزی که خداوند او را برد. و او نیز هیچ گاه مرا به خشم نیاورد و از فرمان من سرپیچی نکرد و هرگاه که به او می نگریستم، نگرانی ها و غم ها از من زدوده می شد». این مسئله نشان دهنده شناخت عمیق حضرت از احوال روحی همسر و توانایی او در ایجاد آرامش است.

فاطمه علیها السلام در مدت کوتاه زندگی خود با علی علیه السلام، حقیقت وجودی و احوال روحی او را می شناخت و زمانی که دیگران از فهم و درک رفتار علی علیه السلام ناتوان بودند، فاطمه علیها السلام آنها را راهنمایی می کرد.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۴۳.

۲. حداد کفاح، قراءة فی السيرة الفاطمية، ج ۱، ص ۳۶۷.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۹۷.

(د) توجه بی‌قید و شرط

در زندگی زناشویی، توجه کامل به همسر بدون حواس‌پرتی، از عوامل تقویت صمیمیت است. حضرت فاطمه علیها السلام با وجود مشغله‌های متعدد همچون تربیت فرزندان و خانه‌داری، همواره توجه ویژه‌ای به همسرش داشت و در لحظات مختلف زندگی، حامی و همراه او بود.

۲-۲. مسئولیت‌پذیری خانوادگی: تقسیم کار، قناعت و سخت‌کوشی

مسئولیت‌پذیری در خانواده به معنای پذیرش وظایف متناسب با توان و نقش هر کدام از اعضاست. از جمله این موارد در سیره فاطمی می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد:

الف) تقسیم کار منصفانه

پیامبر صلی الله علیه و آله کارهای داخل خانه را به فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون را به علی علیه السلام واگذار کردند. تَقَاضَى عَلِيٌّ وَفَاطِمَةُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله فِي الْخِدْمَةِ، فَقَضَى عَلَى فَاطِمَةَ علیها السلام بِخِدْمَتِهَا مَادُونَ الْبَابِ وَقَضَى عَلَى عَلِيٍّ علیه السلام بِمَا خَلْفَهُ... فَقَالَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام: فَلَا يَعْلَمُ مَا دَخَلَنِي مِنَ السُّزُورِ إِلَّا اللَّهُ بِأَكْفَائِي رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله تَحْمِلُ آزَابَ الرِّجَالِ: ^۱ علی و فاطمه علیها السلام از پیامبر خواستند در تقسیم امور خانواده بین آن دو قضاوت کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز کارهای مربوط به درون خانه را برای فاطمه علیها السلام و کارهای بیرون خانه را برای علی علیه السلام تعیین کرد. پس حضرت زهرا علیها السلام فرمود: جز خدا کسی نمی‌داند که من چقدر از این تقسیم خوشحال شدم؛ زیرا از شانه‌به‌شانه شدن با مردان بیگانه نجات یافتیم و مشکل برخورد با مردان نامحرم از دوشم برداشته شد.

ب) قناعت و ساده‌زیستی

جهیزیه حضرت فاطمه علیها السلام بسیار ساده بود و وقتی چشمان مبارک رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن جهاز مختصر افتاد، سرش را به جانب آسمان بلند کرد و فرمود: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لِقَوْمٍ جُلُّ آيَاتِهِمُ الْخَرْفُ» ^۲ زندگی را بر کسانی که بیشتر وسایلشان گلی و سفالین است، مبارک گردان». ایشان هرگز از کمبودها شکایت نکرد و با وجود فقر، همسرش را تحت فشار قرار نداد. سلمان فارسی می‌گوید: وقتی فاطمه علیها السلام با وضع آن چادر از خانه خارج شد، من به گریه افتادم و با خود گفتم: ای وای، دخترهای «قیصر» و «کسری» لباس‌های ابریشم و زربافت می‌پوشند؛

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳، ح ۲۵۳۴۱.

۲. محمد دشتی، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا، ص ۱۳۹.

اما دختر پیغمبر ﷺ، چادر موئین با دوازده وصله به تن می‌کند. وقتی فاطمه علیها السلام به حضور پیغمبر ﷺ رسید، گفت: ای رسول خدا ﷺ، سلمان از وضع لباس من تعجب می‌کند؛ به خدایی که تو را بر اساس حق مبعوث داشته است، اکنون پنج سال است که من و علی علیهما السلام پوست گوسفندی داریم که شب برای فرش از آن استفاده می‌کنیم و روز آن را وسیله علوفه دادن شتر قرار می‌دهیم. رسول خدا ﷺ فرمود: ای سلمان، این را بدان که دختر من از گروه «سابقین» است که به مقام والای «تقرب خدا» دست یافته است.^۱

ج) سخت‌کوشی

امام علی علیهما السلام می‌فرماید: «فاطمه به قدری با مشک آب‌کشی کرد که بر سینه‌اش اثر گذاشت و به قدری با آسیاب دستی آرد کرد تا دست‌هایش مجروح شد و آن‌قدر خانه‌روبی کرد و برای پخت‌وپز آتش زیر دیگ نهاد که لباس‌هایش گردآلود و دودی گردید؛ و در این امور زحمت و رنج بسیار به او می‌رسید...».^۲ این سخت‌کوشی نشان‌دهنده مسئولیت‌پذیری عمیق ایشان در قبال خانواده است.

در نقلی دیگر آمده است که روزی رسول خدا ﷺ به منزل حضرت علی علیهما السلام وارد شد، او را دید که همراه فاطمه علیها السلام مشغول آسیاب کردن هستند، پیامبر ﷺ فرمودند: «کدام یک خسته‌تر هستید؟» حضرت علی علیهما السلام عرض کرد: فاطمه ای رسول خدا. پیامبر ﷺ به فاطمه علیها السلام فرمودند: «دخترم برخیز» و فاطمه علیها السلام برخاست و پیامبر ﷺ به جای او نشست و با علی علیهما السلام در آرد کردن دانه‌ها یاری فرمود.^۳

د) ایثار و از خودگذشتگی

در زندگی فاطمه علیها السلام نمونه‌های بارزی از ایثار در ارتباط با همسرش دیده می‌شود. روزی علی علیهما السلام برای رفع گرسنگی شدید خود، غذایی را از همسرش طلب کرد. زهره علیها السلام گفت: خود دوروز است که چیزی نخورده‌ام و هرچه در خانه بود، برای شما و فرزندان آوردم. علی علیهما السلام فرمود: چرا مرا از این امر آگاه نکردی؟ زهره علیها السلام پاسخ داد: از خدای خود شرم کردم که چیزی از تو بخواهم

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۵۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳ و ۴۲ و ۸۲؛ مصطفی راستگو، بیت‌الاحزان، ص ۲۳.

۳. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۰-۵۱؛ مصطفی راستگو، بیت‌الاحزان، ص ۲۱.

که انجام آن برای دشوار باشد.^۱

۳-۲. وفاداری و تعهد دینی

وفاداری در سیره فاطمی، فراتر از تعهد عاطفی، تعهدی دینی و مبتنی بر رضایت خدا بود. حضرت فاطمه علیها السلام در انتخاب همسر، رضایت خدا و رسول را مقدم بر خواسته خود دانست و فرمود: «رَضِيتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ».^۲

ایشان هرگز همسرش را خشمگین نکرد و امام علی علیه السلام نیز فرمود: «به خدا سوگند، هرگز فاطمه را خشمگین نکرده است و بر هیچ کاری او را اکراه نکردم». این وفاداری تنها در بعد عاطفی نبود، بلکه در بعد سیاسی و اجتماعی نیز تجلی یافت. فاطمه علیها السلام در دفاع از ولایت علی علیه السلام، جان‌فشانی‌های بی‌نظیری کرد و در لحظات مختلف زندگی، حامی و همراه او بود.

۴-۲. آراستگی و نظم در محیط زندگی

حضرت فاطمه علیها السلام به آراستگی ظاهری و نظم در محیط زندگی توجه ویژه‌ای داشت. در روایات آمده است که ایشان خود خانه را جارو می‌زد و محیط زندگی را معطر نگه می‌داشت. لباس سفید به‌ویژه برای نماز از ویژگی‌های ایشان بود. این آراستگی نه تنها برای همسر، بلکه برای ایجاد محیطی پاک و معنوی در خانه بود.^۳

۵-۲. تربیت دینی فرزندان

تربیت فرزند در سیره فاطمی بر پایه محبت، عدالت و پرورش روحیه عبادی استوار بود:

الف) محبت و بازی با کودکان

حضرت فاطمه علیها السلام فرزندانش را «قرة عینی» و «ثمره فؤادی» می‌نامید و با آنها هم‌بازی می‌شد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «من کان عنده صبی فلیتصاب له»؛ هر کسی کودکی دارد، باید با او کودکانه رفتار کند».

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۶۰؛ سیدمحمدکاظم قزوینی، فاطمه من المهد الی اللحد، ص ۲۵۴.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۴۹-۱۵۱.

۳. همان، ص ۱۳۰؛ موفق بن احمد خوارزمی، مناقب خوارزمی، ص ۳۵۰؛ علی بن عیسی اربلی، کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۶۹.

۴. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۸۲.

فاطمه علیها السلام با فرزندش امام مجتبی علیه السلام بازی می کرد و او را بالا می انداخت و می فرمود: «كَانَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام تُرَقِّصُ ابْنَهَا حَسَنًا علیه السلام وَ تَقُولُ: أَشْبَهَ أَبَاكَ يَا حَسَنُ * وَ اخْلَعْ عَنِ الرَّسَنِ * وَ اعْبُدْ إِلَهًا ذَا مَنِّ * وَ لَا تُوَالِ ذَا الْإِحْنِ^۱: همانا فاطمه علیها السلام فرزندش حسن را تکان می داد و می گفت: حسن جان، مانند پدرت باش و ریسمان را از گردن حق بردار [حق را آزاد کن]. خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی [ورفاقت] مکن».

ب) پرورش روحیه عبادی

ایشان کودکان را به نماز و عبادت تشویق می کرد و خود الگوی عملی عبادت بود. امام حسن علیه السلام می فرماید: شبی مادرم را دیدم که تا صبح به عبادت مشغول بود و مرتب مؤمنان و دیگران را دعا می کرد، درحالی که هیچ دعایی برای خود نمی کرد. پس خدمت ایشان عرض کردم: مادر چرا همان گونه که برای دیگران دعا می کنید، برای خودتان دعا نمی کنید؟ فرمود: فرزندم «الجار ثم الدار: ابتدا همسایه سپس خانه».^۲

ج) رعایت عدالت

در برخورد با فرزندان، عدالت را رعایت می کرد تا زمینه حسادت و کینه فراهم نشود. روزی امام حسن علیه السلام نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد و اظهار تشنگی کرد. رسول خدا صلی الله علیه و آله بی درنگ برخاست، ظرفی برداشت و از گوسفندی که داخل منزل بود، مقداری شیر دوشید و به امام حسن علیه السلام داد. در این هنگام حسین علیه السلام خواست ظرف شیر را از برادرش بگیرد؛ اما پیامبر به حمایت از امام حسن علیه السلام مانع گرفتن شیر شد. فاطمه علیها السلام که شاهد این ماجرا بود، به پیامبر گفت: گویا حسن علیه السلام برای شما عزیزتر از حسین است! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: نه هر دو برایم عزیز و محبوب اند؛ ولی چون اول حسن علیه السلام تقاضا کرد، او را مقدم داشتم.^۳ این سخن فاطمه علیها السلام نشان دهنده اهتمام ایشان به رعایت عدالت بین فرزندان است.

د) پرورش روحیه نوع دوستی

فرزندان فاطمه علیها السلام مواردی را شاهد بودند که مادرشان به مردم کمک می کرد و خود گرسنه

۱. محمد بن علی ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب (علیهم السلام)، ج ۳، ص ۳۸۹.

۲. محمد بن علی ابن بابویه (شیخ صدوق)، علل الشرائع، ج ۱، ص ۱۸۲.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۲۸۳.

می‌ماند و به قیمت گرسنگی خود دیگران را سیر می‌کرد.^۱ این رفتار، درس ایثار و نوع دوستی را به کودکان می‌آموخت.

۳. تحلیل روان‌شناختی - دینی سیره فاطمی

۳-۱. بُعد عاطفی

سیره فاطمی در بُعد عاطفی بر محبت، احترام و درک متقابل استوار است. تحقیقات روان‌شناختی نشان می‌دهد قدردانی از همسر، رابطه صمیمی بین همسران را پایدارتر می‌کند و رضایت زناشویی را افزایش می‌دهد.^۲ حضرت فاطمه علیها السلام با ابراز محبت کلامی و عملی، این نیاز عاطفی همسرش را برآورده می‌کرد.

۳-۲. بُعد رفتاری

مسئولیت‌پذیری، سخت‌کوشی و قناعت را در بُعد رفتاری می‌توان از ویژگی‌های بارز سیره فاطمی دانست. این رفتارها نه تنها سبب تحکیم خانواده می‌شود، بلکه الگویی برای جامعه اسلامی است. تقسیم کار منصفانه بین زوجین از عوامل کاهش تعارض و افزایش رضایت زناشویی است.^۳

۳-۳. بُعد معنوی

در بُعد معنوی، مواردی چون خدامحوری و رضایت الهی، شالوده زندگی فاطمی است. ایشان در همه امور از انتخاب همسر تا تربیت فرزند، رضایت خدا را مقدم بر خواسته خود می‌دانست. این نگرش توحیدی سبب می‌شد سختی‌های زندگی بر ایشان آسان جلوه کند و در برابر مشکلات، صبر و استقامت نشان دهد.

۴. الگوی فاطمی در جامعه معاصر

۴-۱. معاصر سازی سیره فاطمی

برخی افراد ممکن است باور داشته باشند که الگوگیری از شخصیت‌های تاریخی به دلیل تفاوت

۱. نمونه‌ای از این صفت را می‌توان در داستان نزول سوره «انسان» مشاهده کرد.

۲. آمنه گنجیان و دیگران، «مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایز یافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره»، ص ۱۰۵.

۳. کاوه قبادی و دیگران، «تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک‌شده از آن و رضایت زناشویی»، ص ۲۱۱.

زمان و مکان، امکان‌پذیر نیست؛ اما منظور از اسوه‌پذیری، تقلید کورکورانه قالب‌های رفتاری نیست، بلکه درک حقیقت و روح این رفتارهاست؛ برای مثال جهیزیه ساده حضرت فاطمه علیها السلام و زندگی بر روی پوست گوسفند در زمان ما تکرارناپذیر است؛ اما حقیقت این رفتارها، ساده‌زیستی و دوری از تجمل‌گرایی است که در همه دوران‌ها اجراشدنی است.

۴-۲. کاربرد الگوی فاطمی در سیاست‌گذاری فرهنگی

الگوی فاطمی می‌تواند مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و آموزشی در راستای تحکیم خانواده باشد:

الف) گنجاندن سیره فاطمی در کتب درسی: آموزش مؤلفه‌های همدلی، مسئولیت‌پذیری و تربیت دینی در مدارس و دانشگاه‌ها؛

ب) طراحی کارگاه‌های آموزشی برای زوجین: برگزاری دوره‌های مهارت‌آموزی با محوریت سیره فاطمی؛

ج) ترویج ساده‌زیستی و قناعت: سیاست‌گذاری فرهنگی برای کاهش تجمل‌گرایی در مراسم ازدواج و زندگی روزمره؛

د) حمایت از نقش مادری: تقویت جایگاه مادر در خانواده و جامعه با الهام از سیره فاطمی.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۰۴ ق.

۲. ابن‌اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (اشعثیات)، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه، [بی‌تا].

۳. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، الامالی، قم: مؤسسه البعثه، ۱۴۱۷ ق.

۴. _____، علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری، ۱۳۸۵ ش.

۵. _____، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.

۶. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.

۷. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الأئمة، قم: الشریف الرضی، ۱۴۲۱ ق.

۸. حر عاملی، محمد بن حسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، تحقیق: مؤسسه آل‌البیت علیه‌السلام لإحياء التراث. قم: مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، ۱۴۱۴ ق.
۹. خزاز قمی رازی، علی بن محمد بن علی، کفایة الاثر فی النص علی الائمة الاثنی عشر، قم: انتشارات قم، ۱۴۰۱ ق.
۱۰. خوارزمی، موفق بن احمد، المناقب (مناقب امیرالمؤمنین علیه‌السلام)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۱ ق.
۱۱. دشتی، محمد، فرهنگ سخنان حضرت زهرا علیها‌السلام (نهج الحیة)، قم: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، [بی‌تا].
۱۲. راستگو، مصطفی، بیت الاحزان، قم: کتابستان معرفت، ۱۴۰۰ ش.
۱۳. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۱۴. قبادی، کاوه و دیگران، «تقسیم کار خانگی میان زوجین، عدالت ادراک‌شده از آن و رضایت زناشویی»، خانواده‌پژوهی، دوره ۷، ش ۲۶، ۱۳۹۰ ش.
۱۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.
۱۶. قمی، شاذان بن جبرئیل، الروضة فی فضائل امیرالمؤمنین، قم: [بی‌نا]، ۱۴۲۳ ق.
۱۷. کفاح، حداد، قراءة فی السيرة الفاطمية، كربلا: العتبة الحسينية المقدس قسم الشؤون الفكرية والثقافية، ۱۴۳۶ ق.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیة، ۱۴۰۷ ق.
۱۹. گنجیان، آمنه و دیگران، ۱۴۰۴. «مدل ساختاری صمیمیت زناشویی بر اساس تحمل پریشانی و تمایز یافتگی: نقش میانجی کیفیت رابطه با خانواده همسر در زنان متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره»، پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، دوره ۱۵، ش ۵۸، ۱۴۰۴ ش.
۲۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، قم: دارالکتب الاسلامیة، [بی‌تا].

نقش حضرت زهرا سلام الله علیها در جنگ و جهاد

سید محمدعلی ذکری *

چکیده

این مقاله، با تمرکز بر جنگ نظامی، نقش حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در جنگ و جهاد را بر اساس گزارش‌های تاریخی و روایات بررسی می‌کند. میان جهاد ابتدایی و دفاعی تمایز گذاشته می‌شود: مشارکت مستقیم زنان در جهاد ابتدایی واجب نیست، اما در جهاد دفاعی و در صورت نیاز ضرورت می‌یابد. بحث در چهار محور سامان یافته است: پشتیبانی پشت جبهه، حضور در جبهه، فعالیت پس از جنگ و حمایت معنوی از رزمندگان. در محور نخست، مدیریت خانه و تربیت فرزندان در غیاب امیرالمؤمنین علیه السلام، زمینه‌ساز حضور ایشان در میدان‌های جهاد معرفی می‌شود و ماجرای جنگ ذات السلاسل نمونه این همراهی است. در محور دوم، حضور حضرت در احد، جنگ خندق و فتح مکه بررسی می‌شود: درمان جراحات پیامبر صلی الله علیه و آله، شست‌وشوی شمشیرها، آماده‌سازی آذوقه و آب و برافراشتن خیمه، مهم‌ترین فعالیت‌های امدادی گزارش شده‌اند. محور سوم به سرکشی از بازماندگان شهیدان، زیارت منظم قبور شهدای احد و سوگواری برای شهیدانی چون حمزه و جعفر بن ابی طالب می‌پردازد و محور چهارم با نقل خاطرات دفاع مقدس، توسل رزمندگان و امدادهای غیبی منسوب به حضرت را مطرح می‌کند. حاصل آن است که نقش ایشان به حضور در میدان محدود نیست؛ بلکه خانواده‌داری، امداد رسانی، حمایت اجتماعی و پاسداشت یاد شهیدان را نیز دربرمی‌گیرد.

کلیدواژه‌گان: حضرت زهرا علیها السلام؛ جنگ و جهاد؛ امدادگری؛ پشتیبانی دفاعی.

مقدمه

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ وَفَرَّوَا جَمِيعًا»^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آمادگی خود را در برابر دشمن حفظ کنید و در گروه‌های متعدد یا به صورت یک گروه [طبق شرایط موجود به سوی دشمن] حرکت کنید». «حذر» به معنای بیداری، آماده‌باش و وسیله دفاع است؛ «نفر» نیز به معنای کوچ و «ثبات» به معنای دسته‌ها و گروه‌هاست.^۲ خداوند در آیات ۷۱ تا ۷۵ سوره «نساء» درباره جنگ و جهاد به مؤمنان دستور می‌دهد برای جهاد نظامی آماده باشید و مانند منافقان از جنگ و جهاد نهراسید؛ سپس در آیه ۷۶ می‌فرماید: «فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ: پس با یاران شیطان که دشمنان شما هستند، پیکار کنید و از آنها نهراسید». حضرت زهراب عليه السلام نیز بر اساس همین دستور خداوند، نقش بسزایی در جریان‌های سیاسی و اجتماعی داشتند؛ یکی از نقش‌های ایشان، جهاد و مبارزه بود.

«جنگ» امری ترکیبی است و سه نوع جنگ اهمیت بیشتری دارد: جنگ شناختی، جنگ نظامی و جنگ رسانه‌ای.^۳ آن حضرت در جنگ نظامی در سه حالت مؤثر بود: در پشت جبهه و سنگر جامعه و خانواده؛ حضور در جبهه با تدارکات و پرستاری؛ و پس از جنگ با سرکشی از بازماندگان و خانواده شهیدان و جانبازان؛ حتی پس از زمان حیات خود با توجه خاص به رزمندگان و شهیدان در طول هشت سال دفاع مقدس و جنگ‌های دیگر از جمله جنگ سی‌وسه روزه لبنان آنان را یاری می‌کردند.

در جنگ شناختی، با جهاد تبیین به دفاع از ولایت پرداختند و با توصیف شرایط و اقتضائات زمانه و عملکرد مردم، به تبیین وظایف مردم درباره امر ولایت پرداختند. آن حضرت در جنگ رسانه‌ای نیز با فعالیت‌هایی مانند روشنگری، افشاگری و تحریک عواطف، بینش و گرایش مردم را مخاطب قرار داد و متوجه وظایف خود گرداند. در این نوشتار به نقش حضرت زهراب عليه السلام در جنگ نظامی پرداخته می‌شود.

۱. نساء: ۷۱.

۲. محسن قرآنی، تفسیر نور، ذیل آیه.

۳. جنگ رسانه‌ای اخص از جنگ شناختی و همراه روش‌های رسانه‌ای مانند افشاگری است؛ همچنین عملیات رسانه‌ای، میان مدت و با هدف تغییر تحلیل افراد است؛ اما جنگ شناختی، بلندمدت با تأثیر عمیق است.

در جهاد ابتدایی مشارکت مستقیم زنان در نبرد نظامی واجب نیست؛^۱ اما در جهاد دفاعی و در صورت نیاز، مشارکت زنان واجب است.^۲ منابع تاریخی، نمونه‌هایی از حضور زنان در جنگ‌های پیامبر را گزارش کرده‌اند؛ از جمله در جنگ احد، چهارده زن از جمله حضرت زهرا علیها السلام و عایشه به تهیه آذوقه، رساندن آب و درمان مجروحان می‌پرداختند.^۳ این مقاله تنها به بیان جنگ و جهاد نظامی - هرچند در قالب امدادگری و پشتیبانی دفاعی - حضرت زهرا علیها السلام می‌پردازد و به سایر انواع جنگ‌ها پرداخته نمی‌شود.

الف) پشت جبهه

حضرت زهرا علیها السلام نقش مؤثری در پشت جبهه داشت؛ ایشان دو نقش خانوادگی و اجتماعی را در پشت جبهه ایفا می‌کرد. آن حضرت مدیریت خانه را بر عهده می‌گرفت تا امکان حضور امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جبهه فراهم شود. امام علی علیه السلام در زندگی مشترک خود با حضرت زهرا علیها السلام بیشتر اوقات مبارکش را در میدان‌های جهاد یا مأموریت‌های تبلیغی گذراند. در غیاب ایشان، همسر وفادارش فاطمه علیها السلام وظیفه اداره خانه و تربیت فرزندان را بر عهده داشت و این کار را به بهترین وجه انجام می‌داد. حضرت زهرا علیها السلام با درک موقعیت امام علی علیه السلام و جنگ و جهاد ایشان، با انجام جهاد زنانه در پشت جبهه و مدیریت خانه، زمینه شرکت امام علی علیه السلام در جهاد را فراهم می‌آوردند.

حبّ علی نتیجه احسان فاطمه است او هل اتای فاطمه، قرآن فاطمه است
اسباب شادی لب خندان فاطمه است این مرد مهربان به خدا جان فاطمه است

۱. پشتیبانی در جنگ ذات السلاسل

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سال هشتم هجرت حضرت علی علیه السلام را در ماجرای جنگ «ذات السلاسل» به سوی بیابان و ریگ‌زار یابس برای سرکوبی دشمن فرستاد. روایت شده است حضرت علی علیه السلام عصابه (دستمال) مخصوصی داشت که هرگاه به جنگ بسیار سختی می‌رفت، آن عصابه را بر

۱. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۷؛ حسن بن یوسف علامه حلی، تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۱۲. از

اهل سنت: عبدالله بن احمد ابن قدامة، المغنی، ج ۹، ص ۱۹۷.

۲. زین الدین بن علی شهید ثانی، مسالک الأفهام، ج ۳، ص ۸. جعفر بن خضر کاشف الغطاء، کشف الغطاء، ص ۳۹۵ - ۳۹۶.

۳. محمد بن عمر واقدی، کتاب المغازی، ج ۱، ص ۲۴۹.

سر می‌بست. در این سفر هم نزد فاطمه علیها السلام آمد و آن عصابه را طلبید.^۱ این گزارش تاریخی نشان‌دهنده حضور فاطمه علیها السلام در صحنه‌های حساس در کنار همسرش و یاری ایشان بوده است.

ب) حضور در جبهه

جهاد و جنگ نظامی از وظایف مردان است؛ از این رو حضرت علی علیه السلام عهده‌دار آن بود و حضرت زهرا علیها السلام علیها سلام بیشتر نقش حمایتی داشت و در پشت جبهه با پذیرش مسئولیت خانواده و ترغیب اجتماعی، به وظیفه خود عمل می‌کرد. البته حضرت فاطمه علیها السلام در چند جنگ شرکت داشت و کارهای بسیاری از جمله پشتیبانی و فراهم آوردن امکانات جنگ همانند آماده‌سازی خیمه، تهیه غذا و امدادگری را انجام می‌داد.

در نگاه ابتدایی ممکن است تصور شود هیچ‌یک از منابع معتبر تاریخی به حضور حضرت زهرا علیها السلام در صحنه‌های جنگ اشاره نکرده‌اند و تنها در جنگ احد آن هم پس از پایان جنگ، در حالی که هنوز مشرکان در منطقه احد بودند، ایشان حضور یافته است؛ در حالی که از بررسی منابع معتبر تاریخی به دست می‌آید ایشان در جنگ‌های متعدد حضور داشتند و به امدادگری و پشتیبانی دفاعی می‌پرداختند.

۱. شرکت در جنگ احد و امدادگری و آماده‌سازی وسایل جنگی

فاطمه علیها السلام همراه زنان مدینه در جنگ احد در شش کیلومتری مدینه حضور داشت. بر اساس گزارش‌های تاریخی و روایی، ایشان در امدادگری و آماده‌سازی وسایل جنگی کمک می‌کردند. در این نبرد، رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت زخمی شد و علی علیه السلام نیز جراحاتی برداشت. فاطمه علیها السلام خون از چهره پیامبر صلی الله علیه و آله می‌شست و علی علیه السلام با سپر خود آب می‌ریخت. هنگامی که فاطمه علیها السلام مشاهده کرد خون بند نمی‌آید، قطعه حصیری را سوزانید و خاکستر آن را بر زخم پاشید تا خون بند آمد. آن روز پیامبر و علی علیه السلام شمشیرهای خود را به فاطمه علیها السلام دادند تا آنها را بشوید.^۲

۲. شرکت در جنگ خندق و پخت نان

بر اساس گزارش‌های تاریخی، حضرت فاطمه علیها السلام در نبرد خندق به کنار خندق می‌آید و برای پیامبر صلی الله علیه و آله که چند روز گرسنه بودند، غذای ساده‌ای تهیه می‌کند که از قرص نانی تجاوز نمی‌کرد. ایشان نانی را برای رسول خدا صلی الله علیه و آله بردند؛ پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: این چیست؟ فاطمه علیها السلام پاسخ داد:

۱. محمد بن محمد بن نعمان شیخ مفید، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۱۴۶-۱۴۷.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۹۶؛ ابی‌الفداء اسماعیل بن کثیر، السیره النبویه، ج ۳، ص ۵۸.

نان پختم، دلم آرام نگرفت تا برایتان آوردم. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: این اولین غذایی است که پس از سه روز در دهان می گذارم.^۱

۳. شرکت در فتح مکه

فاطمه زهرا علیها السلام در فتح مکه نیز حضور داشت و دست کم دو کار پشتیبانی و قاطعیت در امر جهاد را انجام داد. ایشان هنگام فتح مکه، برای پیامبر خیمه می زند، آب برای شستشو و غسل آماده می کند تا گردوغبار از تنش بشوید و لباس پاکیزه ای بپوشد و رهسپار مسجد الحرام شود.^۲

ام هانی، خواهر علی علیه السلام می گوید در روز فتح مکه دو نفر از خویشان مشرک شوهرم را پناه دادم و هنوز آنها در خانه ام بودند که ناگهان برادرم علی علیه السلام در حالی که سواره و زره پوش بود، پیدا شد و به طرف آن دو تن شمشیر کشید. میان او و ایشان ایستادم و گفتم: اگر بخواهی آن دو را بکشی، باید مرا هم پیش از آنها بکشی! علی علیه السلام بیرون رفت، در حالی که چیزی نمانده بود آنها را بکشد. من خود را به خیمه رسول خدا صلی الله علیه و آله در بطحا رساندم و آن حضرت را پیدا نکردم؛ ولی فاطمه علیها السلام را دیدم و ماجرا را برایش گفتم؛ اما دیدم فاطمه علیها السلام از همسر خود قاطع تر است و با تعجب گفت: تو هم باید مشرکان را پناه دهی؟ در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و از ایشان برای آن دو امان طلبیدم. پیامبر صلی الله علیه و آله به آنان امان داد، سپس به فاطمه علیها السلام فرمود که برای او آب فراهم کند تا شستشو نماید.^۳ این جریان به خوبی نشان دهنده جبهه گیری حضرت زهرا علیها السلام در برابر دشمن است.

ج) پس از جنگ

حضرت زهرا علیها السلام پس از جنگ افزون بر سرکشی به خانواده شهیدان، بر مزار شهیدان نیز حاضر می شد. گزارش های گوناگونی در این باره ارائه شده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۱. سرکشی از خانواده شهیدان

حمزه سیدالشهدا، عموی پیامبر صلی الله علیه و آله در نبرد احد به شهادت رسید. پس از نبرد، صفیه خواهر

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۲۴۵؛ ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۴۰۰.

۲. ابوعبدالله محمد بن سعد بن منیع، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۴۲.

۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۶۳۵.

حمزه به اتفاق فاطمه علیها السلام کنار پیکر مثله‌شده قرار گرفت و شروع به گریستن کرد. فاطمه علیها السلام نیز می‌گریست و پیامبر صلی الله علیه و آله هم با او گریه می‌کرد و خطاب به حمزه می‌فرمود: «هیچ مصیبتی مثل مصیبت تو به من نرسیده است». آن‌گاه خطاب به صفیه و فاطمه علیها السلام فرمود: «مژده باد که هم اکنون جبرئیل به من خبر داد که در آسمان‌های هفت‌گانه، حمزه شیر خدا و شیر رسول خداست». پس از نبرد احد، فاطمه زهرا علیها السلام تا زنده بود، هر دو-سه روز یک بار به زیارت شهیدان احد می‌رفت. در روایتی می‌خوانیم: «إِنَّ فَاطِمَةَ علیها السلام كَانَتْ تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ عَدَاةٍ سَبَّتِ فَتَأْتِي قَبْرَ حَمْزَةَ وَتَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ وَتَسْتَغْفِرُ لَهُ»^۱.

۲. زیارت قبور شهیدان احد

در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «عَاشَتْ فَاطِمَةُ علیها السلام بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا لَمْ تُرْكَاشِرَةً وَلَا صَاحِبَةً تَأْتِي قُبُورَ الشُّهَدَاءِ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّتَيْنِ - الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسِ فَتَقُولُ: هَاهُنَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ هَاهُنَا كَانَ الْمُشْرِكُونَ»^۲ جدهام فاطمه علیها السلام بعد از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله، فقط هفتادوپنج روز زندگی کرد. بعد از پدرش کسی او را شاد و خندان ندید. هر هفته روزهای دوشنبه و پنج‌شنبه به مقبره شهیدان احد می‌رفت و با یادآوری صحنه‌های جنگ احد می‌گفت: پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله در اینجا موضع گرفته بود و مشرکان در اینجا صف کشیده بودند».

۳. عزاداری و گریستن برای شهیدان

در نبرد موته، جعفرین ابی طالب به شهادت رسید. پیامبر صلی الله علیه و آله به خانه وی در مدینه رفت و همسر و فرزندان را دلداری داد و از آنجا به خانه فاطمه علیها السلام رفت. حضرت فاطمه علیها السلام می‌گریست؛ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «بر مثل جعفر باید گریه‌کنندگان بگریند»^۳.

د. حمایت حضرت زهرا علیها السلام از رزمندگان

حمایت از رزمندگان منحصر در زمان حیات حضرت زهرا علیها السلام نبود، بلکه ایشان پس از شهادت نیز در نبردها به رزمندگان مدد می‌رساند که این امور از معجزات آن حضرت به شمار می‌آید. در ادامه به دو نمونه از امدادهای غیبی از سوی ایشان اشاره می‌شود.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۰، ح ۱۳؛ همو، جلاء العیون، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲. سیدمحسن امین عاملی، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۳۱۹.

۳. سیدهاشم معروف الحسنی، سیره المصطفی، ج ۲، ص ۲۵۵.

۱. دفاع مقدس

رزمندگان اسلام در تنگناهای سخت جنگ و در کوران آتش دشمن، تنها راه چاره را در توسل به ساحت قدسی مادر سادات علیهم السلام می یافتند و قفل درهای بسته و رمز عبور از راههای دشوار را تنها با کلید توسل و اشک باز می کردند. در احوالات فرمانده شهید عبدالحسین برونسی نوشته اند: شب عملیات، نزدیک خاکریز عراقی ها به میدان مین رسیدند. هرچه می گشتند، معبر را پیدا نمی کردند. شهید عبدالحسین برونسی سردرگم بود و چهل - پنجاه متر آن طرف تر یک گردان نیرو منتظر دستورش. می گفت: «متوسل شدم به حضرت زهرا علیها السلام، دلم شکست، گریه ام گرفت. نمی دانم چند دقیقه گذشت، بی اختیار دستور حمله را صادر کردم. آن شب حتی یک مین هم عمل نکرد. چند روز بعد، سه نفر از بچه ها رفتند طرف همان میدان مین. پای یکی از آنها بر اثر انفجار مین قطع شد. میدان پر بود از مین های ضد نفر. کلاه های شان را که پرتاب می کردند، مین ها منفجر می شدند»^۱.

۲. جنگ ۳۳ روزه لبنان

سردار شهید قاسم سلیمانی در خاطرات خود می گوید: از روز بیست و هشتم، جنگ بالعکس شد. ما از این صحنه ها در دفاع مقدس مان زیاد دیدیم؛ از عوامل برحق بودن خودمان در جنگ، روحیاتی که از رزمندگانمان بروز می کرد که بیشتر شباهت به حالت سیروس لک داشت و برداشتن حجاب ها. سخنانی می گفتند و رای حجاب ها و پرده ها. در آن کوران سخت جنگ یکی از برادران حزب الله که اهل تدین و تشیع بود و مسئول هم بود، در حالتی که به تعبیر خودش حالت خواب نبود، گفت دیدم یک بانویی با دو بانوی دیگر در کنارش آمدند. در عالم خواب حس کردم ایشان حضرت زهرا علیها السلام است. به عربی به او گفتم بین وضعیت ما را که چگونه است؟ حضرت فرمود: درست می شود. مُصَرِّ بودم از ایشان چیزی بگیرم. ایشان دو مرتبه فرمودند: درست می شود و وقتی اصرار من را دیدند، یک دستمالی را تکان دادند و فرمودند تمام شد. یک لحظه بعد یک هلیکوپتر اسرائیلی با موشک زده شد و بعد از آن سقوط رژیم شروع شد؛ یعنی زدن تانک ها و پیروزی حزب الله لبنان نقطه عطف و نقطه پایانی شد بر تصور هجوم رژیم صهیونیستی بعد از آن به لبنان. و این تصور تا به امروز وجود دارد و به نظرم به سادگی این تصور غیر قابل رفع است. بعد از جنگ سی و سه روزه، استراتژی بن گورین در جنگ

۱. سعید عاکف، خاک های نرم کوشک، ص ۱۰۱.

پیش‌دستانه و استراتژی هجومی رژیم صهیونیستی آرام‌آرام تبدیل شد فقط به استراتژی دفاعی.^۱ در پایان ذکر این نکته سزامند است که که برخی امور بر اساس روایات در زمره جهاد زن دانسته شده است و در زمانی که جهاد نظامی نیست، باز هم زنان می‌توانند با انجام این امور در هر زمانی در حال جهاد باشند و این یکی از برجستگی‌های جهاد زنان است:

۱. شوهرداری نیکو: امام کاظم علیه السلام جهاد زن را نیکوشوهرداری دانسته است.^۲
۲. تحمل همسر: امام باقر علیه السلام جهاد زن را تحمل در برابر آزار همسر معرفی کرده است.^۳
۳. خانه‌داری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارزش کارهای خانه را همانند جهاد دانسته است.^۴
۴. بارداری: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «زن باردار پاداشی همانند جهادگران دارد و با زایمان آمرزیده می‌شود».^۵

کتابنامه

۱. ابن‌قدامة، عبدالله بن احمد، المغنی، قاهره: مكتبة القاهرة، ۱۳۸۸ ق.
۲. ابن‌کثیر، ابی‌الفداء اسماعی، السيرة النبویه، بیروت: دارالمعرفة، ۱۳۹۶ ق.
۳. امین، سیدمحسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۴. حسنی، هاشم معروف، سيرة المصطفی، ترجمه: حمید ترقی‌جاه، تهران: حکمت، ۱۴۱۲ ق.
۵. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی، مسالک الأفهام، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية، ۱۴۱۳ ق.
۶. شیخ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۷. شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: اسلامیه، [بی‌تا].
۸. عاکف، سعید، خاک‌های نرم کوشک، مشهد: کاتبان، ۱۳۸۴ ش.
۹. علامه حلی، حسن بن یوسف، تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل‌البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین، قم: انتشارات رضی، ۱۳۷۵ ش.
۱۱. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش.

1. <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=43598>.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۰۷.

۳. همان، ص ۹.

۴. محمد بن احمد فتال نیشابوری، روضة الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۶.

۵. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۶۱۸.

۱۲. کاتب واقدي، ابو عبدالله محمد بن سعد بن منيع، الطبقات الكبرى، بيروت: دارصادر، [بی تا].
۱۳. کاشف الغطاء، جعفر بن خضر، کشف الغطاء، اصفهان: انتشارات مهدي، [بی تا].
۱۴. کليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تهران: دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، بيروت: دارالکتب العربيه، ۱۴۰۴ ق.
۱۶. _____ جلاء العيون، قم، سرور، ۱۳۸۲ ش.
۱۷. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، بيروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. واقدي، ابو عبدالله محمد بن عمر، المغازی، بيروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ ق.

